



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان شیراز

# شروع، هشتم، هشتم

**آنچه در این شماره می خوانید:**

- تأثیر مسئولیت پذیری در ارتقاء کیفی سبک زندگی اسلامی
- وظایف آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت نسل مومن بر اساس بیانات رهبری و بیانیه گام دوم انقلاب
- راز ماندگاری انقلاب اسلامی بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب
- نگرش امام خامنه ای به سیاست و روش های سیاسی
- نقش تحکیم باورها و ارزش های دینی در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران

**شماره هشتم - بهار ۱۴۹۹**

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



### مقام معظم رهبری

مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره بگیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی

بسازند. (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بهمن ۱۳۹۷)

# پژوهشنامه تسنیم

شماره ۶- بهار ۱۳۹۹

## فهرست مطالب

- تأثیر مسئولیت پذیری در ارتقاء کیفی سبک زندگی اسلامی..... ۱
- وظایف آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت نسل مومن بر اساس بیانات رهبری و بیانیه گام دوم انقلاب..... ۲۱
- راز ماندگاری انقلاب اسلامی بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب..... ۳۸
- نگرش امام خامنه ای به سیاست و روش های سیاسی..... ۶۰
- نقش تحکیم باورها و ارزش های دینی در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران..... ۸۳

### تهیه شده در واحد پژوهش حوزه علمیه الزهرا(س) شیراز

مدیر مسئول: زهرا احمدی

سر دبیر: نهمه رضوی

هیئت تحریر و تایپ: زینب نوروزی، کبری مرادی

محبوبه غنی، راضیه السادات شکوفه پین، نهمه رضوی.

## سخن سردبیر

خداوند را سپاسگزاریم که منت نهاده و توفیق تداوم تحریر نشریه تسنیم را بار دیگر به مای کمترین افاضه نموده تا بتوانیم دست نوشته‌ها و فعالیت‌های پژوهشی طلاب مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) را در معرض دید و قضاوت شادوستان عزیز قرار دهیم.

از سوی دیگر با توجه به ناکنداری سال ۹۸ و ۹۹ به سال تولید ملی و جهش تولید و هم‌چنین انتشار بیانیه‌ی کام‌دوم انقلاب اسلامی توسط مقام معظم رهبری و اهمیت این موضوع، این شماره از گاهنامه تسنیم به صورت اختصاصی و ویژه به موضوعات بیانیه‌ی کام‌دوم انقلاب اسلامی و سبک زندگی اسلامی خواهد پرداخت و محورهای گوناگون این بیانیه که هر کدام چراغ راه رسیدن به اهداف والای انقلاب اسلامی است را یکایک بر خواهد شمرد و به بحث و تحقیق خواهد نشست.

از آنجا که بیچ‌نگارش و تحقیقی‌خالی از ایرادات بزرگ یا کوچک نیست، از شما مخاطبین اهل فن تقاضای شود نظرات و پیشنهادات خود را در خصوص این نشریه یا واحد پژوهش حوزه الزهرا (سلام الله علیها)

سردبیر نشریه تسنیم

نجمه رضوی - بهار ۹۹

## تأثیر مسؤلیت پذیری در ارتقاء کیفی سبک زندگی اسلامی

زینب نوروزی\*

### چکیده

سبک زندگی تجویزی اسلام، در مفهوم، به گونه‌ای سازمان‌دهی شده است که جامعیت لازم را داشته باشد و هیچ جزئی از آن مورد غفلت نباشد. تأثیری که فرد، با مسؤلیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی به وجود آورده، این است که در حفظ عزت خویش تلاش کرده و از هر آنچه به خواری او می‌انجامد، دوری نماید و آن تأثیری که مسؤلیت‌پذیری در ارتقاء کیفی سبک زندگی اسلامی در حیطه خانواده باید داشته باشد، این چنین است که زن و مرد با پی‌ریزی کانون خانواده و تشکیل آن عمری را در کنار هم می‌گذرانند و فرزندان را در دامن پر مهر خویش می‌پروراند. اگر هر یک از اعضای خانواده بدون هیچ‌گونه کوتاهی کردن مسؤلیت‌های خود را به انجام رسانند، یقیناً این کانون گرم سامان می‌یابد. تأثیر مسؤلیت‌پذیری در ارتقاء کیفی سبک زندگی اسلامی در حیطه اجتماع هم به این گونه است که زندگی اجتماعی از یک نوع ارتباط و هماهنگی مخصوصی برخوردار است و افراد بدون تعاون و همکاری نمی‌توانند نیازهای خود را تأمین کنند و از آنجا که باید همه عواطف به سوی خداوند متعال جهت‌گیری شود، احساس مسؤلیت در قبال دیگری اهمیت دارد. پس انسان همان‌گونه که به منافع فردی خویش می‌اندیشد به رعایت منافع جمعی نیز ملزم است. بنابراین انسان باید خود را از جامعه و جامعه را از خود بداند. سعادت جامعه را سعادت خود و انحطاط آن را انحطاط خویش بداند. روش این تحقیق توصیفی و کتابخانه‌ای است.

**کلید واژه: اجتماع، خانواده، سبک زندگی اسلامی، فرد، مسؤلیت‌پذیری.**

### ۱- مقدمه

پرداختن به موضوع مسؤلیت‌پذیری در ابعاد مختلف سبک زندگی اسلامی از مباحث بسیار مهم و ضروری جامعه امروزی ما می‌باشد؛ چرا که زندگی افراد با پیشرفت تکنولوژی، سهولت در دسترس قرار گرفتن اطلاعات مفید و غیر مفید، بحران جمعیت، بحران سلامتی و تغذیه رو به رو می‌باشد. پرداختن به موضوع مسؤلیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد کند. وقتی افراد نتوانند بین راه و رسم زندگی خود و ارزش‌ها و باورهای خود که دارند ارتباط برقرار کنند بعد از مدتی ممکن است به راحتی از این باورها و اعتقادات خود دست بکشند و این چنین فکر کنند که دیگر برایشان کارایی ندارد و از این جهت برای تغییر رویه و سبک زندگی غیر اسلامی خود توجیه آورند

\* طلبه سطح ۲، حوزه علمیه الزهرا(س)، شیراز

و باورها و ارزش‌ها را زیر سؤال ببرند. در این زمینه قرآن می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أُنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ؛ سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند، به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و پیوسته آن را مسخره می‌نمودند.» (روم/۱۰)

در بررسی پیشینه موضوع مشخص شد که آثار بسیاری در مورد سبک زندگی در ایران انجام شده است که این آثار معمولاً یا مربوط به سبک زندگی با متغیرهای مرتبط با سلامت، یا در رابطه با سبک زندگی با متغیرهای روان‌شناختی می‌باشد و یا اینکه سبک زندگی را در ارتباط با اجتماع بررسی کرده‌اند. اما با این حال، سبک زندگی با رویکردهای دینی نیز در برخی تحقیقات صورت گرفته است.

با توجه به اینکه مسئولیت‌پذیری از مهمترین و هدفمندترین بخش‌های سبک زندگی اسلامی است، این مسئولیت‌پذیری باید تأثیر به‌سزایی در جهت کیفیت بالای سبک زندگی اسلامی در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی داشته باشد. اما به دلیل اینکه تاکنون اثر جامعی، در ارتباط با تحلیل مسئولیت‌پذیری در ابعاد مذکور صورت نگرفته است، این اثر به دنبال آن است که با استناد به آیات و روایات بعد از تبیین مفاهیم مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی اسلامی به تحلیل ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی بپردازد.

## ۲- مفهوم شناسی مسئولیت

### ۲-۱- مفهوم لغوی مسئولیت

واژه مسئولیت از سؤال اشتقاق یافته و در اصل اسم مفعول است که با افزودن «یاء» نسبت و «تاء» تأنیث مصدر صناعی ساخته شده است. مسئولیت به لحاظ لغوی معانی متعددی دارد که از جمله آن‌ها طلب امری از شخص می‌باشد. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ص ۸)

در جای دیگر تعهد معنا شده است. (جرّ، ۱۳۹۳، ص ۱۹۰۰)

همچنین در المنجد به این معنا آمده که انسان مسئولیت، در برابر کارهای خود دارد. (معلوف، ۱۳۸۶،

ص ۶۹۷)

### ۲-۲- مفهوم اصطلاحی مسئولیت

مسئولیت به لحاظ اصطلاحی یعنی کسی یا چیزی که مورد سؤال و مؤاخذه واقع شود. (راغب اصفهانی،

۱۳۸۵، ص ۲۰۱)

در معارف و معاریف آمده؛ موظف بودن به انجام کاری، که آیات و روایات و منقولات تاریخ در این باره

بسیار است. (حسینی دشتی، ۱۳۹۳، ص ۵۱۰۲)

از جمله آیه‌ای که به آن اشاره می‌شود: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا هَمَانَا گوش و چشم و دل همه مسئول‌اند.» (اسراء/۳۶)

مسئولیت هنگامی مفهوم پیدا می‌کند که در هستی خدایی و حکمتی و شعوری باشد؛ چرا که در هستی غیر خدایی و بی حکمتی دیگر مسئولیتی نمی‌باشد. (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ص ۲۴)

### ۳-۲- منشأ پیدایش مسئولیت

مفهوم مسئولیت مانند مفهوم «پدر-فرزندی» و «بالا-پایین» از مفاهیم متضایف است؛ یعنی همان‌طور که پدر بدون فرزند و فرزند بدون پدر و نیز مفهوم بالا بدون پایین و بالعکس صدق نمی‌کند، مسئولیت نیز بدون سؤال کننده مفهوم نمی‌یابد. از این رو زمانی که سخن از مسئولیت انسان به میان می‌آید، به دنبال خواهان و سؤال کننده ای باید بود تا چیزی را بطلبد و بخواهد تا مسئولیتی ایجاد شود. بر این اساس باید دید منشأ پیدایش مسئولیت کیست و چیست؟ منشأ پیدایش مسئولیت گاه نیروهای باطنی مانند فطرت، وجدان و خرد آدمی و گاه خدا و دین و گاهی نیز قوانین، آداب و سنت های حاکم بر جامعه است.

#### ۱-۳-۲- فطرت

فطرت پاک و عقل انسان، او را با خوبی‌ها و بدی‌ها آشنا می‌کند و او را موظف می‌سازد تا خوبی‌ها را ظاهر سازد و بدی‌ها را کنار گذارد. (وطن دوست، ۱۳۹۲، ص ۶۶)

#### ۲-۳-۲- مکتب وحی

هر چند انسان به درک و فهم فطری مجهز است و با کمک آن خوبی‌ها را از بدی‌ها تشخیص می‌دهد و به خوبی‌ها و زیبایی‌ها هدایت می‌گردد و به دلیل محدودیت فهم و دانش بشر، این خوبی‌ها و زیبایی‌ها که بی‌شمار است، در آن نمی‌گنجد. از این رو لازم است دیگر ارزش‌ها و زیبایی‌ها را که از این دایره بیرون‌اند در مکتب وحی آموخت. زیرا این مکتب وحی است که به خوبی‌ها فرمان و به بدی‌ها هشدار می‌دهد.

#### ۳-۳-۲- جامعه

اجتماع و جامعه هم مسئولیت پذیر است و هم مسئولیت گذار؛ مسئول بودن جامعه از آن رو است که افراد آن سؤال می‌شوند و در برابر حسن انجام مسئولیت ستایش می‌گردند و در برابر کوتاهی در انجام وظیفه نکوهش و مجازات می‌شوند. مسئولیت گذار بودن جامعه به آن سبب است که تک تک افراد را موظف به رعایت هنجارهای اجتماعی می‌کند. ضرورت حفظ اسرار و اموال عمومی و نیز حرمت برخی رفتارهای اجتماعی مانند قانون گریزی، سنت شکنی و حتی برخی ناهنجاری‌های اقتصادی مانند اسراف و احتکار همه نشان از مسئولیت افراد در برابر جامعه دارد. اینکه گاه در احکام فقهی، لزوم و عدم لزوم چیزی به عرف



واگذار شده است، مؤیدی برای این ادعا است که عرف و جامعه گاهی موضوع مسئولیت را تعیین می‌کند.  
(وطن‌دوست، ۱۳۹۲، ص ۶۷)

### ۳- مفهوم شناسی سبک زندگی اسلامی

مفهوم سبک زندگی از یک سو جزئی ترین رویدادهای حیات بشر و از سوی دیگر تا اعماق وجود آدمی را در بر می‌گیرد و حال اینکه پیوند نزدیکی با مجموعه‌ای از مفاهیم نظیر فرهنگ، جامعه، رفتار، شخصیت و سنت دارد. (فغالی، ۱۳۹۴، ص ۲۳)

#### ۳-۱- مفهوم لغوی سبک

لغت شناسان واژه سبک را به معنای گداختن زر و سیم یا مانند آن و در قالب ریختن آن‌ها، به کار برده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۶۲)

در دوره جدید گفته‌اند: «سَبَكُ الْكَلَامِ یعنی سخن را خوب آراست و تهذیب کرد» (معلوف، ۱۳۸۴، ص ۸۱۱)

#### ۳-۲- مفهوم اصطلاحی سبک

معنای اصطلاحی سبک را چنین گفته‌اند: شیوه مشخصی که در انجام گرفتن کاری یا ساخته شدن چیزی به کار می‌رود. (انوری، ۱۳۹۰، ص ۴۰۱۶)

#### ۳-۳- مفهوم اسلامی بودن سبک زندگی

سبک زندگی تجویزی اسلام، در مفهوم به گونه‌ای سازماندهی شده است که جامعیت لازم را داشته باشد و هیچ جزئی از آن مورد غفلت نباشد. بین اجزای آن هماهنگی مفهومی، نظری و انسجام لازم وجود داشته باشد. ناظر به زندگی امروزی و الزامات آن باشد. بر این اساس، در سطح ملی برای گسترش سبک زندگی اسلامی باید همه نهادهای موجود در جامعه، اعم از آموزشی، تربیتی، تفریحی، اقتصادی و سیاسی به صورت هماهنگ نقش دقیق خود را ایفا کنند. ما وقتی می‌خواهیم سبک زندگی اسلامی را ترسیم کنیم و به عنوان یک دیدگاه جامع به دیگران ارائه دهیم، باید بدانیم که این سبک زندگی برای نوع انسانی است و برای یک گروه یا نژاد خاص نیست. (کاوایی، ۱۳۹۴، صص ۶۳-۶۱)

پایه‌های سبک زندگی اسلامی را دو اصل «بینش و منش اسلامی» تشکیل می‌دهند. بینش، همان مبانی اعتقادی و باورهای اسلامی سبک زندگی را تشکیل می‌دهد و منش دو بعد مبانی اخلاقی و ارزش‌های اسلامی و حقوقی را شامل می‌شود. که این دو با هم به اعمال و رفتار افراد معنا می‌بخشند. در این صورت هسته مرکزی سبک زندگی اسلامی را توحید و خدا باوری تشکیل می‌دهد که شالوده‌ی دین اسلام است و با

سایر اعتقادات اسلامی زنجیره‌ای از آداب را پدید می‌آورد که خود بعدی از هستی اجتماعی می‌شود. ( علی‌اکبری، ۱۳۹۴، ص ۳۰)

#### ۴- تأثیر مسئولیت‌پذیری بر سبک زندگی اسلامی در حیطه فردی

برای هر موجودی کمالی مقرر شده که غایت و هدف او است. در نظام تکوینی همه امکانات و شرایط لازم برای نیل به هدف، برایش پیش‌بینی شده و طبعاً همه موجودات مادی به سوی هدف خود در حرکت‌اند، اما نه علم به هدف دارند و نه راه را خود انتخاب کرده‌اند بلکه آفریدگار جهان است که نظام هستی را این‌چنین تنظیم کرده که هر موجودی تکویناً به سوی غایت و کمال ممکن خود رهسپار باشد و جز این چاره‌ای ندارد. بنابراین انواع موجودات این جهان با هدایت تکوینی به کمال ممکن و غایت وجودی خویش می‌رسند. اما خود در این باره مسئولیت و اختیاری ندارند؛ حتی حیواناتی که از احساس و شعور برخوردار بوده و اعمال و حرکاتشان را با اراده انجام می‌دهند، نیز افعالشان اختیاری نیست، بلکه مقهور غرایز خود هستند.

در بین تمام موجودات، تنها انسان است که مسئولیت پرورش و تکمیل نفس خود را بر عهده دارد. برای نوع انسان نیز هدف و غایتی پیش‌بینی و مقرر شده و وسیله نیل به هدف نیز در اختیارش قرار داده شده است. خدایی که همه موجودات را از هدایت به غایت و کمال مطلوب محروم نکرده، انسان را نیز از لطف بی‌بهره نساخته است. اما هدایت انسان تشریعی است نه تکوینی. (امینی، ۱۳۸۳، ص ۶۹)

خداوند برای سعادت و کمال انسان نیز برنامه و قوانینی تدوین کرده و به وسیله پیامبران در اختیارش قرار داده است. پیامبران آمدند تا صراط مستقیم تکامل انسانیت را در اختیار انسان‌ها قرار دهند و در پیمودن این راه یار و مددکارشان باشند. ولی انسان در انتخاب راه سعادت یا شقاوت، آزاد و مختار است و خود، مسئولیت پرورش و تکمیل نفس خویش را بر عهده دارد و جز از طریق سعی و تلاش چیزی عایدش نخواهد شد. (امینی، ۱۳۸۳، ص ۷۰)

خداوند در این باره در قرآن می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ به انسان چیزی نمی‌رسد، جز آنچه در رسیدن به آن سعی و کوشش کرده است» (نجم/۳۹)

همچنین خداوند می‌فرماید: «... كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ؛ هر نفسی جزای آنچه را کسب کرده خواهد دید و مورد ستم قرار نخواهد گرفت» (بقره/۲۸۱)

به هر حال جمادات، نباتات و حیوانات بر اساس شرایط و اوضاع تکوینی ساخته شده‌اند و پرورش می‌یابند و خود در این باره نقش آزادانه‌ای ندارند، ولی سازنده انسان خود او است و در این باره نقش آزادانه و آگاهانه‌ای دارد. او از نیروی عقل بهره گرفته، راه خود را می‌یابد و طبق دلخواه خویش انتخاب می‌کند.

انسان از جهت خصلت‌ها و خوی‌ها موجودی بالقوه و در آغاز تولد از هر گونه خصلتی خالی است، اما خصلت پذیر می‌باشد. به تدریج خصلت‌ها را می‌پذیرد و به عنوان ابعاد ثانوی بر وجودش عارض شده و او را شکل می‌دهند. بنابراین انسان سازنده خویش است و این مسئولیت بزرگ بر دوش خودش قرار داده شده است. هر یک از اعضا و جوارح انسان نیز بر او حقی دارند که نسبت به ادای آن‌ها وظیفه دارد. (امینی، ۱۳۸۳، ص ۷۱)

امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«وَ أَمَّا حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَسْتَوْفِيهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَتَوَدَّى إِلَى لِسَانِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى سَمْعِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى بَصَرِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى يَدِكَ حَقَّهَا وَ إِلَى رِجْلِكَ حَقَّهَا وَ إِلَى بَطْنِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى فَرْجِكَ حَقَّهُ وَ تَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَى ذَلِكَ؛ حَقُّ نَفْسِكَ بِرِيقِهَا وَ تَوَاتَرِهَا وَ حَقُّ فَرْجِكَ بِرِيقِهَا وَ حَقُّ عَيْنَيْكَ بِرِيقِهَا وَ حَقُّ مَشِيمَتِكَ بِرِيقِهَا وَ حَقُّ مَشِيمَتِكَ بِرِيقِهَا وَ حَقُّ مَشِيمَتِكَ بِرِيقِهَا» (حرانی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۲)

بنابراین فرد مسئولیت پذیر باید نسبت به خود احساس مسئولیت داشته باشد. هر انسانی در گذشته خود اشتباه‌هایی داشته، مبتلا به شکست‌هایی شده و نیز موفقیت‌هایی را کسب کرده است. فرد مسئولیت پذیر خودش را عامل تمامی امور مزبور می‌داند.

مسئولیت پذیری نگرش و احساس درونی است، اگر نگاه و احساس فرد این باشد که عامل تمامی شکست‌ها و پیروزی‌های گذشته، خود او است، در این صورت، فرد مسئولیت پذیری هست. بنابراین در سبک زندگی اسلامی قبول مسئولیت نسبت به خود به این معنا است که خود را در تمامی خطاها، اشتباه‌ها، نابسامانی‌ها و نیز موفقیت‌ها، پیروزی‌ها و رفتارهای خوب مؤثر بداند و از این طریق سعی کند از کژی‌های خود بکاهد و بر خوبی‌های خویش بیفزاید. (فعالی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۲)

در سبک زندگی اسلامی این چنین است که فرد نسبت به خود این مسئولیت را دارد که در حفظ عزت خویش تلاش کند و از هر آنچه به خواری او می‌انجامد، فرد از آن بپرهیزد.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند: سزاوار نیست مؤمن خود را ذلیل کند. پرسیده شد: چگونه مؤمن خود را خوار می‌گرداند؟ فرمود: «يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يَطِيقُ؛ کاری که از توانایی او بیرون است بپذیرد.»

در جای دیگر نیز فرمودند: «يَدْخُلُ فِيمَا يَعْتَدِرُ مِنْهُ» مسئولیتی قبول کند که در پایان ناچار به عذرخواهی

شود. (حر عاملی، ۱۴۰۱، ق، ص ۴۲۵)

در رابطه با وظایف فردی، می‌توان گفت هر فرد بدون در نظر داشتن عضو خانواده یا جامعه بودن، آن وظیفه را به عهده دارد و نوع افراد، آن را انجام می‌دهند. هر فرد با این وظایف سبک زندگی دیگران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ یکی از آن‌ها وظیفه عبادت و معنویت است. عبادت به معنای عام، یعنی بندگی

کردن برای خداوند و به معنای خاص، یعنی اعمال ویژه ای که خداوند دستور داده است و باید به نیت نزدیک شدن به خداوند انجام داد؛ مثل نماز، روزه، اعتکاف، خمس، زکات، حج، جهاد و تلاوت قرآن که این قسم عبادات، الزامی یا ترجیحی است.

با معنویت است که فرد یک احساس ویژه پیدا می‌کند و آن را در موقعیت های خاص تجربه می‌کند، انواع و درجات مختلفی دارد که در بعضی فرهنگ‌ها، این احساس از راه ارتباط غیر مادی با امری متعالی حاصل می‌شود. اما اسلام فقط معنویت ناشی از یکتا پرستی و ارتباط با خداوند همراه با آگاهی و انجام دستورات الهی را می‌پذیرد. معنویت درون مایه و عصاره عبادت به معنای عام است. مصادیق عبادت خاص فراوان است؛ برای مثال نماز گل سرسبد عبادات است و انواع، شرایط، آداب و آثاری دارد. دعا به معنای مناجات با خداوند یا درخواست نیازهای فردی و اجتماعی است. انس با کتاب الهی در هر سطحی عبادت است؛ تلاوت قرآن، ادب در محضر آن، سکوت به هنگام تلاوت آن و تلاش برای فهم و عمل به آن وظیفه اصلی است. عبادات دیگر مانند روزه، اعتکاف، حج و عمره، صدقات واجب و مستحب، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری نیز از این قبیل است؛ بعضی از مصادیق بارز معنویت اسلامی عبارتند از: معنویت روزه به هنگام سحر، افطار و عید مبارک فطر، سحرخیزی و مناجات با خداوند، پرداختن مال در راه خداوند، جان‌فشانی در راه خداوند و تلاوت آیات قرآن. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۷)

از آنچه گذشت، از ملازمه ماهوی عبادت و معنویت معلوم است که فرد باید معنویت را از راه عبادت حاصل کند و اگر عبادت و معنویت، درست انجام شود، آثار و برکات بسیار اساسی مادی و معنوی برایش دارد که آرامش، لذت معنوی، کنار آمدن با سختی‌ها، گذشت از خطای دیگران، دل سپردن به دغدغه‌های بزرگ عمومی دنیا و آخرت، خود کنترلی بیشتر و از این قبیل موارد از جمله آن‌ها است.

در سبک زندگی اسلامی یکی از وظایف فردی این است که شخص، به گونه‌ای ویژگی‌های درونی خودش را بسازد که با این سیستم مفهومی انطباق داشته باشد؛ لازم است که بین ویژگی‌های درونی، صفات اخلاقی و نگرش‌ها تفکیک شود؛ بعضی از اموری که لازم است نسبت به آن‌ها باور درونی داشته باشد، برای نمونه عبارت‌اند از باور به اینکه انسان همواره در رنج است، به دنبال هر سختی آسانی وجود دارد، مؤمن آرام است، حرص دنیا را نمی‌خورد، در کار خیر سبقت می‌گیرد، خود را از عذاب الهی در امان نمی‌بیند و مواردی از این قبیل.

ایجاد انگیزه‌های درونی، نیاز به پیگیری های مستمر و استفاده از راهکارهای مناسب دارد.

الف) انگیزه‌ها، ارتباط محکمی با شناخت‌ها، عواطف و رفتارهای فرد دارند که باید همه را با هم پیش برد.

ب) تغییرات در شناخت، عواطف و رفتار در زمان خاص، کافی نیست، بلکه استمرار و غفلت زدایی دائمی لازم دارد.

ج) برای ایجاد و حفظ شناخت‌ها، عواطف و رفتارهای مورد نظر، ممکن است از تکنیک‌های روان‌شناختی استفاده شود.

د) از آیات و روایات نیز دستورالعمل‌های رفتاری به دست می‌آید. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸)  
یکی دیگر از وظایف فردی که در سبک زندگی اسلامی موضوعیت دارد، تدبیر خود در استفاده از زمان است. اولین نکته این است که فرد ارزش زمان را بداند. وقت ارزش فراطلابی دارد؛ قرض دادنی، ذخیره کردنی، تعویض کردنی، و خریدنی نیست. زمان رفته، قابل برگشت نیست. باید آفت‌ها را شناسایی و محدود کند. از این عمر باید در طلب آخرت استفاده کافی ببرد.

علل تضييع وقت عبارتند از: ۱- غفلت از مرگ ۲- تأخیر و تسویف ۳- بیکاری ۴- پرداختن به امور بیهوده ۵- بازی ۶- اشتغال به کارهای غیر مهم ۷- پرداختن به گذشته از دست رفته. پس لازم است فرد از این امور برای بهره بالا و مفید از زمان پرهیز کند.

نکته دیگر این است که فرد باید زمان‌های ویژه را بشناسد، هر کار را به موقع خودش انجام دهد و به تأخیر نیندازد. بدترین عذرخواهی آن است که به هنگام مرگ انجام شود. از دیدگاه عقلی خیر یا شر بودن یک زمان خاص، به این معنا است که حوادثی که در آن مدت رخ می‌دهد، خیر یا شر است. ولی خود نمی‌تواند به علل و اسباب حوادث و پدیده‌ها احاطه پیدا کند. بنابراین نمی‌تواند بر نفی یا اثبات خجستگی، برهانی بیاورد؛ اما از دیدگاه شرعی، در قرآن از شومی و خجستگی بعضی ایام یاد شده است و فرد باید به مقتضیات هر زمان عمل کند. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۱)

در سبک زندگی اسلامی توصیه شده است که فرد باید زمان را به سه بخش کار، عبادت و لذت‌های حلال تقسیم کند؛ ولی در زندگی امروزی عوامل فردی، اجتماعی، هنجارهای نانوشته اجتماعی، ساعات و شیفت‌های کاری ادارات و کارخانجات، برنامه‌های صدا و سیما و زمان پخش برنامه‌های پرجاذبه و در کنار این‌ها تبیین نشدن آموزه‌های اسلامی موجب اجرا نشدن این دستور است.

بنابراین در سبک زندگی اسلامی فرد مسئولیت کار، اشتغال و به دست آوردن مال حلال را به عهده دارد. اهداف کار زیاد است؛ مثل تأمین ضروریات زندگی خود و خانواده، کمک کردن به دیگران، صله ارحام، دستگیری از همسایگان، دوری از مفسدات اجتماعی و طلب درآمد حلال که این طلب روزی حلال واجب و در حکم جهاد است.

برای انجام کار آدابی است؛ الف) اوقات شبانه روز را باید برای کار، عبادت و لذت حلال زمان بندی کرد. ب) از ابزار و وسایل بهره کامل برد. ج) کار را باید به اتمام رساند. د) آن را به بهترین وجه انجام داد. ه) هر کار را در وقت معمول خودش انجام دهد. و) هنگام بیکاری خود را در معرض کسب و کار قرار دهد.

در سبک زندگی اسلامی تعلیم و تعلم و مزد گرفتن برای انجام تمام کارهایی که برای جامعه و افراد مفید است، مجاز می‌باشد. اما کسب درآمد از طریق کارهای کاذب مثل رباخواری، احتکار، کم فروشی، خوردن مال یتیم و شغلی که به ضرر مسلمانان و به نفع کفار باشد، ممنوع است. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۲)

در سبک زندگی اسلامی تفکر و علم بسیار ارزشمند است به طوری که فرد به علم و علم آموزی توصیه شده است. فردی که بیشتر علم دارد، خدا را بیشتر می‌شناسد، علم‌آموزی بر هر زن و مرد مسلمان واجب است. بدون تفکر و علم، کمال فرد غیر ممکن است. کسی که تعقل نمی‌کند از مبدأ هستی غافل می‌شود. تفکر و علم موجب ارزش وجودی انسان و تقرب به خدا است. هر فرد باید بداند که آموختن در موضوعات مختلف، ارزش یکسانی ندارد. بعضی ضرورت تام دارد؛ مثل آموختن درباره مبدأ و معاد و لوازم آن و بعضی مثل اندیشه در ذات خداوند مورد اجتناب قطعی است.

همچنین فرد باید مراعات کند که دنبال یاد گرفتن، یاد دادن و عمل کردن به موضوعات مضر برای زندگی‌اش نباشد. اما برای یادگیری موضوعات ضروری زندگی روزمره باید تلاش فراوان کند. هر مسلمان موظف است آنچه را که مورد ابتلای او در خانه، محل کار، کوچه و بازار است، یاد بگیرد. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۶)

بنابراین لازم است فرد به مقتضای آموخته‌های خود عمل کند، تا هنگام مرگ جزء افراد پشیمان نباشد که علم داشته‌اند و به مقتضای آن عمل نکرده‌اند. علم را برای مجادله یا دنیا خواهی نیاموزد. اگر فرد علمش افزایش یابد ولی به موازات آن بر هدایتش افزوده نشود، دوری او از خداوند افزایش می‌یابد.

در سبک زندگی اسلامی عواملی همچون پیروی از هوای نفس، محبت دنیا، سطحی‌نگری، عادات ذهنی، تقلید از پدران و رذایل نفسانی که باعث رکود اندیشه و تعقل فرد می‌شود، هیچ‌گونه جایگاهی ندارد.

در سبک زندگی اسلامی توجه به ظاهر خود نیز مهم است. همچنین برای نماز، ورود به مسجد، امامت جماعت و چیزهایی از این قبیل نیز زیبایی مورد تأکید است. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۷)

امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ؛ خداوند زیبا است؛ زیبایی را دوست دارد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ص ۴۳۸)

بنابراین فرد با مراعات وظایف و مسئولیت‌های مذکور موجب کیفی سازی سبک زندگی اسلامی خویش می‌گردد.

## ۵- تأثیر مسئولیت پذیری بر سبک زندگی اسلامی در حیطه خانوادگی

در سبک زندگی اسلامی وظایفی از قبیل وظایف جنسی، والدینی، فراغت و آسایش فقط در خانواده جایگاه دارد که هرکدام ریز موضوعات بسیاری را در خود جای می‌دهند؛ آرامشی که باید در خانواده موجود باشد، رعایت مرزهای درونی و بیرونی، حقوق و وظایف هرکدام از افراد نسبت به دیگری و بسیاری از وظایف فردی، در قالب خانواده رنگ و بوی جدیدی می‌گیرند. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۹)

فرد با مسئولیت، خود را در قبال امور زندگی، همسر و فرزندان خویش مسئول می‌داند. اگر نقص یا کاستی در خانه پیدا شد، عامل را در خود جست و جو می‌کند و هرگز سر انگشت تقصیر به سوی دیگری دراز نمی‌کند. وی همچنین در قبال رشد و پیشرفت دیگر اعضای خانواده، خود را مسئول دانسته و تلاش می‌کند تا زندگی توسعه یابد. (فغالی، ۱۳۹۴، صص ۱۸۲-۱۸۱)

فضای خانواده به عنوان یک اجتماع کوچک، بیشترین اقتضا را برای رعایت این امور دارد و نیز محل آموزش اولیه این صفات خواهد بود.

خانواده اولین جمعی است که فرد را در مسیر این صفات یا خلاف آن قرار می‌دهد و آنچه کودک درباره این امور می‌آموزد، بخش مستحکمی از شخصیت و سبک زندگی آینده او را شکل می‌دهد. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۰)

زنان و مردان با پی‌ریزی کانون خانواده و تشکیل آن عمری را در کنار هم می‌گذرانند و فرزندان را در دامان پر مهر خویش می‌پروراند. بی‌تردید این کانون در صورتی سامان می‌یابد و به کانون گرم تبدیل می‌شود که هر یک از اعضای خانواده بدون هیچ قصوری مسئولیت‌های خود را به انجام رسانند. مکتب اسلام که جامع‌ترین مکتب‌ها است، جامع‌ترین منشور زندگی را ارائه کرده و در آن، مسئولیت‌های هر یک از اعضای خانواده را تبیین نموده است. در این مجال به تفکیک، به برخی از مسئولیت‌های آنان اشاره می‌گردد:

### ۱-۵- مسئولیت‌های زن و شوهر

انسان موجودی عاطفی است که پاسخ بسیاری از نیازهای روحی خود را در گرو ایجاد ارتباط با دیگران می‌یابد. ازدواج مؤثرترین و صمیمی‌ترین ارتباط است که می‌تواند زمینه پاسخ‌گویی به نیازهای روحی-روانی انسان را فراهم آورد.

قرآن کریم درباره کسب محبت و دست یافتن به آرامش لازم که از جمله اهداف تربیتی زندگی مشترک زن و مرد است، می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ

مَوَدَّةَ وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ از نشانه های قدرت خدا این است که برای شما از جنس خودتان همسری آفرید تا وسیله آرامش و مهرورزی در میان شما باشد.» (روم/۲۱)

همان طور که روشن است ارتباط زن و شوهر ریشه در اعماق گرایش ها و نیازهای روحی-روانی دارد و حتی زمانی که سخن از تأمین نیازهای جنسی است، آن نیز عاملی مؤثر در آرامش بخشی زن و شوهر قابل تفسیر و تطبیق است. (وطن دوست، ۱۳۹۲، ص ۸۵)

در این مورد امام سجاد علیه السلام می فرماید: «مَوْضِعُ السُّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءُ اللّٰهِ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَ ذَلِكَ عَظِيمٌ؛ محور آرامش که با ارتباط با زن حاصل می شود، اشباع غریزه جنسی و لذت بردن است که ناگزیر از آن است و این امری بزرگ است.» (حرانی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۸)

دیدگاه ها در مورد غریزه جنسی را سه گروه تفریطی، افراطی و معتدل تشکیل می دهند؛ از دیدگاه اسلام غریزه جنسی یکی از نعمتهای بزرگ الهی و حکیمانه ترین وسیله برای بقای نوع انسانی است. اسلام بین معنویت و بهره مندی از غریزه جنسی منافاتی نمی بیند. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۶)

بنابراین نخستین و مهم ترین مسئولیت زن و شوهر این است که در تأمین نیازهای روحی و روانی خود بکوشند و از به کارگیری هر عاملی که می تواند به این نیاز کمک کند دریغ نوزندند. (وطن دوست، ۱۳۹۲، ص ۸۶)

## ۲-۵- مسئولیت های پدران و مادران

یکی از وظایف والدین عبارت است از فرزند آوری؛ اصل اول در اسلام بر تکثیر اولاد است، درخواست فرزند نیک توسط بعضی از انبیا مثل حضرت زکریا علیه السلام می تواند مؤیدی بر این مطلب باشد. قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ؛ و زکریا را (به یاد آور) در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «پروردگارا! مرا تنها مگذار (و فرزند برومندی به من عطا کن) و تو بهترین وارثانی.» (انبیاء/۸۹)

فرزندان حقوق و نیازمندی هایی دارند که عمده آنها به دست پدر و مادر تأمین می گردد، از این رو بر آنان لازم است در ادای حقوق فرزندان و تأمین نیازمندی های آنان کوشش فراوان کنند. (وطن دوست، ۱۳۹۲، ص ۸۶)

پیامبر اکرم صلوات الله علیه در اشاره ای کلی به این مسئولیت فرمودند: «الرَّجُلُ فِي أَهْلِهِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الْمَرْأَةُ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا رَاعِيَةٌ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا؛ مرد سرپرست خانواده است و



نسبت به آنها مسئول است و زن در خانه شوهرش سرپرست (شوهرش و فرزندان او) است و او نسبت به آنان مسئول است (احسائی، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۲۹)

همچنین در این باره امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مَضَافُ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَكَلِّتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمَثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ؛ اما حق فرزندت این است: بدانی که او از تو و در خوبی و بدی در همین دنیا منسوب به تو است. تو نیز در برابر آنچه بر آن ولایت یافته‌ای، مانند: حسن ادب، دلالت بر پروردگار و کمک به او در اطاعت، مسئولیت داری. پس در کار او مانند کسی عمل کن که می‌داند که در احسان به او پاداش خواهد داشت و در بدی به او معاقب خواهد بود.» (مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۶)

از نظر اسلام، هیچ نهاد یا مجموعه دیگری به جز خانواده، امکان فرزند پروری موفق و کامل را ندارد. در جامعه اسلامی، والدین همه یافته‌ها و داشته‌های دینی خود را در طول زمان و به روش‌های مقتضی به فرزندان خود انتقال می‌دهند. در زمان و موقعیت مناسب، مسائل اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و غیره را به سبک زندگی فرزند خود وارد می‌کنند. اگرچه فرزند با بیرون آمدن از خانواده و شروع آموزش‌های رسمی، آموزش شناختی مجدد و تفصیلی را خواهد داشت، اما سبک زندگی او که بعد عاطفی عمیقی دارد، قبلاً در خانواده شکل گرفته است؛ برای نمونه، در سبک زندگی خانوادگی فرزند، اجتماعی بودن وجود داشته و او اجتماعی شده است، ولی از جامعه، مصادیق و شیوه‌های اجتماعی بودن را می‌آموزد.

در سبک زندگی خود، توجه به مشکلات همسایه و هم‌نوعان دیگر را دیده و برایش درونی شده است؛ ولی در جامعه، آرام آرام این امکان را می‌یابد که سبک زندگی خود را بروز دهد. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۸)

### ۳-۵- مسئولیت‌های فرزندان

حکمت الهی بر این تعلق گرفته است که پدران و مادران در نظام آفرینش، واسطه فیض الهی باشند و نقش به سزا در تداوم حیات بشر ایفا کنند. از این رو حق شناسی، مهرورزی و سپاسگزاری نسبت به آنان امری اعتباری و قانونی صرف نیست بلکه سنتی از سنت‌های الهی است که لازم است به طور طبیعی و بی هیچ منتهی صورت پذیرد؛ زیرا اگر ملاک در حق شناسی میزان دخالت طرف مقابل در رفع احتیاج انسان باشد، باید حق شناسی و ادب نگه داشتن در برابر پدر و مادر در مرتبه‌ای پس از حق شناسی در برابر خدا باشد. (وطن‌دوست، ۱۳۹۲، ص ۸۸)

قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید: «... أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ؛ برای من و برای پدر و مادرت شکر

به جا آور.» (لقمان/۱۴)

بنابراین همان طور که کفران نعمت و بی توجهی به حق خداوند عقوبت ابدی را در پی دارد، کوتاهی در مسئولیت نسبت به پدر و مادر نیز موجب دوری از رحمت خدا می شود. مسئولیت های فرزندان در برابر والدینشان مانند نیکی، دعا و سپاسگزاری در صورتی ایفا می شود که انجام مسئولیت ها همراه با خضوع و توأم با ابراز کوچکی در برابر آنان باشد. (وطن دوست، ۱۳۹۲، ص ۸۹)

چنان که قرآن کریم نیز می فرماید:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید. و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو، یا هر دو، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن ها روا مدار. و بر آن ها فریاد مزن. و گفتار (لطیف و سنجیده و) بزرگواری به آن ها بگو و پر و بال تواضع خویش را از روی محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر. و بگو: پروردگارا! همان گونه که آن ها مرا در کودکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.» (اسراء/۲۳ و ۲۴)

با توجه به این مسئولیت ها که موجب بالا بردن کیفیت سبک زندگی اسلامی می شود، یکی دیگر از وظایفی که بر عهده نهاد خانواده است، وظیفه فراغت و آسایش می باشد. اگرچه فراغت و آسایش فرد ممکن است در خارج از خانواده نیز حاصل شود، اما از دیدگاه اسلام بیشترین و بهترین فراغت ها در خانواده، در کنار همسر، فرزندان و خانواده بزرگ تر معنا پیدا می کند. منظور از اوقات فراغت، زمانی است که پس از انجام کار و تکلیف موظفی، شخص فرصت می یابد که با رغبت، علاقه و انگیزه شخصی، فعالیت یا برنامه خاصی را انتخاب و پیگیری کند.

از نظر اسلام، اوقات فراغت و یا وقت آزاد چند ویژگی دارد: الف) قسمتی از عمر با ارزش انسان است. ب) زودگذر است. ج) به آسانی به دست نمی آید. د) از دست دادن آن ها موجب پشیمانی است.

کیفیت گذراندن اوقات فراغت می تواند با موفقیت و لذت باشد و می تواند موجب رنج و عذاب و گمراهی فرد باشد. لذت را باید به صورت بلندمدت و با توجه به کمیت و کیفیت آن مورد ملاحظه قرار داد. در اسلام برای وقت آزاد توصیه هایی شده است؛ مثل دوستی با خدا، اشتغال به آخرت، حسابرسی نفس، حل مشکلات آینده، صلح ارحام و غیره. (کاوایی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۷)

## ۶- تأثیر مسئولیت پذیری بر سبک زندگی اسلامی در حیطه اجتماعی

انسانی که دارای احساس مسئولیت است در روابط اجتماعی، فعال ظاهر می شود. اگر تنش میان فردی یا میان اجتماعی پیش آمد، به دنبال یافتن نقش خود است. او همچنین خود را در قبال بهینه سازی روابط اجتماعی و پیشرفت دیگران مسئول می داند. (فقالی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۲)

بدین ترتیب بر همه لازم است که گرایش به زندگی اجتماعی را پذیرفته و تقویت کنند؛ چرا که تنها در اجتماع است که روحیه تعاون و برادری پرورش می‌یابد و استعدادهای فردی انسان شکوفا می‌گردد. (وطن‌دوست، ۱۳۹۲، ص ۷۷)

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنَّ أَحَدًا لَا يَسْتَعْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتُهُ وَ النَّاسُ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ؛ نیاز شما به مردم امری اجتناب‌ناپذیر است چرا که هیچ‌کس زندگی‌اش بی‌نیاز از دیگران نیست و مردم نسبت به یکدیگر وابسته‌اند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۶۳۴)

تمایل انسان به برقراری ارتباط با دیگران نمودی گسترده دارد. اگر جلوه‌های گسترده ارتباط انسان‌ها با یکدیگر را از ابتدای تاریخ تاکنون مطالعه کنیم، خواهیم دانست که نوعی گرایش به ایجاد پیوندهای اجتماعی و برقراری ارتباط دوسویه در انسان وجود دارد. برخی منشأ این گرایش را غریزه و طبیعت بشر می‌دانند و معتقدند که این میل ابتدا در روابط مادر و فرزند بروز می‌کند و بعدها به روابط اجتماعی و همانندسازی گروهی تعمیم می‌یابد. برخی دیگر، عامل گرایش به دیگران را فطرت و داشتن روحیه کمال‌جویی می‌دانند. از همین رو انسان ملزم به رعایت‌های مسئولیت‌هایی شده است. (وطن‌دوست، ۱۳۹۲، ص ۷۸)

دلیل وجود این حس دیگر‌خواهی و احساس مسئولیت، در مقابل دیگران را، شهید مطهری این‌گونه تبیین کرده است:

«به انسان یک سلسله عواطف و غرایز اجتماعی داده شده است و به عبارت دیگر در طبیعت حس تعاون و بقا به بشر داده شده است؛ یعنی تنها نه این است که افراد به یکدیگر محتاج‌اند، بلکه علاوه بر آن به ازای این احتیاجات که به افراد داده شده است، عواطفی هم به افراد دیگر برای رفع این احتیاجات داده شده است، که آن عواطف مقتضای طبیعت انسان است.» (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۵۷۴)

در این باره خداوند متعال می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ... ؛ مؤمنان اولیای

یکدیگراند و در مقابل وضعیت و سرنوشت هم مسئول‌اند.» (توبه / ۷۱)

سبک زندگی اسلامی، علاوه بر تکالیفی که در تنهایی و یا در خانواده به دوش هر فرد مسلمان می‌گذارد، وظایفی را نیز در حیطه‌های مختلف اجتماعی مثل اقتصاد، سیاست، دفاع، امنیت و غیره بر دوش افراد می‌نهد.

وظایف اجتماعی، وظایفی است که در قالب حضور فرد در جامعه معنا پیدا می‌کند، بدون جامعه و در انزوای فردی هیچ مصداقی نمی‌یابد. ما نمی‌توانیم بدون جامعه و حمایت و همکاری با یکدیگر زندگی کنیم. هر فرد روابطی با دیگران دارد و در این روابط، فرد ممکن است به بعضی از افراد به عنوان دوست بالقوه نزدیک شود، بعضی را قابل‌استثمار بداند و بخواهد از آن‌ها بهره‌برد و بعضی را متخاصم یا بی‌اعتنا بشمارد

و از آن‌ها دوری گزینند. انسان نمی‌تواند در مقابل طبیعت زیاد دوام بیاورد چرا که ناتوانی فیزیکی او کاملاً ملموس است. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۹)

حال که دانستیم که زندگی اجتماعی، یک ضرورت برای زندگی بشری است باید به لزوم و آثار آن نیز توجه داشته باشیم، که یکی از لوازم یک زندگی اجتماعی موفق اصل عدل است. این اصل در روابط اجتماعی حضور دارد و زندگی جمعی را ممکن می‌سازد و مورد تأکید جدی است. احسان نیز یک اصل دیگر بسیار کارساز و اساسی است. برای عادلانه رفتار کردن گاهی اطلاعات و حسابرسی‌های بسیار ریز و دقیق لازم است و ممکن است مشکل باشد. پس اصل احسان، آن را پوشش می‌دهد و کارها را آسان‌تر می‌سازد و اصل دیگر تقدم مصالح معنوی بر مصالح مادی است. گاهی مصالح مادی با مصالح معنوی تزاخم پیدا می‌کند. اگر هر فرد یا جامعه‌ای، تمام وقت خود را صرف انجام کارهای اقتصادی کند، رشد اقتصادی بیشتری خواهد داشت. اما بدیهی است که اگر مقداری از وقت خود را صرف کارهای معنوی نماید، قدری از منافع مادی او کاسته خواهد شد؛ که در این جهت قانون‌هایی وجود دارد. مانند: اصل رعایت اولویت در ارتباط افراد با یکدیگر؛ اگرچه رابطه خویشاوندی در قیامت ارزشی ندارد ولی در زندگی روزمره، خویشاوندان در اولویت ارتباطی قرار دارند. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶)

بنابراین در جهت ارتقاء کیفیت سبک زندگی اسلامی که همه عواطف به سوی خداوند متعال جهت گیری شده است، احساس مسئولیت در قبال دیگری اهمیت دارد. پس انسان همان‌گونه که به منافع فردی خویش می‌اندیشد، به رعایت منافع جمعی نیز ملزم است. (فصیحی، ۱۳۹۴، ص ۳۵۶)

اگر لزوم مشارکت اجتماعی از ابتدا احساس نشده بود، حتی زبان هم به وجود نمی‌آمد. بنابراین لازم است که روابط خود را بر اساس دیگر دوستی برقرار کنیم. اما در اسلام این دیگر دوستی زیرمجموعه‌ای از دوستی خالق و مالک اصلی می‌باشد و با کلیت سیستم مفهومی اسلام هماهنگ و سازگار است. در سبک زندگی اسلامی نیز این ارتباط و دیگر دوستی مورد توجه قرار گرفته است. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۰)

از این رو در این منطقی، رفتارهای کاملاً فردگرایانه و تمایزات ناشی از آن جایگاهی ندارد و دامنه انتخاب را نیز الگویی تشکیل می‌دهد که افزون بر تأیید منابع دینی، عرف صالح اجتماعی نیز آن را تأیید کرده باشد. یکی از موضوعات بسیار مهمی که روابط عاطفی را در حیات اجتماعی پایدار می‌سازد و زمینه هم‌گرایی و تعاملات اجتماعی را افزایش می‌دهد، مبادلات گرم نامتقارن است که در این نوع مبادله کنشگران معمولاً بدون چشم‌داشت بنا به وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی خویش می‌کوشند تا به دیگران یاری رسانند، که مهم‌ترین وجه آن حمایت مالی است. این عمل در ادبیات دینی که با نام انفاق به آن توجه شده، یکی از نمونه‌هایی است که با آن می‌توان میزان مسئولیت پذیری افراد را سنجید. (فصیحی، ۱۳۹۴، ص ۳۵۶)

این مسئولیت پذیری، امری است که در تمام زمینه های زندگی جاری است و نقش مهم و تعیین کننده ای دارد. به هر میزان که فرد مسئولیت پذیر باشد، به سلامت رفتار و بهداشت روان نزدیک شده است. با تقویت احساس مسئولیت می توان به نحو شایسته ای کمبود اعتماد به نفس را درمان کرد، تا زمانی که شخص مسئولیت کارها را به عهده نگیرد، تغییر و تحول امکان پذیر نیست و از سوی دیگر می دانیم که جبران کمبود اعتماد به نفس، تنها با ایجاد تغییر در نگرش و ابعاد وجودی خویش ممکن می شود. بنابراین تقویت حس مسئولیت پذیری، راهی برای بهینه سازی اتکا به خود است. (فقالی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۲)

پس در سبک زندگی اسلامی، مؤمنان باید همگی به رفتارهای حمایتی و انفاق های مالی اهتمام داشته باشند؛ چرا که در چنین سبکی همگی دارای سرنوشت واحد خواهند بود و فقر فقرا با انفاق اغنیا جبران می شود. کیفیت انفاق اعم از روش انفاق نیز موضوعیت دارد؛ به گونه ای که در سبک زندگی اسلامی روش انفاق، پنهانی و بدون منت است و کالایی که انفاق می شود نیز باید از چیزی باشد که انسان خود، آن را دوست دارد. (فصیحی، ۱۳۹۴، ص ۳۵۸)

امام سجاد علیه السلام برای انجام یا ترک بعضی از رفتار های اجتماعی در مناجات با پروردگار خویش می فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ وَ مِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدَى إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ وَ مِنْ مُسِيءٍ أَعْتَدَرَ إِلَيَّ فَلَمْ أُغْذِرْهُ وَ مَنْ ذِي فَاقِهِ سَأَلَنِي فَلَمْ أُؤْتِرْهُ وَ مِنْ حَقِّ ذِي حَقٍّ لَزَمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُؤْفِرْهُ وَ مِنْ غَيْبِ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ؛ بار خدایا به پیشگاهت عذر می طلبم در حق ستمدیده ای که در حضور من به او ستم شده و من یاریش ننمودم و از احسانی که در حقم شده و شکرش را بجا نیاورده ام و از خطاکاری که از من پوزش خواسته و عذرش را نپذیرفته ام و از فقیری که از من حاجت خواسته و من خواست او را بر خواست خود ترجیح نداده ام و از حق مؤمن حق داری که بر عهده ام مانده و آن را ادا ننموده ام و از عیب مؤمنی که بر من آشکار گشته و آن را نپوشانده ام.» (صحیفه سجاده/ ۳۸)

آنچه در این دعا و دعاهای دیگر آن حضرت در موضوعات مختلف اجتماعی آمده است گویای این مطلب است که بخش وسیعی از وظایف اسلامی ما از نوع وظایف اجتماعی است و اسلام به وظایف فردی منحصر نمی شود. (کاویانی ۱۳۹۴ ص ۲۲۱)

در نهایت اینکه زندگی اجتماعی انسان ها از یک نوع ارتباط و هماهنگی مخصوصی برخوردار است و بدون تعاون و همکاری نمی توانند نیازهای خود را تأمین کنند. (امینی، ۱۳۸۳، ص ۷۱)

همان گونه که انسان ها نسبت به جسم و جنبه مادی و در رابطه با روح و بعد معنوی خود مسئولیت دارند، در ارتباط با اجتماع و جامعه ای که در آن به سر می برند و زندگی می کنند نیز وظایف و مسئولیت هایی دارند که باید آن ها را به نحو احسن ایفا نمایند و از آن مراقبت کامل داشته باشند. (مظاهری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷)

از آنجا که فعالیت‌های آن‌ها ماهیت اجتماعی دارد ناچارند کارها را بین خودشان تقسیم نمایند. در این صورت هم به دیگران نفع می‌رسانند و هم از منافع آنان برخوردار می‌گردند. از این رو باید به یک سلسله ضوابط و آداب اجتماعی تقید داشته باشند. (امینی، ۱۳۸۳، ص ۷۲)

پس جایگاه انسان را در جامعه می‌توان به سلول‌های یک بدن زنده تشبیه کرد که در آن هر کس می‌بایست به وظیفه حساس خود آشنایی داشته باشد و به آن عمل نماید تا به سلامت و پیشرفت جامعه خللی وارد نیاید و باعث مختل شدن کارها نگردد. همچنان‌که با تخطی یک سلول از وظیفه‌اش در بدن، سلامت انسان به خطر می‌افتد و موجب باز ماندن جسم از رشد و شکوفایی می‌شود، اگر در یک اجتماع هر کس به مسئولیت و وظیفه خویش آگاهی و تعهد داشته باشد و آن را به بهترین وجه انجام دهد، آن مدینه فاضله‌ای را که همه به دیده یک امری ایده‌آل و دست یافتنی به آن می‌نگرند محقق خواهد شد و به وقوع خواهد پیوست. (مظاهری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷)

بنابراین انسان باید خود را از جامعه و جامعه را از خود بداند و سعادت جامعه را سعادت خود و انحطاط آن را انحطاط خویش بداند. (امینی، ۱۳۸۳، ص ۷۲)

## ۷- نتیجه گیری

در این اثر در مورد مفهوم شناسی گفته شد: زمانی که سخن از مسئولیت انسان به میان می‌آید، به دنبال خواهان و سؤال کننده‌ای باید بود تا چیزی را بطلبد و بخواهد تا مسئولیت ایجاد شود. مسئولیت انواعی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان مسئولیت دینی، قانونی، اخلاقی، فردی و اجتماعی را نام برد.

تنوع مسئولیت به این دلیل است که یا درخواست کننده خدا و دین است که از آن به مسئولیت الهی و دینی تعبیر می‌شود، یا وجدان و فطرت آدمی است که وی را به تکالیفی موظف می‌سازد و از آن به عنوان مسئولیت اخلاقی یاد می‌شود. گاهی انسان نسبت به خود مسئولیت‌هایی دارد که از آن به مسئولیت فردی تعبیر می‌شود و یا خواهان قانون است که به خواسته‌ها و وظایف قانونی، مسئولیت قانونی گفته می‌شود و گاهی هم خواهان اجتماع و جامعه است که از انتظارات و توقعات آن به مسئولیت اجتماعی تعبیر می‌شود. مفهوم سبک زندگی از یک سو جزئی ترین رویدادهای حیات بشر و از سوی دیگر تا اعماق وجود آدمی را در بر می‌گیرد و حال اینکه پیوند نزدیکی با مجموعه‌ای از مفاهیم، نظیر فرهنگ، جامعه، رفتار، شخصیت و سنت دارد.

هسته مرکزی سبک زندگی اسلامی را توحید و خداباوری تشکیل می‌دهد که شالوده ی دین اسلام است و با سایر اعتقادات اسلامی زنجیره‌ای از آداب را پدید می‌آورد که خود بعدی از هستی اجتماعی می‌شود.

سپس به بررسی ابعاد سه‌گانه فردی، خانوادگی و اجتماعی با استناد به آیات و روایات پرداخته شد و موارد زیر مشخص گردید:

در بعد فردی این چنین است که در سبک زندگی اسلامی فرد نسبت به خود این مسئولیت را دارد که در حفظ عزت خویش تلاش کند و از هر آنچه به خواری او می‌انجامد، فرد از آن بپرهیزد.

برای بالا بردن کیفیت سبک زندگی اسلامی یکی از مسئولیت‌هایی که فرد بر عهده دارد عبادت و معنویت است که اگر درست انجام شود آثار و برکات بسیار اساسی مادی و معنوی، از جمله آرامش، دل سپردن به دغدغه‌های بزرگ دنیا و آخرت، کنار آمدن با سختی‌ها، گذشت از خطای دیگران را به دنبال دارد. همچنین شخص، به گونه‌ای ویژگی‌های درونی خودش را بسازد که با این سیستم مفهومی انطباق داشته باشد؛ لازم است که بین ویژگی‌های درونی، صفات اخلاقی و نگرش‌ها، تفکیک شود.

از دیگر مسئولیت‌های فردی که در سبک زندگی اسلامی هم موضوعیت دارد، تدبیر فرد در استفاده از زمان است و در این زمینه توصیه‌ای که به فرد می‌شود این است که زمان را به سه بخش کار، عبادت و لذت‌های حلال تقسیم کند. همچنین فرد به علم و آموزی توصیه شده است چرا که بدون تفکر و علم، کمال فرد غیر ممکن است و باید یاد گرفتن و یاد دادن و عمل کردن به مواردی که مضر است را مراعات کند و برای یادگیری موضوعات مورد ابتلای در خانه، محل کار، کوچه و بازار تلاش فراوان داشته باشد.

در بعد خانوادگی این چنین گفته شد که خانواده اولین جمعی است که افراد را در مسیری قرار می‌دهد که خود را در قبال امور زندگی مسئول بدانند. اگر نقص یا کاستی در خانه پیدا شد، اعضای خانواده عامل را در خود جست و جو کنند و هرگز سر انگشت تقصیر به سوی دیگری دراز نکنند. همچنین در قبال رشد و پیشرفت دیگر اعضای خانواده، خود را مسئول دانسته و تمام تلاش خود را می‌کنند تا زندگی توسعه یابد.

فضای خانواده به عنوان یک اجتماع کوچک، بیشترین اقتضا را برای رعایت این امور دارد و نیز محل آموزش اولیه این صفات خواهد بود. بدون شک این کانون در صورتی سامان می‌یابد و به کانون گرم تبدیل می‌شود که هر یک از اعضای خانواده بدون هیچ قصوری مسئولیت‌های خود را به انجام برسانند.

مکتب اسلام که جامع‌ترین مکتب‌ها است، جامع‌ترین منشور زندگی را ارائه کرده و در آن به دلیل بالا بردن کیفیت سبک زندگی اسلامی، مسئولیت هر یک از اعضای خانواده را تبیین نموده است. یکی از آن‌ها، مسئولیت زن و شوهر است که در تأمین نیازهای روحی و روانی خود باید بکوشند و از به کارگیری هر عاملی که می‌تواند به تأمین این نیاز کمک کند دریغ نورزند.

مسئولیت دیگر که پدر و مادر در حق فرزندان خود باید آن را ادا کنند این است که از نظر اسلام، هیچ نهاد یا مجموعه دیگری به جز خانواده، امکان فرزند پروری موفق و کامل را ندارند. چرا که در سبک زندگی



اسلامی والدین همه یافته‌ها و داشته‌های دینی خود را در طول زمان و به روش‌های مقتضی به فرزندان خود انتقال می‌دهند و در زمان مناسب، مسائل اعتقادی و اخلاقی را به سبک زندگی فرزند خود وارد می‌کنند. مسئولیت دیگر که فرزندان در حق پدر و مادر خود دارند، این است که اگر ملاک در حق شناسی، میزان دخالت طرف مقابل در رفع احتیاج انسان باشد، باید حق شناسی و ادب نگه داشتن در برابر پدر و مادر در مرتبه‌ای پس از حق شناسی در برابر خداوند متعال باشد.

در بعد اجتماعی به این گونه است که جهت ارتقاء کیفیت سبک زندگی اسلامی علاوه بر تکالیفی که در تنهایی و یا در خانواده به دوش هر فرد مسلمان گذاشته می‌شود، وظایفی نیز در حیطه‌های مختلف اجتماعی مثل اقتصاد، سیاست، دفاع و امنیت بر دوش فرد قرار می‌گیرد.

وظایف اجتماعی، وظایفی است که در قالب حضور فرد در جامعه معنا پیدا می‌کند یعنی بدون جامعه و در انزوای فردی هیچ مصداقی نمی‌یابد. چرا که ما نمی‌توانیم بدون جامعه و حمایت و همکاری با یکدیگر زندگی کنیم.

زندگی اجتماعی، یک ضرورت برای زندگی بشری است و باید به لزوم و آثار آن نیز توجه داشته باشیم؛ چرا که از لوازم زندگی اجتماعی موفق، اصل عدل، اصل احسان و اصل تقدم مصالح معنوی بر مسائل مادی است.

اگر لزوم مشارکت اجتماعی از ابتدا احساس نشده بود، حتی زبان هم به وجود نمی‌آمد. بنابراین لازم است افراد روابط خود را بر اساس دیگر دوستی برقرار کنند. اما در اسلام این دیگر دوستی زیر مجموعه‌ای از دوستی خالق و مالک اصلی می‌باشد و با کلیت سیستم مفهومی اسلام، هماهنگ و سازگار است.

بنابراین اگر در یک اجتماع، هر کس به مسئولیت و وظیفه خویش آگاهی و تعهد داشته باشد و آن را به بهترین شکل انجام دهد، آن مدینه فاضله‌ای را که همه به دیده یک امر ایده‌آل و دست نیافتنی به آن می‌نگرند، محقق خواهد شد و به وقوع خواهد پیوست.

در پایان باید یادآور شد که آنچه ارائه شده مقدمه‌ای برای ورود به هر یک از این ابعاد سه گانه می‌باشد که تبیین جامع و کامل این ابعاد نیازمند بحث مفصلی است که در این مجال نمی‌گنجد.

## فهرست منابع

\*قرآن

\*صحیفه سجادیه

## منابع عربی

۱- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ۶، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.



- ۲- احسائی، محد بن علی بن ابراهیم، **عوالی اللئالی**، ج ۱، قم: سیدالشهداء علیه السلام، ۱۴۰۳ ق.
- ۳- حرانی، ابن شعبه، **تحف العقول عن آل رسول صلی الله علیه و اله و سلم**، تهران: کتابچی، ۱۳۸۰.
- ۴- حر عاملی، محمد بن حسین، **وسائل الشیعه**، ج ۱۱، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱ ق.
- ۵- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۲ و ۶، چاپ چهارم، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- ۶- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۷۴، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۶.
- ۷- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج ۵، چاپ سوم، بیروت: آثار العلمیه المصطفوی، ۱۴۳۰ ق.

### منابع فارسی

- ۱- امینی، ابراهیم، **اسلام و تعلیم و تربیت**، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
- ۲- انوری، حسن، **فرهنگ بزرگ سخن**، ج ۵، چاپ هفتم، تهران: سخن، ۱۳۹۰.
- ۳- جُرّ، خلیل، **فرهنگ لاروس**، حمید طبیبیان، ج ۲، چاپ بیستم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۳.
- ۴- حسینی دشتی، مصطفی، **معارف و معاریف**، ج ۷، تهران: سپید موی اندیشه، ۱۳۹۳.
- ۵- راغب اصفهانی، حسن بن محمد، **ترجمه مفردات الفاظ قرآن**، مصطفی رحیمی نیا، تهران: سبحان، ۱۳۸۵.
- ۶- رضایی بیرجندی، علی، **سبک زندگی در صحیفه سجادیه**، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۵.
- ۷- صفایی حائری، علی، **مسئولیت و سازندگی**، قم: لیله القدر، ۱۳۸۶.
- ۸- علی اکبری، راضیه، **درآمدی بر مبانی سبک زندگی قرآنی**، چاپ اول، قم: هاجر، ۱۳۹۴.
- ۹- فصیحی، امان الله و دیگران، **شاخص های سبک زندگی اسلامی**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۹۴.
- ۱۰- فعالی، محمد تقی، **سبک زندگی رضوی**، ج ۱ و ۲، چاپ اول، بی جا: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام، ۱۳۹۴.
- ۱۱- کاویانی، محمد، **درسنامه سبک زندگی اسلامی**، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- ۱۲- معلوف، لویس، **المنجد**، محمد بندر ریگی، ج ۱، چاپ ششم، تهران: ایران، ۱۳۸۶.
- ۱۳- \_\_\_\_\_، **المنجد**، احمد سیاح، ج ۱، چاپ پنجم، تهران: اسلام، ۱۳۸۴.
- ۱۴- مظاهری، حسین، **اخلاق و جوان**، ج ۱، چاپ چهارم، بی جا: شفق، ۱۳۸۷.

۱۵- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۷، چاپ سوم، تهران: صدرا، ۱۳۸۶.

۱۶- وطن دوست، رضا و دیگران، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، ج ۱، چاپ پنجم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۲.

## **وظایف آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت نسل مومن بر اساس بیانات رهبری و بیانیه گام دوم انقلاب**

**کبری مرادی مطلق\***

### **چکیده**

این مقاله وظایف آموزش و پرورش را در تعلیم و تربیت نسل مومن با توجه به بیانات رهبری در گام دوم انقلاب مورد بررسی قرار می دهد. برای اینکه بتوان نسل مومن و متعهدی را پرورش داد باید در مرحله اول معنا و هدف تعلیم و تربیت اسلامی را دانست، تعلیم، فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل است برای اینکه متعلم دانشی را یاد بگیرد. تربیت، یعنی شکوفایی استعدادها و این، معنای وسیعی را در بر می گیرد که شامل بروز سلامت جسمی و فکری، علمی و اخلاقی در انسان است. تربیت پیش از تعلیم انسان را به حرکت در می آورد. اعتماد به نفس جزء مهمترین خصوصیات اخلاقی در انسان ها می باشد که آموزش و پرورش با تقویت این خصوصیت می تواند افرادی دارای اعتماد به نفس و عزت نفس پرورش دهد. در این عصر، جنگ نامتقارنی به نام جنگ اراده ها در پیش است و این وظیفه آموزش و پرورش است که تبلیغات و وسوسه های دشمن را خنثی کند. اگر انسان شاد و با انگیزه باشد ذهن او پویا و استعدادش شکوفا می شود، معلمان با روحیه شاد، جو مناسب مدرسه، زیبایی فضای مدرسه و... در مدرسه باعث تقویت شادی و انگیزه در دانش آموزان می شود. مسئولین باید بدانند هر هزینه ای که در آموزش و پرورش می کنند در واقع دارند سرمایه گذاری می کند آموزش و پرورش باید امکانات معیشتی معلمان را فراهم کند تا با روحیه بیشتری به تعلیم و تربیت بپردازند.

**کلید واژه:** تربیت، آموزش، پرورش، رهبر، ایمان

### **۱- مقدمه**

یکی از مهمترین وزارتخانه‌ها در هر کشوری وزارت آموزش و پرورش می باشد. امروزه بسیاری از

\* طلبه سطح ۲، حوزه علمیه الزهرا(س)، شیراز.

مشکلات فرهنگی و اجتماعی نشأت گرفته از همین وزارت خانه است به همین ترتیب برای اینکه یک جامعه و فرزندی سالم داشته باشیم باید به وظایف این مرکز اهمیت به سزای داد و بر اساس فرهنگ و اعتقادات جامعه این مرکز آموزشی را اداره کرد.

هدف از گرد آوری این مقاله تذکر و یادآوری بیانات حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) به وزارت آموزش و پرورش می باشد تا اینکه وظایف خود با توجه به حساسیت این مرکز از نظر رهبر انقلاب اسلامی بدانند و آن در مرحله اجرا قرار دهد.

ضروریست که وزارت آموزش و پرورش بیانات حضرت آیت الله خامنه ای را سر لوحه کار خود قرار دهد تا با تعلیم و تربیت افراد، جامعه ای ساخت شود تا به هدف انقلاب که ایجاد تمدن اسلامی است برسد.

در این راستا مقاله حاضر در سه بخش اصلی، معانی تعلیم و تربیت بر اساس دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، وظایف نظام آموزشی در تقویت بنیه های تربیتی و ایمانی دانش آموزان بر اساس بیانات رهبری، وظایف وزارت آموزش و پرورش در تقویت و ترمیم زیر ساخت های تربیتی نظام آموزشی میباشد.

## ۲- معانی تعلیم و تربیت بر اساس دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)

دین مبین اسلام همواره بر تعلیم و تربیت تاکید داشته است و این اندیشه در آیات زیادی از قرآن کریم به وضوح به چشم می خورد. تعلیم و تربیت اسلامی با اتکا به شناخت انسان به عنوان اشرف مخلوقات با یک سری ویژگی های خاص تبیین می شود. هدف از تعلیم و تربیت شناخت جایگاه انسان در نظام خلقت و شکوفایی استعداد های وی جهت سیر الی الله بوده و این نگرش می بایست درمبانی تعلیمی و تربیتی گنجانده شده و متصدیان تعلیم و تربیت اعم از حکومت، خانواده، نویسندگان، صدا و سیما و.... به این امر توجه کنند. انسان از نظر اسلام با دیدگاههای غربی متفاوت است. ( قزلسفلو و قره سفلو، ۱۳۹۵)

تعلیم: تعلیم، فراهم کردن زمینه ها و عواملی است برای اینکه متعلم دانشی را یاد بگیرد. نکته حائز اهمیت در این تعریف این است که معلم فقط زمینه ها را به منظور فراگیری متعلم آماده می کند و این متعلم است که خود فعالانه به یادگیری می پردازد. (نصرت پناه و ندایی و امیری، ۱۳۹۶، ص ۱)

تربیت: تربیت، پرورش دادن است؛ یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در هر چیز موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن و لذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر

در مورد غیر جاندار این کلمه را به کار ببریم، مجازاً به کار برده ایم؛ نه اینکه به مفهوم واقعی آن شیء را پرورش داده ایم. (نصرت پناه و ندایی و امیری، ۱۳۹۶، ص ۱)

حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در سند تحول بنیادین درباره موضوع تعلیم و تربیت می‌فرماید:

«تعلیم و تربیت، فرایندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام اسلامی است که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه اسلامی فراهم می‌آورد.» (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۱۰)

از این رو دیدگاه رهبرجامعه اسلامی ایت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در رابطه با معنای تربیت اینگونه است:

« تربیت به معنای رشد و نمو و حرکت هر شیء به سمت هدف و غایتی است که آن شیء کمال خود را بازمی‌یابد و برای مثال تربیت یک نهال یا یک بوته گل، به این معناست که ما این نهال یا این بوته گل را رشد و نمو بدهیم تا برگ و بار پیدا کند و ضمن اینکه خود این نهال یا بوته، از لحاظ ظاهری و جسمی و زیبایی باید شکل کامل خود را پیدا کند، میوه‌هاش هم باید میوه سالم و شیرینی باشد. » (بیانات در دانشگاه فرهنگیان، ۱۹/۰۲/۹۷)

به این ترتیب، در نظر مقام معظم رهبری، تربیت یعنی شکوفایی استعدادها، و این، معنای وسیعی را دربر میگیرد که شامل بروز سلامت جسمی، فکری، علمی و اخلاقی انسانی است که قصد شده تا در مسیر کمال، رشد و نمو قرار بگیرد. اهداف تربیتی دارای گستردگی خاصی است که همه استعدادها و بشری از جمله تربیت اخلاقی و رشد معنوی را شامل میشود. علاوه بر شمول اهداف تربیت، قلمرو تربیت از حیث افراد نیز گسترده است و پرورش همه جانداران حتی پرورش گل را نیز در بر می‌گیرد درحالیکه مقوله تعلیم تنها در مورد موجود دارای شعور یعنی انسان، آنهم تنها در جنبه نظری و رشد فکری و ذهنی و افزایش سطح آگاهی صادق است. به همین سبب، مقام معظم رهبری نسبت بین تربیت و تعلیم را به صورت عموم و خصوص مطلق تبیین می‌فرماید:

« پس تربیت در اصطلاح خاص چیزی غیر از تعلیم است و تعلیم به معنی یاد گرفتن است اما تربیت به معنای شدن و به شکل خاصی درآمدن ... است که شامل تربیتهای اخلاقی، تربیت های دینی و ... میشود. »

البته باید توجه داشت که رابطه تنگاتنگی بین تعلیم و تربیت وجود دارد، به گونه‌ای که هیچ یک بدون دیگری به اهداف اساسی خود نخواهند رسید. تأکید رهبر معظم انقلاب از سویی اهتمام به امر آموزش و از سویی دیگر به آمیختگی و همراهی تعلیم با تربیت است. ایشان فرمودند:

« تعلیم باید با تربیت آمیخته باشد. ... بهترین شکل کار این است که معلم، مربی نیز باشد. »

تربیت صحیح جسمی و روحی، فکر و عقل متربی را به شکل مطلوبی پرورش میدهد و ذهنش را برای رسیدن به عمق مطالب و درک حقایق امور آماده می‌سازد. چنانکه امام خمینی(ره) نیز تعلیم و تربیت را مکمل هم دانسته و می‌فرماید:

« تعلیم باید پهلویش تربیت باشد، تربیت صحیح؛ تربیت اسلامی. اگر تعلیم تنها باشد بدون تربیت، فایده ندارد؛ بلکه گاهی مُضَرّ است. تربیت بی‌تعلیم هم نمی‌شود؛ به نتیجه نمی‌رسد. این دو تا باید با هم باشند، توأم باشند؛ تعلیم و تربیت. انسان یک موجودی است که با تعلیم و تربیت رشد می‌کند. » (بیانات رهبری در قم، ۱۳۵۸/۰۴/۱۶)

بی شک، تربیت که سنگ بنای شخصیت فکری هر انسانی را پایه گذاری میکند، به دلیل نتایج ارزشمندی که به دنبال می‌آورد، بر تعلیم که تنها به تقویت قوای عقلانی انسان می‌پردازد، تقدم رتبی دارد؛ چنانکه در آیه: «وَيُزَكِّهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران: ۱۶۴)، تقدم تزکیه بر تعلیم نشان داده شده است. این کلام مقام معظم رهبری است که فرمود:

« تربیت پیش از تعلیم انسان را به حرکت درمی‌آورد. اگر تربیت نباشد، بصیرت انسان به کمک او نمی‌آید.» (بیانات رهبری در دیدار با شرکت کنندگان همایش معاونین پرورشی، ۱۳۶۴)

برای اجرای برنامه تربیت نیز باید از اصولی عملی که اصول راهنما شمرد می‌شوند بهره گرفت؛ اصول ثابت که هر امر تربیتی باید مبتنی بر آن اصول باشد، البته از آنجا که انسان‌ها گونه‌گونند و در تربیت باید به تفاوت های فردی توجه شود، به روشهایی متغیر نیاز است که به وسیله آن روش‌های بتوان به مطلوبیت لازم در ساماندهی برنامه تربیتی دست یافت و زمینه شکوفا شدن استعداد های انسان را مهیا ساخت؛ انسانی که مختار است و صاحب اراده و بدون میل و خواست او تربیت فطری میسر نیست و لازم است برنامه

تربیت به گونه ای ساماندهی شود که فرد در آن نقشی فعال داشته باشد ، زیرا در این صورت است که تربیت انسانی سامان مییابد. (دلشاد تهرانی ، ۱۳۸۵ ، ص ۴۴ )

### ۳- وظایف نظام آموزشی در تقویت بنیه های تربیتی و ایمانی دانش آموزان بر اساس

#### بیانات رهبری

#### ۳-۱- تقویت ایمان

ایمان یکی از اساسی ترین مفاهیم در دین اسلام می باشد. از آنجایی که مفاهیم مشابه فراوان است لازم است درباره ایمان قدری توضیح دهیم .

شیخ صدوق از قول امام علی بن موسی الرضا ( علیه السلام) نقل می کنند که حضرت فرمودند:

«ایمان عبارت است از اعتقاد قلبی، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح. اگر هر کدام از این سه جنبه از ایمان در وجود انسان نباشد ، ایمان او ایمان کاملی نیست و او از اسلام ناب فاصله دارد.» ( ایدروم ، ۱۳۸۸ ، ص ۱۸۴ )

حضرت علی (علیه السلام ) می فرمایند :

«ایمان بر چهار پایه و رکن قرار دارد اگر بر چهار رکن صبر، یقین ، عدل و جهاد استوار باشد ایمان محکم و پا بر جا میماند و در غیر این صورت به تدریج متزلزل می شود و فرود میریزد.» (مصباح یزدی ، ۱۳۹۳ ، ص ۲۱۱ )

رهبری در یکی از دیدارها با مسئولین می فرمایند :

« کننده کار شماها هستید، الحمدلله هم همت دارید، هم استعداد دارید، هم شوق و ذوق دارید، پشتوانه این حرکت شما هم «ایمان» است.»

حضرت امام (رحمت الله علیه) در صحیفه می فرمایند :

«اگر ایمان پهلوی تخصص نباشد ، تخصص مضر است. تخصص در یک کشوری باشد که ایمان در آن نباشد ، تخصص کشور را به هلاکت می رساند ، به وابستگی می رساند. این همه متخصص ما داشته ایم در هر

رشته ای ، در زمان سابق، برای این ملت چه کردند این متخصصین ما، جز هی ملت را به عقب راندن ، هی وابسته کردند ، همه چیز وابسته شد. « (خمینی ، ج ۱۷ ، ص ۱۵۳ )

برای تقویت ایمان در دانش آموزان این فعالیت ها ضروری است :

- تقویت روحیه حق گرایی (بیدار کردن فطرت الهی )
- تقویت قدرت تفکر و تعقل و تشخیص حق و باطل
- مقبولیت و اعتبار معلم
- محبوبیت معلم
- انتخاب رویکرد مناسب در آموزه های دینی
- عدم افراط و تفریط در بیان آموزه های دینی
- پاسخ به پرسشها و شبهه ها
- مقاوم سازی اعتقادات دانش آموز (داودی ، ۱۳۹۰، ص ۱۹۲)

### ۳-۲- تقویت اعتماد به نفس

اعتماد به نفس پدیده ای اکتسابی است که راه دست یابی به آن تمرین کردن پی در پی است. اعتماد به نفس، شکست ناپذیر بودن، آلوده نکردن نفس به گناه، قناعت، خودشناسی، درک منزلت معنوی، خودباوری ، اظهار ریاضت در حضور جمع، توانایی ابراز وجود و مطرح نمودن شخصیت به صورت متعادل است. (لقمانی، ۱۳۸۵، ص ۶۷)

در معنای اعتماد به نفس می توان گفت: « ایمان به توانایی های خویش برای رسیدن به اهداف مورد نظر.» از عوامل سازنده این ویژگی میتوان به اطمینان به خویش و احترام به خویش اشاره کرد. (اسلامی ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۳ و ۱۷)

برای تقویت این خصوصیت در یک نسل ، مقام معظم رهبری ( مدظله العالی ) می فرمایند:

«اگر میخواهیم نسلی به وجود آید که اعتماد به نفس و انضباط اجتماعی داشته باشد؛ یک نسل مسولیت پذیر و با عرضه و با کفایت برای کارهای بزرگ، یک نسل دارای ابتکار، یک نسل مهربان و بدون انتقام گیری در درون خانواده بزرگ جامعه؛ یک نسل فداکار یک نسل پرکار ، یک نسل کم اسراف و دور از اسراف ، اگر میخواهیم فرهنگ عموم جامعه به سمت حرکت ، راه و کلیدش آموزش و پرورش است. برای تربیت چنین نسلی، آموزش و پرورش باید مهیا و مناسب باشد.» ( جمعی از محققان ، ۱۳۹۱ ، ص ۱۶۰ و هلودی، ۱۳۹۵ ، ۱۷۷ )

حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) درباره اعتماد به نفس می‌فرمایند :

آموزش و پرورش سنگ بنای آینده‌ی کشور است. ما اگر مشکلاتی در زمینه‌های اخلاقی و رفتاری، علمی، اعتماد به نفس ملی و عمومی و در زمینه‌های گوناگون دیگر داریم، در ریشه‌کاو‌ی اینها به آموزش و پرورش می‌رسیم. همان‌طور که بعضی دوستان گفتند، آموزش و پرورش از مراکز دیربازده است، لیکن بازده آموزش و پرورش یک بازده حیاتی، تعیین‌کننده و ماندگار است. اگر آموزش و پرورش در یک کشور ارتقاء پیدا نکند و اصلاح شود، در اقتصاد، سلامت و بهداشت، محیط زیست، مرگ و میر، باروری، زیبایی و هنر، رفتارهای گوناگون مردم در سطح جامعه با یکدیگر، و فراتر از همه‌ی اینها، در دین، فلسفه و اخلاق تأثیر خواهد گذاشت. امروز در دنیا به زبان کودکی به کودکان فلسفه می‌آموزند؛ یعنی چیزی که از نظر بعضی از طراحان کشور ما بی‌معنی است؛ فکر می‌کنند فلسفه مخصوص آدمهای ریش و سبیل‌دار و کسانی است که یک سنی از آنها گذشته باشد. نگاه مدرن به مسائل حیات، امروز پیشروان علمی دنیا را به اینجا رسانده که باید فلسفه را از دوره‌ی دبستان به کودکان تعلیم داد؛ البته با زبان کودکی. این را به عنوان یک مثال عرض کردم برای روشن شدن این مطلب که آموزش و پرورش چقدر می‌تواند در آینده‌ی یک کشور اثر بگذارد، که البته برای شما هم روشن است. مهمترین کاری که باید امروز در کنار آن قاعده‌سازی انجام بگیرد، این است که به مقوله‌ی پرورش - به هر شکلی - اهمیت داده شود؛ نه چون ما مسلمانیم، مسئله فقط این نیست. امروز در دنیای غرب از لحاظ دانش و فناوری پیشرفته، مسئله‌ی پرورش در بسیاری از کشورها جزو آن مبانی اصلی است؛ مسئول و مأمور پرورشی وجود دارد. به پرورش اهمیت می‌دهند. پرورش فقط دیندار شدن و عمق ایمان یافتن نیست که ما دنبالش هستیم. پرورش تأثیر خودش را در رفتارها، برخوردها، رشد شخصیت، تقویت اعتماد به نفس و جوشاندن چشمه‌ی استعداد نشان می‌دهد. بنابراین مسئله‌ی پرورشی، یک مسئله‌ی مهم است. (۱۳۸۵/۲/۱۲ دیدار با معلمان سراسر کشور)

همان‌طور که دربیانات مقام رهبری پیداست کلید اصلی تقویت اعتماد به نفس آموزش و پرورش است. برای اینکه آموزش و پرورش بتواند در این عرصه موفق شود باید راه‌هایی کسب این خصوصیت را در کارگزاران و کارکنان خود ایجاد کند و افراد دارای اعتماد به نفس و عزت را پرورش دهند. از جمله راه‌های تقویت اعتماد به نفس میتوان به خود ارزشمندی، خودشناسی، خوداتکایی، رویاروی با مشکلات و تلقین اشاره کرد. (لقمانی، ۱۳۸۵، ص ۶۷)

### ۳-۳- تقویت اراده

در انسان میل‌ها و کششها و جاذبه‌هایی وجود دارد که منشا پیدایش اراده و حرکت ارادی می‌شوند و ممکن نیست حرکت ارادی و اختیاری بدون برانگیخته شدن میل طبیعی و فطری انجام پذیرد، این میل وقتی برانگیخته و تشدید یافت و شرایط تحقق آنها فراهم آمد، منتهی به پیدایش اراده می‌گردد. مثلاً میل



به غذا که در هر انسانی وجود دارد، همواره فعال نیست و وقتی زمینه‌ها و شرایط لازم فراهم آمد تحریک و تشدید می‌گردد و در نتیجه منتهی به اراده جهت خوردن غذا می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۳۹۹)

یکی از راه‌های تقویت خودباوری دینی در بیانات رهبری تقویت اراده می‌باشد که ایشان در این باره می‌فرمایند:

« به نقش انسان و اراده و قدرت انسانی، ایمان زیادی دارم. این جزء اصول فکری ماست که در طول دوران انقلاب و در بررسی مسائل اسلامی به آن رسیده‌ایم و آن را در عمل اجرا کرده‌ایم و آثار و نتایجش را هم دیده‌ایم. ایمان به اراده‌ی انسانی و در کنار آن، اعتقاد و ایمان و اطمینان به کمک الهی، باعث می‌شود که بزرگترین مشکلات به آسانی حل شوند. » (بیانات رهبری در مراسم بیعت وزیر کشور و استاندار سراسر کشور ۱۹/۰۳/۶۸)

ایشان در یکی دیگر از بیانات گهربارشان می‌فرمایند:

جنگ نامتقارن این است که دو طرف جنگ از منابع مختلف‌الحالی، با هویت‌های مختلف برخوردارند؛ این جنگ نامتقارن است؛ یعنی هرکدام از این دو طرف امکاناتی دارند، منابع قدرتی دارند که طرف دیگر آن را ندارد. ما با استکبار جهانی در حال جنگ نامتقارنیم؛ چرا؟ ممکن است او یک امکاناتی داشته باشد که ما نداشته باشیم اما ما هم امکاناتی داریم که او ندارد؛ آن امکان چیست؟ توکل، اعتماد به خدا، اعتماد به پیروزی نهایی، اعتماد به قدرت انسان، به قدرت اراده‌ی انسان مؤمن؛ این را ما داریم؛ این شد جنگ نامتقارن. در جنگ نامتقارن اراده‌ها هستند که با هم می‌جنگند؛ هر اراده‌ای غلبه پیدا کرد، پیروز خواهد شد. در میدان، اراده را ضعیف نکنید؛ در میدان نبرد، اراده را دچار تزلزل نکنید؛ اگر یک طرف جنگ در میدان نبرد اراده‌اش سست شد، قطعاً شکست خواهد خورد. نگذارید اراده‌تان سست بشود، نگذارید تبلیغات دشمن و وسوسه‌های دشمن، در اراده و عزم راسخ شما تزلزل ایجاد کند؛ این اراده‌ی مستحکم را نگه دارید؛ این ضامن پیروزی است. (بیانات رهبر در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه السلام)، ۱۳۹۵/۰۳/۰۳)

با توجه به بیانات رهبر جامعه اسلامی از نظر بنده یکی از وظایف آموزش و پرورش این است که بتواند به پرسنل آموزشی و دانش‌آموزان آگاهی لازم را بدهد تا اینکه در جنگ اراده با سر بلندی بیرون آیند و یک نسل دارای اراده قوی پرورش دهند. برای ایجاد و تقویت اراده از راهکارهای مانند برنامه ریزی و تعیین هدف و شناخت توانایی‌ها و استفاده از کلمات و اندیشه مثبت و برقراری نظم و انضباط می‌توان استفاده کرد در مدارس و محیط‌های آموزشی باید به این راهکارها توجه شود و برنامه‌های مختلفی برای تقویت اراده تبیین کرد.

### ۳-۴- تقویت نشاط و شادابی و ایجاد انگیزه

انسان در برابر عوامل بیرونی و درونی، واکنش‌های متفاوتی همچون شادی، خشم، ترس، اندوه و... از خود نشان می‌دهد. این هیجانات دیدگاه‌ها و اندیشه‌های انسانی بستگی دارند که آنها نیزگاه مثبت و گاه منفی اند. شادی حالت خوشایندی است که درد و رنج‌های روحی انسان را به کمترین حد خود می‌رساند و بدین ترتیب، سرور باطنی‌اش، آشکار و برای مدتی از قید غم‌ها آزاد می‌شود. زیرا شادی، احساس مثبتی است که در پی خرسندی و پیروزی پدیدار می‌شود. شهید مرتضی مطهری نیز در این زمینه می‌فرماید: «سرور حالت خوشی و لذت بخش است که از علم و اطلاع بر اینکه یکی از اهداف یا آرزوها انجام یافته یا انجام خواهد یافت پدید می‌آید.» (اسحاقی، ۱۳۹۰، ص ۶۷)

باتوجه به بیانات رهبر معظم انقلاب، شادی به معنای لودگی و ابتذال نیست بلکه مقصود، خندانند، ایجاد آسایش و آرامش روح است. برای ایجاد شادی مناسب باید از اصول و برنامه ریزی مناسبی برخوردار بود که این شادی باعث تضعیف ایمان نشود. ایشان می‌فرمایند:

یک نکته موضوع متانت است. یک برنامه‌ی شوخی و تفریح سبک، با یک شوخی و تفریح متین و سنگین فرق می‌کند. هر دو هم می‌تواند شوخی یا تفریح باشد. هر دو می‌تواند در درجات مختلفی از شوخی و تفریح و مزاح باشد. این‌طور نیست که یک تیپ متین، حتماً مایه‌ی تفریحی و شوخی کمتری داشته باشد، یا یک تیپ سبک، حتماً مایه‌ی تفریحی و شوخی بیشتری داشته باشد؛ نه. مواظب باشید در برنامه‌های تفریحی، کارهای سبک، انجام نگیرد. از قهقهه‌های مستانه و صداهای مستانه در همخوانی‌های جمعی، به کلی جلوگیری کنید. گاهی اتفاق می‌افتد که با هم شعری را می‌خوانند و حرکت مستانه‌ای انجام می‌دهند که سبک است و لزومی ندارد... تشخیص این است که هیچ کار هنری، در هر رتبه‌ای از هنر که باشد، با متانت هیچ منافاتی ندارد و نقشه‌های مختلف می‌تواند با متانت همراه باشد، که بسیار مهم است. (بیانات در دیدار گروه ورزشی و سرگرمی ۱۰/۰۱/۱۳۷۱)

باتوجه به تحقیقات انجام شده در این مبحث، نتیجه می‌گیریم، برای شاداب سازی مدارس باید همه ابعاد مدرسه را در نظر بگیریم. محیط شاد باعث ایجاد اعتماد به نفس، بالفعل شدن استعدادها و افزایش انگیزه و درنهایت رشد روحی و جسمی دانش آموز می‌شود. برای اینکه مدرسه شاد ایجاد شود به زیبایی فضای مدرسه از جمله حیاط مدرسه، نمازخانه، کتابخانه و... از لحاظ رنگ، خوش بو بودن و پاکیزگی باید توجه لازم را داشت. یکی دیگر از راهکارهای شاداب کردن دانش آموزان داشتن دبیرانی با روحیه شاد و انگیزه و صبر

زیاد است، معلمان باید به مسائل روانشناسی دانش آموزان خودآگاهی داشته باشند و در تدریس خود از یک روش به صورت مستمر استفاده نکنند، در بین کلاس های خود قصه خوانی و صحبت های متفرقه را مد نظر داشته باشند، یکی از نکاتی که تاثیر به سزای در شادکردن دانش آموزان و مدرسه دارد، برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی، بازی-های خلاقانه و مبتکرانه در سطح مدرسه، و انتخاب فرم های خوش رنگ و مناسب برای معلمان و دانش آموزان و ایجاد فضایی سبز مناسب در مدرسه اشاره کرد.

### ۳-۵- پایبندی به اصول اعتقادی

اهمیت و ارزش هر علمی بستگی به موضوع آن دارد و در میان تمان علوم، علم به اعتقادات شریف ترین و با ارزش ترین موضوع را دارد. اساس و زیر بنای تمام حرکات مادی و معنوی هر انسان اصول عقاید اوست که اگر سالم و صحیح، قوی و بی عیب باشد اعمال و حرکات، افکار و بینش های مختلف او صحیح و شایسته خواهد بود. بنابراین کیفیت و کمیت توجه هر انسانی به فروع دین (که برنامه های عملی اسلام است) بستگی به میزان عقاید وی به اصول دین دارد. از طرف دیگر در میان اصول اعتقادی مسأله خدانشناسی از اهمیت و شرف خاصی برخوردار است، زیرا اساس و ریشه همه مسائل عقیدتی و مرکز تمام افکار و جهان بینی انسان موحد، خدانشناسی اوست. پایبندی به اصول اعتقادی باعث ایجاد آثاری از جمله محتوا دادن به زندگی، آرامش روانی، ایجاد تلاش و امید در انسان می شود. (قائمی، ۱۳۸۹، ص ۵)

همه مکتب های توحیدی از جمله اسلام برای انسان سازی آمده اند از اینرو، تمامی نمودهای مذهب در حقیقت نوعی اثر تربیتی دارند ولی برای بدست آوردن این آثار باید با شناخت خداوند متعال، به اصل توحید معتقد شد. اعتقاد به توحید، هدف عالی تربیت اسلامی است. مقام معظم رهبری توحید را چنین معنا می کند:

توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هر کس بجز خدا، یعنی گسستن بندهای سلطه نظام های بشری، یعنی .... دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست ... و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلی با امید و بیتشویش شتافتن براساس این تفسیر از توحید، توجه نکردن به این اصل بنیادین اسلام در امر تربیت سبب عقبماندگی، ناتوانی، کمجراتی و بیابتکاری جامعه اسلامی می-گردد. راه رهایی کشورهای اسلامی از وادی عقباتادگی و وابستگی به غرب در پناه بردن به توحید واقعی است. (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره))

حضرت آیت الله خامنه ای (حفظه الله) در این مورد می فرماید:

راه علاج آن است که مسلمانان به اسلام ناب که در آن توحید و نفی عبودیت غیر خدا، از هر چیز برجسته‌تر و درخشنده‌تر است، برگردند و عزت و قدرت خود را در اسلام بجویند به این ترتیب، در تربیتی که براساس دین و معیارهای آن تعریف میشود، باید تفکر ناب اسلامی که ناشی از نگاهی جامع به توحید است نمود پیدا کند و اصولگرایی هدف آرمانی تربیت دینی باشد. (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره))

حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) شرط تاثیرگذاری در جان دیگران را پایبندی به اصول اسلامی میدانند و می‌فرمایند :

« اگر ما پایبندی خودمان را به اصول دینی و اصول اسلامی و فرمایشات امام بزرگوار و آنچه که نظام جمهوری اسلامی مقرر است ، عملاً نشان دادیم ، حرف ما در محیطی که پراکنده می شود ، اثر خواهد کرد ؛ آن وقت خیلی احتیاج به اصرار و فشار و زور نخواهد بود ؛ بلکه نفس جاذبه عمل ، دیگران را به هماهنگی و هم‌آوایی وادار خواهد کرد.» ( هلودی ، ۱۳۹۵ ، ص ۲۳۵ )

باتوجه به جمع آوری بیانات رهبری درباره موضوع پایبندی به اصول اعتقادی می‌توان نتیجه گرفت که یکی از وظایف آموزش و پرورش توجه به این اصول است که باید در مرتبه اول خود وزارت آموزش و پرورش به این اصول پایبند باشند برای مثال میتوان به عدم دریافت رشوه در استخدام افراد در نظام آموزشی اشاره کرد در این صورت میتوان نظام آموزشی بدون فساد ایجاد کرد و تاثیرات آن را بر تمامی کارکنان و دانش آموزان دید و همچنین معلمان باید آگاهی‌های اعتقادی لازم را در اختیار دانش آموزان قرار دهند به گونه ای که دانش آموز از نظر شناختی و ذهنی اعتقادات اسلامی را بپذیرد. برای دست یابی به این هدف تنها انتقال آگاهی به دانش آموزان ، کافی نیست بلکه لازم است آن را بفهمد و درک کند. (داودی ، ۱۳۹۰ ، ص ۱۵۱)

#### ۴- وظایف وزارت آموزش و پرورش در تقویت و ترمیم زیر ساخت های تربیتی نظام

##### آموزشی

##### ۴-۱- طراحی نظام آموزشی نو و غیر تقلیدی

نظام آموزشی قبل از دوران انقلاب اسلامی برگرفته از نظام ساختاری آموزش و پرورش فرانسه بود. بعد از انقلاب اسلامی شهیدان رجایی و باهنر و جمعی از صاحب نظران تلاش بسیاری کردند تا اینکه تحولی در آموزش و پرورش ایجاد کنند. از سوی شورای عالی فرهنگی عده ای منتخب شدن تا به جمع آوری سندی در خصوص نظام آموزشی نو بپردازند، این سند به نام سند بنیادین شناخته شده که در سال ۹۲ به وزارت

آموزش و پرورش ابلاغ شد. رهبر جامعه اسلامی حضرت آیت الله خامنه (مدظله العالی) در این باره میفرماید :

« نظام آموزشی ما نظام فرسوده و قدیمی و کهنه‌ای است. نظام آموزشی کهنه است؛ این را ما از اروپایی‌ها گرفتیم، همین‌جور نگهش داشتیم، مثل یک چیز موزه‌ای مقدّس که دست به آن نخورد! هرگاه یک‌باری گوشه‌کنارش را یک کمی کم و زیاد کردیم؛ نظام، نظام کهنه‌ای است؛ باید نوسازی بشود. » ( سایت باشگاه خبرنگاران جوان)

« آموزش و پرورش باید به سند تحول توجه نمایند ، زیرا سند تحول یک ریلی است که آموزش و پرورش را میتواند به سر منزل برساند ، فقط ابلاغ کردن مهم نیست بلکه ابلاغ گام اول است و باید این سند به تحقق برسد. » ( ۹۸/۲/۱۱ بیانات در دیدار با معلمان در روز معلم )

درباره تحول در سیستم نظامی آموزش و پرورش ایشان به نکته دیگری توجه می‌فرمایند:

«در آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قلب آموزش و پرورش است، این قلب را گرامی بدارید، اهمّیت بدهید و حفظ کنید؛ برنامه‌ریزی آموزشی خیلی چیز مهمّی است. متون آموزشی‌ای که در این مرکز، در این سازمان تولید میشود، باید با شیوه‌نامه‌ی همین تحوّل منطبق باشد؛ این کار لازمی است.» ( ۹۸/۲/۱۱ بیانات در دیدار با معلمان در روز معلم )

ایشان درباره متون درسی میفرمایند :

« مسئله‌ی متون درسی و کتابهای درسی است؛ خیلی باید مراقبت کرد از کتابهای درسی؛ هم بایستی اتقان داشته باشد - حرف سست در این کتابها مضر است؛ نه اینکه مفید نیست، زیان‌بار است- [هم] حرفهای انحرافی، چه انحراف سیاسی، چه انحراف دینی، [چه] انحراف از واقعیتها، در این کتابها مضر است. کسانی که مسئولیت این کار را دارند، باید در نهایت امانت و در نهایت دقّت مشغول این کار باشند.» (۹۳/۰۲/۱۷ بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور)

#### ۴-۲- انتصاب معلمان با شاخصه های تراز انقلابی

معلم در تربیت دانش آموزان نقش بسیار مؤثر دارد به گونه ای که به مرور زمان جزء یکی از الگوهای دانش آموزان قرار میگیرند. از این رو انتصاب معلم در آموزش و پرورش بسیار حائز اهمیت است و باید با دقت بیشتری انجام بگیرد. برای اینکه یک معلم خوب باید، شرایطی را دارا باشد، خود را ارزان نفروشد

واحساس مسئولیت کند چون قدر و منزلت هر چه بالاتر باشد، مسئولیت سنگین تر است. از نظر پروردگار عالم، کار معلم، و نقش او در جامعه نقش پیامبر اکرم (ص) است، نقش همه انبیاء و اوصیاء و بالاخره نقش روحانیت است. (مظاهری، ۱۳۷۶، ص ۸)

حضرت آیت الله خامنه ای در باره شأن معلم می فرماید:

یک کشور اگر بخواند به سرفرازی برسد، به رفاه و غنا برسد، به علم و تفوق علمی منتهی شود، اگر بخواند مردم شجاع، آزاده، فهمیده، عاقل، خردمند و متفکر تحویل جامعهی بشری دهد، باید این زیرساخت اصلی را درست کند؛ زیرساخت تعلیم دوران کودکی و نوجوانی. این، شأن معلم است. لذا به معلم خیلی باید احترام کرد. برای ایجاد آمادگی لازم در معلم، خیلی باید صرف وقت کرد. برای تهیهی سازوکاری که تعلیم و تربیت در آن مؤثر باشد و جهت درست داشته باشد، خیلی باید سرمایه گذاری کرد (بیانات در دیدار جمعی از فرهنگیان ۱۳۹۲/۰۲/۱۸)

در این دستگاه بزرگ آن نقطه‌ی محوری، آن میان‌دار، آن علم‌داری که در واقع او دارد میدان را اداره میکنند و همه بایستی تدارکات او را فراهم کنند، کیست؟ معلم. میدان‌دار اصلی معلم است. دستگاه‌های گوناگون، سازمانهای گوناگون، سندهای مختلف، کتاب درسی، بقیه و بقیه، همه پشتیبانهای این میان‌دار اصلی‌اند. معلم خوب آن موجودی است که تأثیر او - همین‌طور که عرض کردیم - بی‌بدیل است؛ اگر ما معلم خوب داشته باشیم، حتی در یک نظامی مثل نظام مکتب‌خانه، خواهد توانست مردان بزرگ تربیت بکند؛ کما اینکه می‌بینید [تربیت] کردند. معلم خوب میتواند مردان بزرگ، انسانهای بزرگ، شخصیت‌های برجسته را خلق کند، به وجود بیاورد، ولو در یک دستگاهی که آن دستگاه خیلی سازگار نیست؛ پس اصل، معلم است. (بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور ۱۳۹۴/۰۲/۱۶)

فرهنگ ما باید دست صلحا باشد، اگر فرهنگ صحیح باشد، جوانان ما صحیح بار می آیند. این فرهنگ باید متحول بشود. فرهنگ استعماری، فرهنگ استقلالی بشود. باید معلمینی انتخاب بشوند و اشخاص صحیح، سالم، کسانی که جوان‌های ما را تربیت اینها را غربی بار بیاورند، غربزده کنند. باید استقلال داشته باشید.

همچنین از نفوذ عناصر ناباب دشمن در مراکز حساس جلوگیری، بایستی در انتخاب افراد خیلی توجه و ملاحظه داشت، تا خدای نکرده دشمن از آن طریق ضربه ای وارد نکند، زیرا ضربه معنوی، به مراتب سخت تر و بالاتر از ضربات مادی است. (جمعی محققان، ۱۳۹۱، ص ۱۶۱)

رهبر انقلاب می فرماید:

«شما معلمان از این مسئله غفلت نکنید که تربیت کردن هم جزو کار شماست؛ و چه بهتر که با نفوذ معلمی؛ با تأثیر روحی معلم بر متعلم استفاده کنید و یک نقطه ی روشن و نورانی ای در قلب دانش آموز باقی بگذارید» (۱۳۸۷/۰۲/۱۲ بیانات در دیدار معلمان استان فارس)

ایشان در جای دیگر می فرمایند :

«همه ی فرایندهایی که منتهی میشود به جذب معلّم، برای تدریس و برای تعلیم و تربیت، بایستی سالم و با معیار اسلام و انقلاب سنجیده بشود. اگر این کار را کردیم، نتیجه همان چیزی خواهد بود که شما میخواهید؛ هم مورد رضای خدا خواهد بود، هم برای آینده ی کشور - همان طور که عرض کردم - مؤلّد یک نسل با عظمت و امیدبخش خواهد بود.» (دیدار با معلمان ۱۳۹۴/۰۲/۱۶)

#### ۴-۳- توجه به معیشت معلمان

قبل از پرداختن به سخنان رهبری درباره این موضوع به معنای لغتی معیشت می-پردازیم. معیشت به معنای «آنچه که زندگی یا نحوه زنده بودن به آن بستگی دارد.» (معلوف، ۱۳۸۶، ص)

باتوجه به این معنا میتوان اهمیت موضوع معیشت در زندگی را درک کرد. در صورت نبودن درآمد لازم برای گذراندن زندگی، فرد از لحاظ روحی ضعیف میشود و این ضعف روحیه در نحوه تدریس و ارتباط معلم با دانش آموز تأثیر به سزای دارد.

رهبری در مورد معیشت معلمان نیز فرمودند :

معلمان، محترم، شریف و آبرودار هستند و عزت نفس آنان در امر معیشت باید محفوظ باشد و نباید گذاشت عناصر سیاسی یا بیگانگان از مسائل معیشتی معلمان سوء استفاده کنند جامعه ی معلّمی اخلاص دارد و قناعت دارد، پس مسئولان کشور از مسائل مادی معلّمان غافل نمانند، بارها گفتیم، بارهای دیگر هم خواهیم گفت؛ مسئولان باید بدانند هر هزینه ای که در آموزش و پرورش میکنند هزینه ی سرمایه ای است، هزینه ی محض نیست؛ پولی که آنجا خرج میشود، در واقع، سرمایه گذاری دارد میشود؛ به این چشم به آموزش و پرورش نگاه کنند، به این چشم بودجه گذاری کنند، به این چشم امکانات معیشتی فراهم کنند. بعضی از بدخواهان هم هستند که از مشکلات معیشتی جامعه ی معلّمین، سوء استفاده میکنند؛ بنده شنیده ام بعضی حتّی در داخل خود آموزش و پرورش این سوء استفاده ها را میکنند؛ وضع معیشتی دارای کمبود جامعه ی معلّمی، موجب میشود کسانی سوء استفاده کنند. تا امروز، به توفیق الهی، جامعه ی معلّم خودش را سالم و پاکیزه نگه داشته، لکن بعضی ها دارند کار میکنند و تلاش میکنند که از این حرکت های ناسالم به وجود بیاورند. (سخنان قصار رهبر معظم انقلاب درباره مقام معلم باشگاه خبر نگاران جوان)

### رهبر گرامی در یکی از سخنان گوهر بارشان می‌فرمایند :

اقتصاد آموزش و پرورش، معیشت معلمان، یکی از الزامات است. محدودیت‌های دستگاه‌های دولتی را میدانیم؛ بیگانه نیستیم از محدودیتها و اشکالاتی که وجود دارد ولیکن بایستی همت در مسئولین دولتی این باشد که این بخش را مورد یک توجه ویژه قرار بدهند. همان‌طور که عرض کردیم، این سرمایه‌گذاری است؛ این بازده دارد؛ این ارزش‌افزوده تولید می‌کند؛ این یک خرج و هزینه‌ی صرف نیست؛ این بایستی جزو مسائل درجه‌ی یک ما در مدیریت‌های دولتی و در تصمیم‌های دولتی باشد. ما نکنیم، دشمن سوءاستفاده می‌کند؛ می‌بینید دیگر. از همین نقطه، دشمن با رسانه‌ی خود، در رادیوی خود، با عوامل خود، با آدم‌های بددل نسبت به نظام و نسبت به اسلام، با این ابزارها و وسائل دشمن سوءاستفاده خواهد کرد. البته معلمان ما، هم بیدارند، هم نجیبند، هم مؤمنند؛ حقیقتاً این را من اعتقاد دارم؛ در طول این سالها این را آزمودیم، امروز هم در سطح کشور می‌بینیم؛ معلمان ما از توطئه‌ی دشمن غافل نیستند. اینهایی که با عنوان «معیشت» یک شعاری میدهند، چند شعار فتنه‌گرانه و سیاسی و خطی هم در پهلوی می‌گنجانند، این را همه‌کس می‌فهمند که انگیزه‌ی اینها انگیزه‌ی سالمی نیست، برای دلسوزی از معلم نیست، هدفهای دیگری دارند. کما اینکه فلان رسانه‌ی خارجی که شروع می‌کند روی این مسئله فعالیت کردن - که می‌بینید همین حالا هم مشغولند، از مدتی پیش بیشتر مشغولند - این از روی دلسوزی نیست؛ این برای مشکل درست کردن برای نظام است، برای دردرس درست کردن برای نظام است؛ از روی بددلی و کینه‌جویی نسبت به اسلام و نسبت به استقلال کشور و نسبت به نظام جمهوری اسلامی است؛ ولی بالاخره بهانه دست اینها نباید داد. دستگاه‌های دولتی و مسئول مسائل مالی و اقتصادی به این نکته توجه کنند؛ این را جزو برنامه‌های اصلی خودشان قرار بدهند. این یک مطلب است. البته همان‌طور که عرض کردیم معلمان باید مراقب باشند و هستند؛ خوشبختانه معلمان ما مراقبند. [اینکه] بعضی‌ها جفای به نظام را، جفای به انقلاب را به هر شکلی بتوانند انجام میدهند - نیش خودشان را میزنند، زهر خودشان را میریزند، با نظام بدند - از روی بغض به نظام است، نه از روی محبت به معلم؛ هر شعار دیگری هم پیدا کنند، همین استفاده را میکنند (۹۴/۰۲/۱۶ دیدار با معلمان)

با توجه به بیانات رهبر گران قدر رسیدگی به وضعیت معیشتی معلمان یکی از مهمترین وظایف در آموزش و پرورش است، در صورت توجه به این امر در وزارت آموزش و پرورش می‌تواند روحیه شاد و انگیزه بالا برای معلمان ایجاد کند. روحیه مناسب معلمان تاثیر بسزای در اراده و روحیه دانش‌آموزان دارد. پس هر اندازه که وزارت آموزش و پرورش به این امر توجه کند در آیند نسلی پرنرژی و با انگیزه و مومن تربیت خواهند کرد.



## ۵. نتیجه گیری

وزارت آموزش و پرورش یکی از ارکان مهم در یک جامعه محسوب می شود؛ زیرا این وزارتخانه ارتباط مستقیم با نسل های آینده کشور دارد و دانش آموزان، نصف از ساعات روز را در مدارس می گذرانند. مدارس، تاثیر به سزایی در روند تربیتی این افراد دارد، به نحوی که رهبر معظم انقلاب هر ساله چندین بار با فرهنگیان، دانش آموزان، دانشجویان و مسئولین آموزش و پرورش ملاقات می کنند و چنین رفتاری اهمیت این موضوع را می رساند. برای اینکه یک نسل مومن تربیت شود، مستلزم آن است که افرادی که وظیفه تعلیم و تربیت را به دست گرفتن از ویژگی های اعتقادی و اخلاقی والای برخوردار باشند و این فقط در سایه پایبندی به اصول اعتقادی محقق می شود. پس نتیجه می گیریم آموزش و پرورش باید با پیشرفت تکنولوژی و براساس فرهنگ جامعه در متون درسی و سیستم آموزشی تحول ایجاد کند و به بیانات حضرت آیت الله خامنه ای بیشتر توجه کند، که امید است با بیانات پرمحتوای ایشان، آموزش و پرورش توانایی تربیت انسانی مومن و متعهد را داشته باشد.

## فهرست منابع

\*قرآن کریم

### منابع فارسی

۱. معلوف، لویس، المنجد، محمد بندر ریگی، انتشارات ایران، جلد دوم، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
۲. اسحاقی، حسین، زندگی در سایه سار پویا، قم، خادم الرضا (علیه السلام)، ۱۳۴۱.
۳. اسلامی، سید حسن، امام خمینی (ره) و مفاهیم اخلاقی اعتماد بنفس، تهران، عروج، ۱۳۸۶.
۴. ایدروم، حسن، سیری در معارف اسلامی ایمان و آثار آن متن سخنرانی های استاد انصاریان، دارالعرفان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۵. جمعی از محققان، رهیافتی به منظومه فکری حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب در حوزه فرهنگ و تربیت، قم، انتشارات مرکز بین المللی ترجمه و نشر مصطفی، چاپ دوم، بی تا.
۶. داوودی، محمود، نقش معلم در تربیت دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۹۰.

۷. دلشاد تهرانی ، مصطفی ، ماه مهر پرور تربیت در نهج البلاغه ، تهران ، دریا ، ۱۳۸۵ .
۸. قائمی ، اصغر ، اصول اعتقادات در چهل درس ، قم ، ادبا ، چاپ هفتم ، ۱۳۸۹ .
۹. لقمانی ، احمد ، موضوعات و شیوه های گفتگو با نسل جوان ، قم ، انتشارات بهشت بینش ، چاپ چهارم ، ۱۳۸۵ .
۱۰. مصباح یزدی ، محمد تقی ، جرعه ای از دریایی راز ، محمد علی محیطی اردکان ، قم ، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ، ۱۳۹۳ .
۱۱. مظاهری ، حسین ، ویژگی های معلم خوب ، قم ، انتشارات اخلاق ، ۱۳۷۶ .
۱۲. هلودی ، موسی ، روشنایی آینده پژوهی انقلاب اسلامی در بیانات حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) ، انتشارات انقلاب اسلامی ، چاپ اول ، ۱۳۸۵ .

#### مقالات

۱. قزلسفلو، حبیب و فاطمه قره سفلو، مطالعه و بررسی جایگاه تعلیم و تربیت در دین اسلام، سومین کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز، با همکاری مشترک موسسه آموزش عالی علامه خویی، دانشگاه زرقان ، واحد پژوهش دانش پژوهان همایش، ۱۳۹۵.
۲. نصرت پناه و ندایی و امیری ، اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری در ماموریت های تربیتی سپاه ، تاریخ نهایی پذیرش مقاله ۱۳۹۶/۰۵/۲۵ .

## راز ماندگاری انقلاب اسلامی ایران

### رویا رضایی\*

#### چکیده

رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ بیانیه‌ای تحت عنوان گام دوم انقلاب اسلامی ارائه فرمودند. در این بیانیه ضمن بررسی سرگذشت چهل ساله انقلاب اسلامی، خطوط اصلی حرکت انقلاب برای گام دوم خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی را به تصویر کشیدند. یکی نکات حائز اهمیت و درخور توجه در باب انقلاب اسلامی که در بیانیه بدان اشاره شده، ماندگاری و پایایی این انقلاب در قیاس با دیگر انقلاب‌های جهان است، که اندیشمندان و متفکران را به حیرت وا داشته‌است. برای بررسی هر انقلاب توجه به عوامل اصلی وقوع یعنی رهبری، ایدئولوژی و مردم آن انقلاب آن ضرورت دارد. رهبری انقلاب اسلامی امام خمینی (رحمه الله علیه) در واقع فردی از جنس طبقات محروم و فقیر جامعه بوده و از بطن مشکلات مردم آگاه بودند علاوه بر آن همیشه با صراحت و پابندی به اصول قدم برمی داشتند پس از ایشان، امام خامنه‌ای، نیز قدم در راه ایشان نهاده و با گام‌های استوار انقلاب را به پیش بردند. ماندگاری جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر جمهوریت یا مردمی بودن به علت مواردی چون مقدم شدن انقلاب روحی مردم بر انقلاب اجتماعی آنان، انتخاب آگاهانه، مشارکت سیاسی مردم، همراهی بانوان در عرصه‌های مختلف انقلاب اسلامی و رفع تحقیر شدگی تاریخی مردم و ایجاد عزت ملی می‌باشد. ایدئولوژی انقلاب بر مبنای دین مبین اسلام می‌باشد که ضمن ارائه جهان بینی توحیدی و اشمال ارزشهای دینی و معنوی و جهانی بودن شعارها و اهداف آن دینی همه جانبه بوده و با نیازها و مقتضیات زمان‌ها تناسب دارد و رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد. پس از بررسی عوامل سه گانه، کارآمدی انقلاب اسلامی در واقع عنصریست که دستاوردهای انقلاب را در اثر تعامل موثر سه رکن مردم و اسلام و رهبری در مورد تقریب به ۴۰ سال نشان می‌دهد. در این تحقیق راز ماندگاری انقلاب اسلامی را بر مبنای سخنان رهبری و بیانیه گام دوم ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها: انقلاب، اسلامی، ماندگاری، بیانیه گام دوم، رهبر.**

\* طلبه سطح ۲ حوزه علمیه الزهرا شیراز، کارشناس معماری.

## ۱. مقدمه

انقلاب به معنای دگرگونی و تغییر بنیادی در جامعه است که ساختمان یک جامعه را به کل عوض می کند و آن را به سمت خیر و صلاح هدایت می کند. محرومیت مادی، مسائل انسانی همچون آزادی و ایدئولوژی از مهم ترین عوامل موثر در بروز انقلاب ها در طول تاریخ بوده اند .

انقلاب اسلامی ایران، عالی ترین نوع از انواع انقلاب است که بر مبنای ایدئولوژی و مکتب جامع اسلام می باشد. عوامل متعددی منجر به شکست انقلاب ها و استحاله و خروج آن ها از مسیر اصلی می گردد، اما برخلاف دیگر انقلاب های جهان، انقلاب اسلامی ایران، پس از گذشت چهار دهه همچنان پابرجاست. به همین علت، بررسی رازهای ماندگاری انقلاب اسلامی امری شایان توجه است. رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم می فرماید: «انقلاب اسلامی پس از نظام سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند، بلکه از نظریه ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند».

برای بررسی هر انقلاب توجه به عوامل اصلی وقوع یعنی رهبری، ایدئولوژی و مردم آن انقلاب آن ضرورت دارد. کارآمدی نیز عنصریست که عملکرد سه رکن مردم و رهبری و اسلام در مدت چهل سال نشان می دهد.

رهبری انقلاب اسلامی امام خمینی (رحمه الله علیه) در واقع فردی از جنس طبقات محروم و فقیر جامعه بوده و از بطن مشکلات مردم آگاه بودند علاوه بر آن همیشه با صراحت و پابندی به اصول قدم برمی داشتند. پس از ایشان، امام خامنه ای، نیز قدم در راه ایشان نهاده و با گام های استوار انقلاب را به پیش بردند.

ماندگاری جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر جمهوریت یا مردمی بودن، به علت مواردی چون مقدم شدن انقلاب روحی مردم بر انقلاب اجتماعی آنان، انتخاب آگاهانه ، مشارکت سیاسی مردم، همراهی بانوان در عرصه های مختلف انقلاب اسلامی و رفع تحقیرشدگی تاریخی مردم و ایجاد عزت ملی می باشد.

ایدئولوژی انقلاب بر مبنای دین مبین اسلام می باشد که ضمن ارائه جهان بینی توحیدی و اشتغال ارزش های دینی و معنوی، جهانی بودن شعارها و اهداف آن، دینی همه جانبه بوده و با نیازها و مقتضیات زمان ها تناسب دارد و رنگ کهنگی به خود نمی گیرد. پس از بررسی عوامل سه گانه، کارآمدی انقلاب

اسلامی نیز عنصریست که دستاوردهای انقلاب را در اثر تعامل موثر سه رکن مردم و اسلام و رهبری در مدت ۴۰ سال نشان می دهد.

برشمردن رازهای ماندگاری انقلاب اسلامی ایران اگرچه شاید تشویق انقلابیون و بزرگداشت ملت بزرگ ایران باشد و یادآوری برای آن دسته مردمانی که احیانا گرفتار فراموشی شده و کمتر به فکر و خیال عوامل و اصولی بوده و هستند که باعث پیروزی آنان گردیده و به عنوان رازهای ماندگار انقلاب اسلامی مطرح می باشند، اما مرور این رازها بیش از همه، درس های پرمحتوا و با ارزشی برای مردم مسلمان ما خواهد بود تا بتوانند با تاسی بیشتر به این انقلاب و عوامل ماندگاری آن، به مشکلات موجود خویش فائق آیند و راه پیروزی را هموار و این عوامل را شناسایی و درمیان خود ایجاد نمایند.

در این تحقیق رازهای ماندگاری انقلاب اسلامی، بر مبنای سخنان رهبری و بیانیه گام دوم ایشان مورد بررسی قرار می گیرد.

## ۲. سخنی پیرامون بیانیه گام دوم انقلاب

گام دوم انقلاب، بیانیه ای است که از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران، امام خامنه ای به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردیده است.

در بیانیه گام دوم دو بحث مورد توجه قرار گرفته است: بحث اول جمع بندی افتخار آمیز گذشته است. رهبری در این بخش با توجه به دشمنی هایی که صورت می گیرد و برخی جریان ها تلاش می کنند، عملکرد نظام را در چهل سال گذشته سیاه و غیر درخشان جلوه دهند، به بیان دستاوردها در کنار اشاره به ضعفها پرداخته اند و نشان داده اند حرکت نظام، حرکت موفق بوده است.

در بخش دوم بیانیه، رهبری نگاه به آینده دارند و با برشمردن ظرفیت های نظام و کشور سخن از امید دارند و بیان می کنند که این امیدواری مبتنی بر توهم و از روی ندیدن واقعیتها نیست، بلکه حتی با دیدن ضعفها، توانمندی های به قدری برجسته است که باید به گام دوم انقلاب امیدوار بود. رهبری در مقابل جریان های مختلفی که تلاش می کنند چهل سال گذشته را سیاه و پر از ضعف نشان دهند تا بتوانند مردم نسبت به آینده نظام ناامید کنند؛ نگاه واقع بینانه ای ارائه می کنند تا مانع ایجاد این یاس در جامعه شوند. به عنوان مثال رهبری از تشدید معنویت و اخلاق در این بیانیه صحبت می کنند؛ این در حالی است که برخی ها جریانها به طور مرتب خلاف این مسئله را به جامعه پمپاژ می کنند .

از دیدگاه ایشان، انقلاب اسلامی، انقلاب پویا و مانا بوده که به رکود و خموشی دچار نشده و نمی شود .

### ۳. راز ماندگاری انقلاب اسلامی

برای بررسی راز ماندگاری انقلاب اسلامی باید عوامل اصلی وقوع انقلاب، یعنی رهبری، ایدئولوژی و مردم را مورد بررسی قرار داد.

#### ۳-۱- نقش امامین انقلاب

نقش رهبری در همه انقلاب ها شناخته شده است و یک انقلاب بدون رهبری وجود ندارد. هر چند در هر انقلابی نقش رهبری به گونه ای خاص جلوه گر می شود.

#### ۳-۱-۱- مردمی بودن رهبران انقلاب

در انقلاب فرانسه و روسیه، رهبران انقلاب از طبقات متوسط و بالای جامعه بودند، در حالی که در انقلاب اسلامی رهبران متعلق به طبقات محروم و فقیر جامعه بودند. در اغلب کشورهای دیگر، رهبران، هیچ کدام نه ایدئولوگ انقلاب بودند و نه فرمانده آن. تنها اشخاصی بودند که بر اسب سرکش بعد از سقوط نظام سوار شده و در سیر تحولات بعدی اثرگذار شدند. در حالی که در انقلاب اسلامی ایران، امام با برخورداری از مرجعیت دینی و با نبوغ و ویژگی‌های خاصی که داشتند، ایدئولوگ و فرمانده انقلاب بودند. (محمدی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۰) هم اکنون نیز رهبر معظم انقلاب موسس فقه راهبردی بوده و راهبردهای ابلاغی ایشان در زمینه های مختلف همچون سیاست های انتخابات، سیاست ها و راهبردهای اقتصاد مقاومتی براساس روش اجتهادی است. برخلاف فقهای دیگر که عمدتاً فقیه احکام هستند. ایشان همچنین در تمام طول زندگی، مشی ساده‌زیستی و مردمی بودن را حفظ کرده و تمام اطرافیان و مسئولان کشور را نیز به این امر دعوت می‌کنند و می‌فرمایند :

«پیوند حقیقی با مردم، مستلزم حضور در میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. ساده‌زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت‌المال در امور شخصی و غیر ضروری، شرط لازم برای حفظ این پیوند است. ترویج فرهنگ اشرافیگری و تجمل و سفرهای پرهزینه و بیهوده ی خارجی از کیسه ی مردم، دور از شأن نمایندگی و عامل گسیخته شدن پیوند نماینده با مردم است.» (بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۶)

در جایی دیگر خطاب به کارگزاران نظام می فرمایند: « برادران! من و شما داریم از آن ذخیره می خوریم؛ فراموش نکنید، آن را مردم دیدند. نمی شود ما در زندگی مادی مثل حیوان بچریم و بغلتیم و بخواهیم مردم به ما به شکل یک اسوه نگاه کنند؛ مردمی که خیلیشان از اولیات زندگی محرومند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۰/۵/۲۳)

### ۳-۱-۲- پایبندی بر اصول و ایدئولوژی

رهبران این انقلاب بر بیان صریح و دقیق اهداف و مقاصد این انقلاب تأکید آشکاری دارند، از این رو همواره اعلام می کنند که اغراض ملت گرایانه، وطن پرستانه و... را دنبال نمی کنند و فقط در پی حق و عدالتند. حال آن که رهبران سایر انقلاب ها چه بسا اهداف و مقاصد خود را در پرده ابهام و پوشیده نگه می دارند تا به این وسیله هیچ دسته ای از مردم را از خود نرانند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۹۱)

بسیار بوده اند رهبران انقلابی و دولت مردانی که پس از نیل به پیروزی، از اصول اولیه خود عدول نموده و همین امر نیز باعث گردیده تا حرکتشان استحاله شده و به سرعت روبه زوال بگذارد. اما در ایران نه تنها به هیچ وجه به استحاله فکری و عملی رهبری برنخوردیم که هرچه از عمر این انقلاب می گذرد، رهبری، با قاطعیت و جدیت بیشتر، همان اصولی را که امام خمینی (رحمه الله علیه) در روزهای اول مطرح نموده و به عنوان منشور انقلاب از خود به یادگار گذاشته است، را سرلوحه عمل خویش قرار داده و در این راستا گامی عقب ننشسته اند.

مقام معظم رهبری در این مورد می فرمایند :

«اصول و مبانی و ارزش های انقلاب باید به صورت صریح و شفاف مورد تکیه قرار بگیرد، راز ماندگاری نظام جمهوری اسلامی بر ریل انقلاب و بر خطوط اصلی امام بزرگوار همین صراحت بوده است. مواضع جمهوری اسلامی در مقابل مخالفان، در مقابل دوستان، در مقابل دشمنان، باید مواضع شفاف باشد. تاکتیک ها و شیوه های کار را می توانند عوض کنند، اما اصول همچنان باید مستحکم بماند. این راز استحکام انقلاب و راز پیشرفت کشور است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۲/۱۱/۱۹)

ایشان همچنین در بیانیه گام دوم می فرمایند: «جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده ها و موقعیت های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی های خود با رقیبان

و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند».

### ۲-۳-۲- مردمی بودن انقلاب

#### ۱-۲-۳- انقلاب روحی مقدمه انقلاب اجتماعی

در واقع جنبش مذهبی در ایران، بیش از آن که جنبش سیاسی برای سرنگونی نظام فاسد باشد، قیامی الهی و در راستای دعوت انبیا برای رشد و تعالی انسان و جامعه انسانی بود. همین امر سبب شد که در دهه ۱۳۳۰ جریان فکری دینی، دوره سازندگی را پشت سر گذارد و عمده تلاش خود را صرف تعلیم و تربیت دینی و معنوی شاگردان کند. این نحوه تفکر از آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ يَقِينًا» خدا سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد تا آن که آنان را در وجودشان قرار دارد تغییر دهند.» (سوره رعد (۱۳)، آیه ۱۱) الهام گرفته که اساس تحول جامعه و تحول درون و تهذیب نفس فرد قرار داده شده است. (، نوازی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷)

شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «یک جامعه در صورتی می‌تواند انقلاب کند و نظام اجتماعی حاکم بر آن جامعه را دگرگون کند که مردم آن جامعه خود از نظر روحیه و شخصیت روحی دگرگون شده باشند و اگر چنین نباشد، حق داریم در انقلاب اجتماعی آن‌ها شک کنیم و یا به آینده انقلاب آن‌ها امیدوار نباشیم.» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۱۳۲)

رهبر معظم انقلاب نیز چنین می‌فرماید: «انقلاب مثل یک کوره‌ی گدازنده است؛ تغییردهنده‌ی شکل و نظم عناصر موجودات است. انقلاب یک چنین حالتی است؛ ... این دگرگون‌سازی فقط در سطح مناسبات اجتماعی نیست، بلکه در درجه‌ی اول، در لایه‌ی درون انسان‌ها و ذهنیت‌هاست. اولین تغییر، این‌جا داده می‌شود؛ در دل‌ها.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۷)

### ۲-۲-۳- انتخاب آگاهانه مردم

چون هدف اصلی و نهایی این انقلاب استکمال معنوی انسان‌هاست این هدف جز بر اثر افعال اختیاری آنان حاصل نمی‌شود. رهبران این انقلاب به شیوه‌های قهری و تحمیلی متوسل نمی‌شوند. آنان به کتمان حقایق آن‌ها نشر اکاذیب نمی‌پردازند و وظیفه خود می‌دانند که آگاهی مردم و رشد فکری و عقلانی آنها را افزایش دهند. (مصباح یزدی، همان، ص ۸۹)



یکی از نظریه پردازان امریکایی به نام تدا اسکاچپول در مورد انقلاب اسلامی چنین می گوید: «در حقیقت اگر تنها یک انقلاب در طول تاریخ وجود داشته که به گونه ای آگاهانه بوسیله ی یک جنبش اجتماعی با هدف سرنگونی نظام قدیمی ایجاد شده، بی شک آن انقلاب، انقلاب ایرانیان علیه شاه بوده است. «اسکاچپول، ص ۱۲۲»

مقام معظم رهبری در باب اهمیت و ضرورت شناخت انقلاب جهت حفظ آن می فرماید :

«اگر می خواهید از این انقلاب حفاظت کنید، پاسداری کنید، اول باید این انقلاب را درست بشناسید آن کسانی می توانند در این حرکت در این مسیر محکم بایستند که شناخت عمیقی از مبانی نظریه انقلاب اسلامی داشته باشد. تجربه انقلاب را یعنی عینیت این نظریه را در طول این سالها بدانید؛ تاریخ انقلاب را بدانید؛ این انقلاب است مثل خیلی حرف های دیگر که در دنیا معمول است صرف ادعا نیست؛ یک دامنه وسیعی از تجربه عمل در مقابل آن است. « (بیانات مقام معظم رهبری در بازدید از دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، ۱۳۹۲/۳/۶)

### ۳-۲-۳- مشارکت سیاسی مردم

مردمی بودن انقلاب اسلامی، خصوصیت مهمی است که در واژه جمهوری اسلامی متجلی گردیده است. مردمی بودن انقلاب اسلامی از دو جهت با مردمی بودن سایر انقلاب ها تفاوت دارد. اول: این که مردمی بودن جزو ذات اسلام بوده و چیزی خارج از آن نیست. اسلام برای مردم و هدایت آنها از سوی خداوند تبارک و تعالی نازل شده است و لذا همواره رستگاری آنان را مد نظر دارد. چنین دینی حضور مردم در اجرای مقررات و دفاع از حریم خود را اصل اولیه می داند. دوم: آن که اسلام به طور واقعی و حقیقی مردم را در صحنه حفظ می کند. کذب و دروغ و صورت سازی برای حضور مردم در صحنه انقلاب مبتنی بر اسلام را ندارد. حضور حقیقی و فعالانه مردم در انقلاب اسلامی و نقش آنان در انتخاب همه مسئولان و حفظ دستاوردهای نظام انقلاب اسلامی، مظهر صداقت انقلاب اسلامی در مردمی بودن خویش است.

حضرت آیت الله خامنه ای معتقدند که، دو خصوصیت ابتدای انقلاب اسلامی بر ارزش های اخلاقی و دینی و معنوی و نیز مردمی بودن انقلاب، استثنایی ترین خصوصیت انقلاب می باشد و همین دو خصوصیت بیشترین تاثیر را در پیروزی و ماندگاری انقلاب در کشور ما داشتند. (بیانات مقام معظم رهبری، خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰)

امام خمینی (رحمه الله علیه) می فرمایند: «در این جا آرای ملت حکومت می کند. این جا ملت است که حکومت را در دست دارد و این ارگان ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت، برای هیچ یک از ما جایز نیست و امکان ندارد.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵) در بیانی دیگر می فرمایند: «جمهوری اسلامی بدین معناست که قانون کشور را قوانین اسلامی تشکیل می دهد، ولی فرم حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی ست به این معنی که متکی بر آرای عمومی ست.» (همان، ص ۲۴۰)

### ۳-۲-۴- نقش و همراهی بانوان در پیروزی و ماندگاری انقلاب اسلامی

مرد الهام گیر از زن است و اگر در یک جریان اجتماعی زن ها هماهنگی نداشته باشند، از تاثیر مرد هم فوق العاده می کاهد و برعکس اگر زن نقش موافق و احساسات موافق داشته باشد، نیروی مرد را هم چندین برابر می کند، یعنی نه تنها ترمزی برای مردان نمی شوند، نیروی محرکه ای هم برای مردها به شمار می آید و این مطلب در این نهضت فوق العاده مشهود بوده و است و این علاوه بر نقش مستقیم و فوق العاده ایست که خانمها در این قضایا داشتند و آن شرکت در تظاهرات و راهپیمایی، آن هم با حفظ میزان ها و معیارهای اسلامی و با شعارهای اسلامی و از این ها بالاتر جلوی گلوله رفتن است. (مطهری، همان، ص ۲۱۰) ویژگی دخالت زن در انقلاب اسلامی این است که زن مسلمان ایرانی درعین این که در صحنه تاریخ ظاهر شد و مستقیماً در کار سازندگی تاریخ با مرد شرکت کرد، پشت جبهه را رها نکرده و حیا و پوشش لازم را از کف نداد. دورباش خویش و کرامت و عزت زنانه خویش را محفوظ داشت و خویشتن را مثل زن غربی و زن مدل پهلوی به ابتذال نکشانید. (همان، ص ۲۲۶)

رهبر عظیم الشان جمهوری اسلامی، در ستایش نقش و جایگاه زنان، چنین می فرماید:

«در زیارت خانواده های شهدا، اغلب اوقات مادران شهید را شجاع تر و مقاوم تر از پدران شهید یافتیم. مگر محبت مادر را می شود با محبت پدر مقایسه کرد؟ ... بنده مکرر به این خانواده های شهدا گفتم گریه کنید؛ چرا گریه نمیکنید؟ گریه ایرادی ندارد... می گفتند می ترسیم جمهوری اسلامی دشمن شاد شود. «زن مگو، مرد آفرین روزگار، زن های ما این هاینده؛ امتحان خوبی دادند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور، ۱۳۹۱/۲/۲۳)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مشارکت سیاسی زنان در دو سطح توده و نخبگان ادامه دارد:

۱- مشارکت سیاسی زنان در سطح توده که شامل شرکت آنان در انتخابات ادواری، شرکت در راهپیمایی ها، شرکت در گروه ها، انجمن ها و فعالیت های بسیج و شرکت و حضور در جنگ تحمیلی بوده است.

۲- مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبگان نیز شامل نمایندگی مجلس شورای اسلامی، سهام بودن در بخش مجریه سیاسی و خدمات اداری، ملی و بین المللی و همچنین همکاری با قوه قضائیه است. (مصفا، ۱۳۷۳، ص ۳۸۰)

### ۵-۲-۳- رفع تحقیر شدگی تاریخی و ایجاد عزت ملی

بحران هویت مردم ایران، که آن ها را سر در گم کرده بود، ناشی از بحران هویت فردی و اجتماعی با هم بود که در طول تاریخ خود تحت تاثیر دو جامعه بزرگ تر اسلامی و لیبرال دموکراسی تجربه کرده بودند. این بحران هویت، زمینه مناسبی را برای جنبش های ملی و مذهبی فراهم کرد تا با مقاومت علیه استبداد و استکبار در پی برآورده شدن آرمان و الگوی خود از نظام سیاسی جهان برآیند. (نوازی، همان، ص ۹۳-۹۷)

رهبر انقلاب اسلامی می فرماید:

«اگر یک ملتی احساس عزت نکند، یعنی به داشته های خود... به چشم حقارت نگاه کند، آن ها را کوچک بشمارد و احساس کند از خودش چیزی ندارد، این ملت به راحتی در چنبره ی سلطه ی بیگانگان قرار می گیرد. ... یکی از اساسی ترین قلم هائی که انقلاب اسلامی به ما ملت ایران عطا کرد، احساس عزت بود. امام بزرگوار ما مظهر عزت بود. آن روزی که امام علناً فرمود «آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند»، اوج اقتدار سیاسی و نظامی آمریکا در دنیا بود. امام احساس عزت را به این مردم برگرداند و انقلاب احساس عزت را به ملت ایران برگرداند.» (بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج- ۲۲/۰۲/۱۳۸۸)

در واقع جامعه انقلابی ایران هرگز به بیگانگان اتکا ندارند. مقصود در این جا فقط جامعه و کشورهای هستند که با دین اسلام دشمن نیاز دارند. زیرا تبری از دشمنان، درست مانند تولی با دوستان، از اصول ایدئولوژیک این مکتب است. این انقلاب فقط بر عناصر و نیروهای خودی تکیه دارد و قائم به خود است. (مصباح یزدی، همان، ص ۹۲)

### ۳-۳- ایدئولوژیک بودن انقلاب

#### ۳-۳-۱- سخنی پیرامون مفهوم انقلاب ایدئولوژیک

بنا بر نظر شهید مطهری، ریشه انقلاب ها، سه عامل می تواند باشد: ۱- محرومیت مادی ۲- مسائل انسانی مانند آزادی ۳- مکتب و ایدئولوژی.

ممکن است انقلابی شکل دیگر بلکه ماهیت دیگر داشته باشد و آن را در ردیف انقلاب هایی که به وسیله پیامبران به وجود می آید قرار دهد، یعنی انقلاب پیامبران. چنین انقلابی ریشه در ایدئولوژی یک مردم دارد، یعنی مردمی از آن جهت قیام می کنند که دارای یک مکتب اند و دارای یک طرح برای زندگی بشرانند و معتقدند اگر بشریت بخواهد به سعادت برسد، باید شناختش در مورد جهان چنین باشد و... این عالی ترین و بالاترین نوع انقلاب است. (مطهری، همان، ص ۱۲۶)

رهبر معظم انقلاب در این باره می فرماید: «سخن انقلاب، سخن حق است. این خاصیت حق است.» مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ (سوره ابراهیم (۱۴)، آیه ۲۴) این یک درخت پاکیزه و سالم است که در زمینه سالم رشد می کند «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَقَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (همان) ریشه محکم شاخ و برگش هم رفته بالا «تُوْتِي أُمَّكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِأُذُنٍ رَّبِّهَا» (همان، آیه ۲۵) میوه اش همیشگیست و در هر فصلی میوه خود را می دهد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مردم آذربایجان به مناسبت سالروز قیام مردم تبریز، ۱۳۸/۱۱/۲۸))

ایشان در جایی دیگر می فرمایند:

«جرم جمهوری اسلامی، از نظر مستکبرین عالم این است که، به اسلام استقلال و مصالح خود پایبند است. برادران عزیزان من، رمز قدرت جمهوری اسلامی این است. رمز این که نتوانستند ضربه قاطعی بر جمهوری اسلامی وارد کنند... آن چه باید به طور کامل در نظر گرفته شود این است که اسلام و عمل به قرآن و پای بندی به این دو رمز بقای نظام اسلامی و اقتدار آن است. وحدت بایستی بر اساس اعتصام به حبل الله باشد و بر اساس موهومات و قومیت های پوچ و بی محتوا. قوام امت اسلامی به همین است.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۳/۶/۴)

### ۳-۲-۳- ارائه جهان بینی توحیدی

شهید مطهری پنج خصوصیت، ۱- سازگاری با عقل و فکر ۲- معنی دادن به زندگی ۳- آرمان سازی ۴- قدرت تقدس بخشیدن به آرمان ها ۵- تعهد آوری و مسئولیت آوری را، جزو خصوصیات یک جهان بینی خوب برمی شمارند. (مطهری، ۱۳۹۴، ص ۸۸)

جهان بینی توحیدی، نه تنها با نیروی منطق و استدلال حمایت می‌شود، یعنی در هر ذره ای از ذرات جهان دلایلی بر وجود خدای حکیم است، به حیات و زندگی نیز معنی و روح و هدف می‌دهد، زیرا انسان را در مسیری از کمال قرار می‌دهد که در هیچ حد معینی متوقف نمی‌شود. جهان بینی توحیدی کشش و جاذبه دارد؛ به انسان نشاط و دلگرمی می‌بخشد؛ هدف‌های متعالی و مقدس عرضه می‌دارد و افراد فداکار می‌سازد. جهان بینی توحیدی، تنها جهان‌بینی است که در آن، تعهد و مسئولیت افراد در برابر یکدیگر معنی و مفهوم پیدا می‌کند انسان را از سقوط به دره پوچ‌گرایی ننگه می‌دارد. (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۱۸)

### ۳-۳-۳- حاکمیت ارزش‌های دینی و معنوی بر انقلاب و هماهنگی آن با فطرت مردم

مردم در انقلاب اسلامی به دنبال تحولاتی بودند که بر مبنای اسلام صورت بگیرد آن‌ها باورهای دینی را سرلوحه خود از انقلاب قرار دادند. این خصوصیت اسلامی سبب شد تا انقلاب، محدود به قشر روحانی نشود و همین مردم در صحنه حاضر شده و انقلاب را از آن خود و برای خود بدانند...مقام معظم رهبری، مبتلا نشدن انقلاب اسلامی به آفت دوری از اصالت‌ها و ریشه‌ها در مرحله پیروزی را ناشی از حاکمیت ارزش‌های دینی، اخلاقی معنوی بر انقلاب می‌دانند و با یادآوری فاصله گرفتن انقلاب‌های مبتنی بر مبنای مارکسیستی و یا ناسیونالیستی، از اصالت و اهداف اولیه انقلاب، از دست دادن ویژگی‌های انقلابی خود در دوره نظام‌سازی و استقرار، ناشی از ضعف یا فقدان ارزش‌های معنوی و اخلاقی در این حرکت‌ها می‌دانند. حاکمیت مستمر و پایدار دین و ارزش‌های اخلاقی و معنوی آن بر انقلاب مردم ایران موجب شد تا هر جای دنیا قلبی برای دین و اسلام می‌تپد، به جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب، که برای اسلام حرکت می‌کند و به اعتلای اسلام فکر می‌کند علاقه مند شود. (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰)

بیان این نکته بسیار حائز اهمیت است که دین مبین اسلام با فطرت مردم هماهنگی دارد. به بیان دیگر، مایه دین در خود انسان وجود دارد. پیامبران آمدند برای این که آن چیزی که مایه اش در وجود انسان است را پرورش دهند، مثل خیلی از استعدادهای نهفته دیگر که مربی آنها را پرورش می‌دهد (مطهری، ، ص ۲۴)

میلیون‌ها مردم را به یک سمتی متوجه کردن کار عادی نیست، وقتی کسی با فطرت سخن می‌گوید؛ از خدا حرف می‌زند؛ فطرت‌ها به او متوجه می‌شود «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ؛ و الفت داد دل‌های مؤمنان را، دل‌هایی که اگر تو با تمام ثروت روی زمین می‌خواستی میان آنها الفت دهی نمی‌توانستی، لیکن خدا تألیف قلوب آن‌ها کرد.» (سوره انفال (۸)، آیه ۶۳)

دست خداست که دل ها را به یک سمتی هدایت می کند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مردم آذربایجان به مناسبت سالروز قیام مردم تبریز، ۱۳۸۸/۱۱/۲۸)

رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم می فرمایند: «برای همه چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن ها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه ی عصرها با آن سرشته است.»

### ۳-۳-۳ آزادی معنوی و آزادی اجتماعی در اسلام

آزادی بر دو قسم است: آزادی معنوی و آزادی اجتماعی. اشتباهی که دنیای امروز می کند این است که، می خواهد آزادی های اجتماعی را تأمین کند ولی اسارت معنوی ایجاد می کند. می خواهد بشر، سودجو، هواپرست و بنده نفس خودش باشد. سر اینکه انبیا در برنامه عدالت و آزادی شان موفق شدند یعنی توانستند انسان هایی تحویل دهند که به مفهوم واقعی آزادیخواه باشند، انسانهایی که قدرت به دست بیاورند و این سو استفاده نکنند، این بود که اول برای آزادی معنوی آن ها کوشش کردند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۲۱۱-۲۱۲)

اعلامیه حقوق بشر خیال می کند سر منشا تمام فساد ها این است که افراد به آزادی هم احترام بگذارند و در همین راستا یک فرمول پیشنهاد می کند و می گوید: از اول افراد بشر را این گونه تعلیم دهید و به آزادی هم احترام بگذارید. دین اسلام علاوه بر اینکه شعار آزادی را بیان می کند، مبنای آزادی را هم از طریق خداشناسی و انسان شناسی تأمین می کند. اسلام اعلام آزادی کرد و دیگران هم اعلام آزادی کردند و در عمل می بینیم که آن ها موفقیت هایی به دست نیاوردند. (همان، ص ۷۲-۷۷)

انقلاب اسلامی ایران علاوه بر بررسی آزادی به مفهوم حقیقی که آن آزادی فرد از اسارت نفس خویش است، حق آزادی اجتماعی آن ها را در چهارچوب شریعت اسلام و قوانین محترم می شمارد.

رهبر انقلاب در بیانات خود می فرمایند: « نعمت آزادی، بالاترین نعمتی است که بشر دارد. شما فاقد بودید این نعمت را. نمی توانستید یک کلمه حرف بزنید. قبلا امکان داشت برای ما بنشینیم باهم صحبت کنیم؟ نمی گذاشتند کسی از این در داخل شود وقتی بیرون می آمدید توی سازمان امنیت باید می رفتید. » (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی، ارومیه، ۱۳۵۸/۴/۱۵)

در جایی دیگر می فرمایند:

«استقلال، آزادی، جزوه شعارهای اصلی انقلاب بوده-است. امروز در کشور ما، آزادی فکر است؛ آزادی بیان است؛ هیچ کس به خاطر این که فکر و نظرش مخالف حکومت است مورد فشار قرار نمی‌گیرد. آزادی در همه جای دنیا چارچوب دارد، چهارچوب آزادی در کشور ما قانون اساسی و قوانین کشور الهام گرفته از شریعت مطهر اسلام است این که کسی توقع داشته باشد برخلاف قانون عمل کند منطقی نیست.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم مشهد، ۱۳۹۷/۱/۱)

### ۳-۳-۲ جهاد و امر به معروف و نهی از منکر در اسلام

انقلاب مبتنی است بر نارضایتی و خشم از وضعی و آرزو و طلب وضع دیگر. ولی صرف نارضایتی از وضعیت و آرزوی وضعی دیگر کافی نیست، بلکه انکار و نفی وضع حاضر ضروری است. همچنان که طلب جستجو برای وضعیت دیگر نیز ضرورت دارد. بنابراین ممکن است نارضایتی و حتی خشم باشد اما مقرون به سکوت و حدیث نفس و رویا باشد. این جا ارزش مکتب و ایدئولوژی روشن می‌شود، تنها آن ایدئولوژی می‌تواند و انقلابی و راهگشا باشد که عنصر انکار و نفی و طرد در متن تعلیماتش قرار گرفته باشد. فرق اسلام و مسیحیت در اینجاست. اسلام مشتمل بر جهاد و امر به معروف و نهی از منکر است ولی مسیحیت دم از صلح و سازش با هر وضعی می‌زند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم مشهد، ۱۳۹۷/۱/۱)

جهاد، بنابر فرمایش مقام معظم رهبری، فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک‌وقت در میدان جنگ مسلحانه است که جهاد رزمی نام دارد؛ یک‌وقت در میدان سیاست است که جهاد سیاسی نامیده می‌شود؛ یک‌وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به جهاد فرهنگی تعبیر می‌شود و یک‌وقت در میدان سازندگی است که به آن جهاد سازندگی اطلاق می‌گردد. البته جهاد، با عنوان‌های دیگر و در میدان‌های دیگر هم هست. پس، شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش اینکه، در مقابل دشمن صورت گیرد. (بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ ۲۰/۰۳/۱۳۷۵)

این آموزه‌های دین مبین اسلام، مسلمانان را نفوذ ناپذیر و قدرتمند می‌کند. همچنان که ویل دورانت در تاریخ تمدن خود می‌گوید: «هیچ چیزی به اندازه اسلام، امت خویش را به سوی قدرت و قوت نخوانده است.» (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۷۷-۷۹)

### ۳-۳-۳-۳- عدالت خواهی اسلامی

شهید مطهری در باب اهمیت و ضرورت عدالت تداوم نظام جمهوری اسلامی را قدم گذاشتن در مسیر عدالت خواهی می داند. یعنی دولت‌های آینده برای پر کردن شکاف طبقاتی اقدام کنند و تبعیض‌ها را از میان بردارند و جامعه توحیدی به مفهوم اسلامی ایجاد کنند. (مطهری، همان، ص ۹۴)

یک شاخص برای پیشرفت عدالت است. اگر کشوری در علم و فناوری و جنبه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند ولی عدالت اجتماعی در آن نباشد، به نظر ما و با منطق اسلام پیشرفت نیست. ادعای بنده این است که در این زمینه پیشرفت کرده ایم. اگر خودمان را با بسیاری از کشورهای دیگر که با نظام‌های گوناگون زندگی می‌کنند مقایسه کنیم و پیشرفت کرده ایم، اما اگر خودمان را مقایسه کنیم با آنچه اسلام به ما گفته است ... هنوز خیلی فاصله داریم و باید تلاش کنیم این تلاش به عهده کیست به عهده مسئولان و مردم با هم است. (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲)

### ۳-۳-۳-۴ ارزش شهادت و ایثار در اسلام

یکی از ویژگی‌های انکارناپذیر انقلاب اسلامی که ریشه در مکتب‌های بخش اسلام دارد، ایثار و شهادت است که همواره عامل نیرو بخش و سرنوشت‌ساز بوده است. ایثار در فرهنگ اجتماعی سیاسی و اقتصادی اسلام به عنوان وارستگی مومن و نشانه بارز پیوستگی به خدا و مکتب تلقی شده و در قرآن از آن برای آزمودن صلاحیت رهبری و امامت نام برده شده است؛ حضرت ابراهیم (علیه السلام) پیش از رسیدن به امامت با ایثار آزمایش شد و حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) به خاطر ایثار مورد ستایش قرار گرفته‌اند. (عمید زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۴۴-۴۶) «وَيُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ؛ هر چند به چیزی نیازمند باشند باز دیگران را بر خویش مقدم می‌دارند.» (سوره حشر ۵۹)، آیه ۹)

در نظام اسلام شهادت معیار ارزش‌های دیگر با آن سنجیده می‌شود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ؛ بالای نیکی هر نیکوکاری نیکی است تا آن که انسان در راه خدا کشته شود، و چون در راه خدا کشته شد، دیگر بالای آن نیکی (و عملی بهتر) نیست.» (کلینی، ۱۳۶۹، ص ۴۹)

تمام کسانی که به نحوی به بشریت خدمت کرده‌اند، حقی به گردن بشریت دارند؛ از هر راه، اختراع کتاب اخلاقی و عملی و... ولی هیچ کس حقی به اندازه شهدا بر بشریت ندارد. شهید، آن کسی است که از



خود گذشتن محیط را برای دیگران مساعد می‌کند. مفهوم شهید در میان مفاهیم و کلمات اسلامی در زندگی کسانی که فرهنگشان اسلامی است، کلمه و مفهومی نورانی و مقدس است که از کلمات و مفاهیم دیگر برتر است. احکام خاص در فقه اسلامی در مورد بدن شهید، نشانه قداست شهید در اسلام است. ( مطهری، همان، ص ۶۶-۶۸)

### ۳-۳-۵- نصرت الهی و امدادهای غیبی

رحمت رحمانی خداوند، عبارت است از رحمت عمومی که شامل همه موجودات می‌شود؛ اما رحمت رحیمیه عبارت است از التهاب و دستگیری خاصی که موجود مکلف در اثر حسن انجام وظیفه مستحق آن می‌گردد. پیامبران آمده اند ما را بر اینگونه امدادهای غیبی مومن کنند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا؛ و آنان که در (راه) ما (به جان و مال) جهد و کوشش کردند محققا آن‌ها را به راه‌های (معرفت و لطف) خویش هدایت می‌کنیم.» (سوره عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۹)

این آیه هم نیروی بدنی را شرط می‌کند و هم در راه خدا بودن را. از نظر فرد مادی گرا سنن تشریحی حساب مخصوصی در میان سنن تکوینی ندارد و حق و باطل درست و نادرست یک جور حساب دارد و جهان نسبت به طرفداران آنها بی طرف است. اما از نظر مکتب الهی جهان نسبت به این امور بی طرف نیست. یک نفر مادی، هر اندازه به مسلک و آیین خود معتقد باشد و آیینش دور از خودخواهی و نفع پرستی باشد، بیش از این اندازه عقیده ندارد که به هر اندازه که سعی و کوشش کند، نتیجه می‌گیرد. یک مسلمان مومن معتقد است که جهان طوری ساخته شده که اگر او را در راه حق و حقیقت فداکاری کند، دستگاه جهان به حمایت از او بر می‌خیزد و او را از پشتیبانی خود بهره‌مند می‌سازد و صدها هزار صدها هزار برابر نیرویی که او در راه هدف مقدس خود مصرف می‌کند، نیروی ذخیره در جهان است که در چنین شرایطی به یاری او می‌شتابد. ( مطهری، ۱۳۷۴، ص ۷۷-۷۸)

امام خمینی (رحمه الله علیه) می‌فرماید: «من از اول انقلاب احساس کردم که در همه مراحل دست قدرتی به ما کمک می‌کند و ما را راهنمایی می‌نماید.»

رهبر انقلاب می‌فرماید :

« البته خدای متعال این است دست قدرت را در تصادفی و بیهوده نمی فرستد بلکه به عنوان پاداش یک مجاهدت و یک از خودگذشتگی میفرستد؛ یعنی قوانین عالم به هم نخورده است... آنچه که پیش آمده منطبق بر قواعد عالم است، منتها بر طبق قوانین و قواعد مادی شناخته شده نیست بلکه عنصر معنوی در آن کار موثر و کمک کننده کار است. » (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۶۹/۹/۱۴)

بر همین مبناست که انقلاب اسلامی ایران کل معادلات سیاسی منطقه و جهان را بهم ریخت و نظریه پردازان و اندیشمندان غربی را در حیرت فرو برد. چرا که در واقع در تئوری نظام، دولت‌های مستبد می بایست ضعیف شده باشند تا یک حرکت انقلابی مردم بتواند بروز کند. شورش های مردمی، به خودی خود قادر نیستند دولت های مستبد را واژگون کنند بلکه غالباً فشار نظامی از خارج همراه با تضادها و انشعاب ها در بین دولتمردان نیاز است، بر خلاف دیگر انقلاب‌ها انقلاب اسلامی ایران در شرایطی پیروز شد که نظام شاهنشاهی خود را در اوج قدرت و ثبات می دید. (محمدی، همان، ص ۲۳۴ و ۲۳۵) و این خود نمود نصرت الهی و دست غیب در پیدایش انقلاب و حفظ آن است. هم اکنون نیز که انقلاب چلمین سال خود را پشت سر گذاشته است، از کینه ها و دشمنی های عنودان در امان نبوده است؛ منتها هربار با تلاش مردم و الطاف خداوند حفظ شده و پیش رفته است.

### ۳-۳-۴- همه جانبه بودن انقلاب اسلامی

از ویژگی‌های انقلاب اسلامی که البته آن هم از ماهیت اسلامی انقلاب نشات گرفته است، همه جانبه بودن و ناظر بودن در همه عرصه های زندگی و حیات فردی و اجتماعی است؛ در واقع تنها دینی که برای همه شئون انسان ها برنامه دارد، اسلام است و تنها انقلابی که قادر است جمع مصالح مردم را تامین کند و مشکلات جدیدی را به وجود نمی‌آورد، انقلاب اسلامی است؛ یعنی انقلابی که در همه ابعاد موجود خود بدون استثنا از جهان بینی و ارزش گذاری از دین مقدس اسلام بهره بگیرد و تغذیه کند. (مصباح یزدی، همان، ص ۸۷)

رهبر انقلاب درباره این خصوصیت می‌فرمایند :

«انقلاب اسلامی با همه انقلاب‌های دیگر متفاوت است؛ نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگیست و نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی و سیاسی است. یک انقلاب همه‌جانبه است، مثل خود اسلام. همانطوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است ... راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روز به روز زنده تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با

نیازهای بشر متوازن و همراه است. « (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمة الله علیه)، ۱۳۸۷/۳/۱۴)

### ۳-۳-۵- پاسخگوی به نیازها و مقتضیات زمان

نیازهای بشر دوگونه است: نیازهای ثابت و متغیر. در سیستم قانونگذاری اسلام، برای نیازهای ثابت قانون ثابت وضع شده و برای نیازهای متغیر، قانون متغیر؛ ولی همه قوانین متغیر را به یک قانون ثابت وابسته کرده که به منزله روح قانون متغیر است و خود آن قانون ثابت؛ قانون متغیر را تغییر می‌دهد. مثلاً اسلام می‌گوید: «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ؛ و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو و اسبان ورزیده آماده کنید.» (سوره انفال (۸)، آیه ۶۰) زمانی چهار آهنگر می‌توانستند این نیرو را با همان معلومات تجربی خودشان تهیه کنند؛ ولی یک زمان دیگر معلومات زیادی می‌خواهد؛ علم ساختن بمب اتمی هم لازم است؛ برای آنکه آن وظیفه انجام داده شود، واجب از این مبحث هم خوانده شود. (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۵۵)

امام خمینی رحمه الله علیه در پیام خود به حوزه‌های علمیه می‌فرمایند که همه توطئه‌های جهان خواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و... برای این است که ما نگوییم اسلام جوابگوی همه نیازهای جامعه است. امام خمینی رحمه الله علیه تاکید فراوانی بر اجتهاد پویا داشتند و معتقد بودند حوزه‌ها و روحانیت باید تفکر و نیاز جامعه را در دست خود داشته باشد. به وضوح مشهود است مواجهه هوشمندانه و دشمن شناسانه ایشان به امور نوظهور در پرتو اجتهاد پویا قابل درک است. چنین اجتهادی در حل معضلات و چالش‌ها و ارائه راهبردها و فرو نمی‌ماند. (مظاهری سیف، ۱۳۸۴، ص ۲۰۴-۲۰۵)

### ۳-۳-۶- جهانی بودن شعارها و اهداف انقلاب

اسلام از همان ابتدا داعیه جهانی داشته است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در همان محیط محدود، ندایی که فرا داد یک ندای جهانی بود؛ دلیل آن آیاتی از قرآن است که این دعوت را یک دعوت جهانی اعلام می‌دارد و اکثر این آیات در مکه نازل شده نه در مدینه؛ یعنی همان زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را چنان احاطه کرده بودند که هرکس نگاه می‌کرد، روی قاعده میگفت دعوت در همان نطفه خفه خواهد شد. آیات آخر سوره تکویر «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ؛ این (قرآن عظیم) جز پند و

نصیحت اهل عالم هیچ نیست.» (سوره تکویر (۸۱)، آیه ۲۷) که در اوایل بعثت است نازل شد (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۳۴)

رهبر انقلاب اسلامی در این باره می فرمایند:

«از آنجا که انقلاب اسلامی بر پایه شریعت ناب محمدی استوار شده است، نمی تواند به مرز و ملیت و هم خاصی محدود باشد. مسئله این نیست که ملت ایران و مسئولین کشور بخواهند با روش های معمول دنیا انقلاب را به جایی و برای کسی صادر کنند، بلکه موضوع این است که وقتی که تفکر و درک اسلامی و الهی و بینش نوین برای جمعی از مسلمانان مطرح شود به طور طبیعی همه فضای عالم اسلام برابر ظرفیت و موقعیت خود از آن بینش و درک استفاده خواهند کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت گروه کثیری از ائمه جمعه و روحانیون استان مازندران و اصفهان و علما و طلاب کشورهای اسلامی مقیم ایران، ۱۳۶۸/۴/۴)

ایشان در جایی دیگر درباره نسبت انقلاب اسلامی با مسائل ایران و جهان می فرمایند:

«پیش از پیروزی انقلاب اسلامی برای مجموعه انقلابیون و دست اندرکاران این نهضت عظیم نه فقط مسائل ملت ایران، بلکه مسائل مسلمین مطرح بود. البته شکی نیست که در سازندگی مسائل ملت ایران به دلایل مختلف تقدم و ارجحیت دارد. این نظام و دولت باید بتواند یک الگوی درست کند تا فعل و قول او را تایید کند؛ باید بتواند در این کشور اسلام را تحقق بخشد تا نهضت اسلامی صادق شناخته شود؛ باید شعارها را به واقعیت بدل کند؛ تا آن شعارها، دل شعار دهندگان سایر کشورها را گرم کند.» (سخنرانی در اجتماع طلاب و فضایی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۲/۱)

### ۳- ۵- کارآمدی و اثر گذاری انقلاب

رهبر انقلاب اسلامی عنصر کارآمدی را ملاک مشروعیت جمهوری اسلامی می دانند و می-فرمایند: «مشروعیت همه‌ی ما بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳/۶/۳۱)

ایشان در بیانیه گام دوم می فرمایند :

«به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روز‌به‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفت‌های چهل‌ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده می‌شود که این مدت، با مدتهای مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل ما میتوانیم که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.»

ایشان در همان جا، به ۷ مورد از دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی، که کارآمدبودن نظام را در طی چهل سال گذشته نشان می‌دهند، به صورت اجمالی اشاره می‌کنند. این دستاوردها از منظر ایشان عبارتند از:

۱- ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها و...

۲- موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز «ترجمه» هنری نداشت.

۳- بالا رفتن میزان مشارکت مردمی در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی و...

۴- ارتقاء بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی

۵- ایجاد عدالت در کشور در مقایسه با قبل از انقلاب

۶- ارتقا معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه

۷- ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان

## نتیجه‌گیری

بیانیه گام دوم که رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ تحت عنوان گام دوم انقلاب اسلامی ارائه فرمودند، در واقع آموزه‌ای جامع است. این بیانیه به صورت شفاف، آرمان بزرگی را برای انقلاب اسلامی با عنوان ایجاد

تمدن نوین اسلامی بیان می کند. به عبارتی هدف غایی انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی بیان می کند .

یکی نکات حائز اهمیت و درخور توجه در باب انقلاب اسلامی که در بیانیه بدان اشاره شده، ماندگاری و پایایی این انقلاب در قیاس با دیگر انقلاب های جهان است، که اندیشمندان و متفکران را به حیرت واداشته است. برای بررسی هر انقلاب توجه به عوامل اصلی وقوع یعنی رهبری، ایدئولوژی و مردم آن انقلاب آن ضرورت دارد .

رهبری انقلاب اسلامی امام خمینی (رحمه الله علیه) در واقع فردی از جنس طبقات محروم و فقیر جامعه بوده و از بطن مشکلات مردم آگاه بودند علاوه بر آن همیشه با صراحت و پایبندی به اصول قدم برمی داشتند. پس از ایشان، امام خامنه‌ای، نیز قدم در راه ایشان نهاده و با گام های استوار انقلاب را به پیش بردند.

ماندگاری جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر جمهوریت یا مردمی بودن به علت مواردی چون مقدم شدن انقلاب روحی مردم بر انقلاب اجتماعی آنان، انتخاب آگاهانه ، مشارکت سیاسی مردم، همراهی بانوان در عرصه های مختلف انقلاب اسلامی و رفع تحقیر شدگی تاریخی مردم و ایجاد عزت ملی می باشد .

ایدئولوژی انقلاب بر مبنای دین مبین اسلام می باشد که ضمن ارائه جهان بینی توحیدی و اشتغال ارزش های دینی و معنوی و جهانی بودن شعارها و اهداف آن، دینی همه جانبه بوده و با نیازها و مقتضیات زمان ها تناسب دارد و رنگ کهنگی به خود نمی گیرد.

پس از بررسی عوامل سه گانه، عنصر کارآمدی در عرصه های گوناگون انقلاب اسلامی نشان می-دهد که انقلاب اسلامی در عملکرد گام اول خود بصورت موفق عمل نموده است و در صورتی که بخواهد حرکتش خویش را ادامه بدهد و استوار بماند، باید به همان عوامل و اصولی را که در همان آغاز پیدایش انقلاب سرلوحه خویش قرار داده است، وفادار بماند. باید توجه داشت در هر کجا که عدول از اصول و استحاله فکری و عملی، چه در عملکرد مسئولین و چه مردم صورت بگیرد، انقلاب به انحراف از مسیر خود و چه بسا شکست نزدیک می شود. امید است که با حراست از انقلاب، آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنیم.

## فهرست منابع و ماخذ

\*قرآن

### منابع فارسی

- (۱) عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، چ ۵، تهران: نشر کتاب سیاسی، ۱۳۷۱
- (۲) کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، جواد، مصطفوی، هاشم، رسولی، چ ۴، تهران: کتاب فروشی علمیه، ۱۳۶۹
- (۳) محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، چ ۷، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱
- (۴) مصباح یزدی، محمدتقی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، چ ۱۲، قم: موسسه امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، ۱۳۹۲
- (۵) مطهری، مرتضی، اسلام و مسئله ملیت، چ ۱، تهران: صدرا، ۱۳۹۸
- (۶) \_\_\_\_\_، اسلام و مقتضیات زمان، چ ۲، چ ۳۴، تهران: صدرا
- (۷) \_\_\_\_\_، آینده انقلاب اسلامی ایران، چ ۲۷، قم: صدرا، ۱۳۶۴
- (۸) \_\_\_\_\_، پانزده گفتار، چ ۳، تهران: صدرا، ۱۳۸۰
- (۹) \_\_\_\_\_، پیرامون جمهوری اسلامی، چ ۲۷، قم: صدرا، ۱۳۶۲
- (۱۰) \_\_\_\_\_، قیام و انقلاب مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) از دیدگاه فلسفه تاریخ، چ ۵۶، تهران: صدرا، ۱۳۷۳
- (۱۱) \_\_\_\_\_، گریز از ایمان گریز از عمل، چ ۴، تهران: صدرا
- (۱۲) \_\_\_\_\_، فطری بودن دین، چ ۱، تهران: صدرا، ۱۳۹۸
- (۱۳) موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، چ ۱۴، تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، ۱۳۸۵
- (۱۴) نوازی، بهرام، صدور انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدهای بین المللی آن، چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (رحمة‌الله علیه) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸

**مقاله**

- (۱) اسکاچپول، تدا، دولت شیعی و انقلاب ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، محمد تقی دلفروز، شماره اول، ۱۳۸۲

**مقالات**

- (۱) حمیدرضا، مظاهری سیف، «پیدایی و پایایی انقلاب اسلامی بر اساس کدام قرائت از دین»، مجموعه مقالات فرهنگ جامع انقلاب، چ ۱، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۴
- (۲) مصفا، نسرین، «نقش مشارکت سیاسی در توانسازی زنان»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۸، شماره ۳، ۱۳۷۳



## نگرش امام خامنه‌ای به سیاست و روش‌های سیاسی

نویسنده:

راضیه سادات شکوفه چین\*<sup>۱</sup>

### چکیده

سیاست در لغت به معنای پاس داشتن ملک و در اصطلاح به معنای اداره کردن امور مملکت است. سیاست اسلامی، سیاسی است که اقدامات و اعمال در آن بر پایه دین و اخلاق محوری انجام می‌شود. نگرش امام خامنه‌ای به سیاست و روش‌های سیاسی را می‌توان در ۳ محور، ویژگی‌های شخصیت سیاسی ایشان، سیاست‌های داخلی و سیاست‌های خارجی خلاصه کرد. مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی و مدیریتی امام خامنه‌ای، شجاعت، تدبیر و اخلاق محوری است. منش و سیاست‌های معظم له در عرضه سیاست داخلی، توجه به علم و عدالت محوری و اقتصاد است و در عرصه‌ی سیاست‌های خارجی، حفظ عزت و امنیت، استکبارستیزی و حفظ منافع ملی بیشتر مورد اهتمام حضرتشان است.

**کلید واژه‌ها: سیاست، امام خامنه‌ای، ایران، عزت، اقتصاد، امنیت، مدیریت.**

### ۱. مقدمه

شناخت نگرش‌ها و سیاست‌های هر جامعه منوط به شناخت نگرش‌ها و روش‌های سیاسی رهبران آن جامعه است. در کشور جمهوری اسلامی ایران که دارای سیاست‌های خاص داخلی و خارجی است. دانستن سیاست‌ها و نگرش‌های رهبری این انقلاب یعنی حضرت آیت الله خامنه‌ای بسیار مورد اهمیت است. چنانچه اگر روش‌ها و منش‌های سیاسی ایشان به خوبی شناخته شود، کمک شایان توجهی به درک موقعیت سیاسی این کشور و سیاست‌های پیش روی آن دارد.

کشور جمهوری اسلامی ایران با داشتن سابقه تاریخی طولانی و افتخارآمیز در منطقه حساس خاورمیانه از سوی همه کشورها به ویژه قدرت‌های استکباری همواره مورد توجه بوده است. از این رو شناخت تاریخ و همچنین نگرش‌های سیاسی بزرگان و به ویژه رهبران آنها همواره مورد توجه دولت‌ها و ملت‌ها بوده است. حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبری جمهوری اسلامی ایران دارای سیاست منحصر به فردی در عرصه سیاست داخلی و خارجی هستند به گونه‌ای که در سیاست داخلی ایشان اخلاق محوری، توجه به محرومین، رعایت عدالت اجتماعی و اقتصاد مقاومتی از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است و در عرصه سیاست خارجی

\* کارشناس فقه و حقوق و دانش آموخته سطح ۲ حوزه‌های علمیه خاوران

ایشان با حفظ کرامت و عزت جامعه ایرانی بر امنیت این کشور و همچنین امر توسعه و ارتباطات گسترده با همه کشورها به ویژه کشورهای اسلامی تاکید دارد.

نظر به اهمیت و تاثیر این موضوع در آینده کشور اسلامی ایران و تاثیر آن در وقایع و جریانات داخلی و بین المللی، این مقاله بر آن است تا نگرش ها و گرایش های سیاسی رهبری ایران؛ حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای را دو عرصه سیاست های داخلی و سیاست های خارجی مورد تحقیق و تفحص قرار دهد.

## ۲. تعریف سیاست و سیاست اسلامی

سیاست از ریشه ساس سیوس به معنای پاس داشتن ملک، حفاظت و حراست، حکم راندن بر رعیت، رعیت داری کردن ریاست و داوری آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۹ق، ص ۱۰۷/معین، ۱۳۸۱، ص ۱۹۶۶) ولی در متون قدیم و جدید ادبیات فارسی، بیشتر در دو معنای "مجازات و عقوبت کردن" و "اداره امور کشور" به کار رفته است. (ولایی، ۵۷۲، ۱۳۷۷)

برخی دیگر در تعریف سیاست گفته اند، سیاست عبارتست از همت گماشتن به اصلاح مردم با ارشاد و هدایت آنان به راهی که در دنیا و آخرت موجب رهایی و نجاتشان می گردد. (شرتونی، ۱۴۰۳، ص ۹) و یا عبارتند از خود آگاهی انسان نسبت به محیط، جامعه و سر نوشت مشترک و زندگی مشترک خود و جامعه ای که در آن زندگی می کند و به آن وابسته است. (شریعتی، ۱۳۸۸، ص ۱۱) برخی دیگر سیاست را حد نکه داشتن هر چیزی، حسن تدبیر و مصلحت دانسته اند. (معلوف، ۱۳۸۴، ص ۹۰۶)

اما آنچه در تعریف سیاست اسلامی از نظر اندیشمندان مهم است، توجه به عدالت، مساوات، رفاه حال عموم و صلح جهانی است که در سایه آن عدالت اجتماعی و بالا رفتن سطح زندگی اقتصادی و فکری مردم را بر دارد و چنین تعریفی تنها در سایه علم دانستن سیاست، معنا می شود. (شریف قریشی، ۱۳۴۷، صص ۲۴-۲۵)

ابن عقیل در تعریف سیاست می گوید: سیاست در منطق اسلام، عبارت از هر عملی که انسان را به صلاح و خوبی نزدیک نموده و از بدی و فساد دور سازد گرچه بر طبق آن آیه و روایتی وارد نشده باشد. (موسوی، ص ۱۵)

پیداست چنین تعریفی تنها با معنای لغوی سیاست هم خوانی دارد و کسانی که چنین تعریفی از سیاست دارند، در توجیه اعمال خلاف، زمامداران قلابی در اوایل پیدایش اسلامی، چنین تعریفی را روا می دارند. اما باید دانست که سیاست صحیح از منظر اسلام، آنست که با کتاب خدا و سنت پیامبر و اهل بیت تطبیق

داشته باشد بر اساس چنین تعریفی، سیاست اسلامی، تنها تدبیر شئون ملت به صورت منحصر نیست، بلکه لازم است با اصول اسلامی منطبق بوده و یا لاقلاً مخالف قواعد کلی آن نباشد و هدف از چنین سیاستی آن است که تشکیلات دولت اسلامی را بر اساس دیانت اسلام، تنظیم نماید. (شریف قریشی، ۱۳۴۷، ص ۲۸) علاوه بر سیاست اسلامی، واژه دیگری که در ادبیات سیاسی بسیار ملاحظه می شود اصطلاح "اندیشه سیاسی" است، این واژه اگرهم راستا با سیاست اسلام معنا شود به معنای افکار، نظریه های و ارزش های محرک اسلامی، خط مشی و رفتار سیاسی است که پی در پی آن "نظریه سیاسی" شکل می گیرد. نظریه سیاسی، جستاری برای فهم عناصر تشکیل دهنده جامعه خوب است با این هدف که آن عناصر، جهان سیاست را برای ما فهم پذیر کند. (سیلانی، ۱۳۹۶، ص ۴۷)

### ۳. گذری بر نحوه زعامت و رهبری انقلاب اسلامی توسط حضرت آیت الله خامنه ای

بعد از آنکه شناختی از سیاست و سیاست اسلامی حاصل شد لازم است برای شناخت دقیق سیاستهای رهبری معظم ایران اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای، شناختی از نحوه زعامت و ویژگی های شخصیتی ایشان حاصل شود تا در پرتو آن سیاست ها و منش های سیاسی ایشان دقیق تر شناسانده شود.

چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ هم زمان بود با فقدان یک چهره بسیار مهم تاریخی، گزینش متفاوت در تاریخ ایران؛ امید و تلاش دشمن برای بر اندازی نظام جمهوری اسلامی، در پی بحران ناشی از ارتحال بنیان گذار آن، نکته ای نبود که از نظرها پنهان بماند.

فقدان رهبری، همراه با شرایط مبهم و ناپایدار امنیتی در مرزها، وضعیت آسیب پذیر امنیت داخلی و نیز شوک شدید وارد بر مردم، همگی شرایط مساعدی را برای آغاز تحریکات و تحركات خباثت آلود دشمن مهیا کرده بود؛ اما تصمیم غافلگیر کننده خبرگان امت، در انتخاب سریع و شایسته رهبر بعدی، به یک باره تمام این معادلات را به هم ریخت و رهروان امام از فردای آن واقعه، در پرتو رهبری الهی و حکیمانه امامی دیگر، به راه خود ادامه دادند و این بحران بزرگ و خطرات ناشی از آن را نیز با هوشیاری و بردباری از سر گذراندند. (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۴۳)

### ۱.۳. ملاک این انتخاب تاریخی

مهمترین ملاک های مجلس خبرگان رهبری برای این تصمیم خطیر، عبارت بودند از:

۱. صلاحیت علمی لازم حضرت آیت الله خامنه ای برای افتا در تمامی ابواب

۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلامی

۳. بینش عمیق سیاسی، شجاعت، تدبیر، توان، مدیریتی بالا و یک دهه تجربه بسیار ارزشمند در سطوح بالای مدیریتی، که ۸ هشت سال ریاست جمهوری در سخت ترین شرایط جنگی، از جمله آنها بود. (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۴۳)

افزون بر همه اینها، نظر صریح و بی پرده بنیان گذار انقلاب اسلامی نسبت به صلاحیت کامل معظم له برای تصدی امر رهبری که با شهادت تعدادی از افراد امین و مورد اعتماد امام به اثبات رسیده بود، خبرگان را در این تصمیم دلگرم تر کرد. در همان جلسه بود که حضرت آیت الله موسوی اردبیلی ریاست قوه قضاییه، حاج سید احمد آقا خمینی و نیز آیت الله هاشمی رفسنجانی که همگی از یاران نزدیک و امین امام راحل بودند، شهادت دادند که بارها از زبان امام جملاتی را شنیدند که صراحت در صلاحیت حضرت آیت الله خامنه ای برای رهبری داشتند.

همه این وقایع و هم چنین ویژگی‌های خاص رهبری، منتج شد به اینکه بالاخره با آراء اکثریت مجمع خبرگان حضرت آیت الله خامنه ای زعامت سیاسی و ولایی، کشور ایران را عهده دار شوند. اما نکته حائز اهمیت آن است که این انتخاب به معنای آغاز فعالیت های سیاسی ایشان به هیچ وجه نبوده است و سبقه فعالیت های سیاسی آن حضرت به دوران نوجوانی معظم له بر می‌گردد.

چنانچه روزهای نوجوانی آقا سید علی، مصادف بود با یکی از پر افت و خیز ترین مقاطع تاریخی ملت ایران تا قبل از شروع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۲، یعنی نهضت ملی شدن نفت و تنش های شدید بین ایران و انگلستان که با حضور جدی روحانیت در صحنه همراه بود. آشنایی ایشان با نواب صفوی در یکی از سفرهای او به مشهد و شنیدن سخنرانی های حماسی ایشان، آقا سید علی را به طور جدی به حضور در صحنه سیاسی برانگیخت. (قدر ولایت، ۱۳۸۱، ص ۴۱)

" در سال ۱۳۳۲ که قضیه ۲۸ مرداد پیش آمد کرد، من کاملا در جریان سقوط مصدق و حوادث آن روز بودم؛ یعنی من خوب یادم است که اوباش و اراذل در مجامع حزبی که دولت دکتر مصدق ارتباط داشتند، ریخته بودند و آن جا را غارت می کردند. این مناظر، کاملا جلوی چشم هست! بنابراین من مقوله های سیاسی را کاملا می شناختم و دیده بودم؛ لیکن به مبارزه‌ی سیاسی به معنای حقیقی، از زمان آمدن مرحوم نواب، علاقمند شدم. بعد از آن که مرحوم نواب از مشهد رفت، زیاد طول نکشید که شهید شد. شهادت او هم غوغایی در دل های جوانان که او را دیده و شناخته بودند، به وجود آورده بود. در حقیقت، سوابق کار

مبارزاتی ما به این دوران بر می گردد؛ یعنی به سالهای ۳۳ و ۳۲ به بعد<sup>۱</sup>

از این جریانات و وقایع سیاسی متعددی که در کشور عزیز ایران رخ می داد. حضرت آیت الله خامنه ای به صورت جدی وارد صحنه سیاسی شدند و ماجرای فعالیت های سیاسی آن حضرت، شکنجه ها و اسارت های مختلف ایشان در برهه هایی تاریخ ایران قبل از انقلاب، شاهدهی بر این ماجرا است. علاوه بر آن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایشان با قرار گرفتن در مصدر مسئولیتهای بزرگی هم چون عضویت در شورای انقلاب اسلامی، سازماندهی نیروهای مردمی در ابتدای جنگ تحمیلی، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی ریاست جمهوری و ده ها ماموریتی که لازمه هر کدام سازماندهی تشکیلات، مدیریت سیاسی و... بوده است، شخصیت و منش سیاسی خویش را نشان دادند. (زارعی، ۱۳۹۶، ص ۱۲)

#### ۴. ویژگی های شخصیت سیاسی

رهبر معظم انقلاب شخصیتی چند بعدی و بر جسته دارند؛ فقهی زبان شناس و آینده نگر، سیاست مداری اخلاق محور و هوشمند، مدیری توانمند و اندیشمندی فرزانه...

در میان گستره وسیع خصلت های شخصیتی معظم له، خصایص اندیشه ای و ویژگی های ایده پردازانه ایشان بیش از هر چیز مورد غفلت واقع شده است. شخصیت اندیشمند و ابعاد گوناگون اندیشه های ایشان بعضاً به شیوه ای خود خواهانه و نفع جویانه و به منظور تامین مصالح فردی و حزبی نادیده گرفته شده یا مورد تمسک سطحی، شعاری و ابزاری قرار گرفته است.

رویکرد ایشان به مسائل گوناگون را می توان تحت عنوان کلی "آرمان گرایی واقع بینانه" درک و تبیین نمود؛ ایشان از یک سو در همه حوزه ها ذره ای از آرمان های اصیل اسلامی و انقلابی کوتاه نمی آیند، از سوی دیگر این آرمان ها را در حوزه واقعیت ها و با توجه و شناخت دقیق واقعیت های عینی، به شیوه ای عقلانی و معتدل پی گیری می کنند. (قدر ولایت، ۱۳۹۰، ص ۱۷)

#### ۴.۱. شجاعت

شجاع به کسی گفته میشود که ترس و وسواس او را از رسیدن به امور مهم، منع نکند. چنانچه قرآن کریم می فرماید (فاذا عزمتم فتوکل علی الله) (آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹) هر گاه کاری را ارزیابی کردید و در

<sup>۱</sup> بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با گروهی از نوجوانان و جوانان ۱۳۷۶/۱۲/۱۴.

سنجشی منطقی، منافع آن را بر ضررهایش ترجیح دارید، به گفته قرآن، بر خدا توکل کنید.

با این تعریف از شجاعت اگر نگاهی گذرا به زندگی مقام معظم رهبری از دوره ستم شاهی به بعد داشته باشیم این وجه شخصیتی ایشان را به خوبی در می یابیم. نطق های آتشین و سابقه بارها و بارها زندان و تبعید تنها گوشه ای از شجاعت ایشان است. علاوه بر آن ماجرای مقابله با منافقان و کار شکنی های بنی صدر و لشکر کشی های او و همچنین ترور نافرجام ایشان، هیچگاه باعث نشد که ایشان ذره ای از اعتقادات و مبانی خویش پا پس بکشند. (قدر ولایت، ۱۳۸۶، ص ۳۰)

این عرصه شجاعت بعد از رسیدن ایشان به رهبری نیز جلوه های خویش را بیشتر نمایان کرد، ایستادگی و شجاعت ایشان در مقابل تهدیدات، تحریم ها و کار شکنی ها امریکا و اسرائیل و متحدان شان، نشانه ای از این شجاعت مدبرانه است. ایستادگی در مقابل توطئه های مثل توطئه خلق، توطئه خلق ترک، خلق بلوچ و هم چنین غائله کردستان و کودتای مختلف مثل کودتای قطب زاده و یا حزب توده و ... نفی هر گونه سازش با ظلم از جلوه های شجاعت ایشان در بعد کلامی و رفتاری است. (معاونت آموزش بسیج، ۱۳۸۴، صص ۸۰-۹۴) نمونه ای از این شجاعتها مقابله با سیاست های خصمانه امریکا در قول و عمل است چنانچه می فرمایند:

"اگر کسانی در دنیا تصور می کنند که مسئولین کشورمان دست ذلت به سوی امریکا دراز خواهند کرد دانند که سخت در اشتباهند و هرگز چنین چیزی پیش نخواهد آمد..." (قدر ولایت، ۱۳۸۶، ص ۳۰)

و یا در مقابل یاهو گویی های اسرائیلی ها با صراحت و شجاعت بیان داشتند که اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید.

#### ۲.۴. عالم و روحانی و متعبد حتی در سیاست

یکی از ویژگی های مقام معظم رهبری، اشتغال، اشتغال و اشتغال به مباحث علمی، هوش سر شار ایشان در کسب علوم معرفتی و دینی بوده است بگونه ای که در سنین ده تا سیزده سالگی به لباس روحانیت ملبس شدند وهم زمان با دوره دبیرستان و گذراندن دروس کلاسیک به دروس حوزوی نیز مشغول بودند. روحیه معنویت گرا و هم چنین خانواده روحانی ایشان موجب می شد که ایشان همواره اهل دعا و اعمال مستحبی باشند.

توجه به مباحث معرفتی و کسب علوم دینی هم زمان با فعالیت های شدید سیاسی آن هم از سن کم، همواره با یکدیگر قرین بوده است. (قدر ولایت، ۱۳۸۲، صص ۴۰-۵۰) به گونه ای که در قم و مشهد از محضر اساتید گرانقدری مانند آیت الله میلانی، آیت الله خویی، آیت الله حائری، امام خمینی (ره) و ... دیگران کسب

فیض کرده و خودشان سالیان سال مدرس دروس خارج فقه با بیش از ۱۵ هزار نفر طلبه در طول این سالها بوده اند و به گفته شاهدان، ایشان در هر یک از علوم حوزوی، صاحب نظر هستند. (قدر ولایت، ۱۳۸۶، ص ۳۱) اما با این اشتیاق علمی، هیچگاه فعالیت‌های سیاسی خویش را قطع نکردند. نکته بارزی که در شخصیت ایشان حتی در سیاست هم دیده می شود، توجه به حال مسلمانان، ظلم ستیزی و استکبار ستیزی است که نمونه های از تعبد و تقوای ایشان در مقابله با حوادث دنیای اسلام است.

#### **۳.۴. تدبیر و درایت**

یکی از ویژگی‌های که موجب استمرار و پایداری یک نظام می شود، وجود رهبری با درایت و مدبر است که بتواند وقایع داخلی و خارجی را به خوبی رصد کرده و پیش بینی کند و در واقع بحرانی با مدیریت خویش، کشتی جامعه و نظام را به ساحل آرامش و مقصود برساند. تفویض مسئولیت ها بر اساس لیاقت و اهلیت، عدالت محوری، اجرای قانون بدون اغماض، استکبار ستیزی، مقدم داشتن حقوق انسان‌های مظلوم بر متملقان کرکس صفت، از جلوه های مهم تدبیر و درایت رهبری صالح است. (ولایی، ۱۳۷۷، صص ۲۰۰-۲۰۸)

نمونه یکی از درایت های ایشان به ماجرای هجوم صدام به کشور کویت و به تبع آن حمله امریکا به عراق بر می گردد. در آن زمان عده ای عناصر ساده و بی اطلاع از امور، تاکید داشتند که باید به حمایت از کشور عراق مسلمان؛ ایران وارد جنگ با امریکا و متحدان شان شود که مقام معظم رهبری در یک موضع گیری هوشیارانه و الهی، کشور اسلامی ایران را یک موضع برتر نسبت به منطقه قرار داد و جنگ خلیج فارس را در "جنگ نفت" نامید و هم امریکا را به خاطر کشتار مردم مظلوم عراق و هم صدام حسین را بخاطر تجاوز به کشور کویت محکوم کردند. (قدر ولایت، ۱۳۸۲، ص ۳۳۱)

#### **۴.۴. مدیریت**

هم چنین در باب مدیریت ایشان، می توان در ۳ محور، مصادیق برخی از این مدیریت های بخردانه را بیان نمود.

#### **۱.۴.۴. مدیریت فرهنگی**

اشخاصی که استعداد و مهارت های متعددی دارند، خودشان قربانی این تنوع استعدادهای می شوند؛ خصوصا هنگامی که وارد عرصه سیاست می شوند، بیشتر به اعتبار جایگاه سیاسی شناخته می شوند و شهرت سیاسی همه ابعاد دیگر شخصیتی آنان را تحت الشعاع قرار می دهد.

جنبه فرهنگی، قطعاً یکی از جنبه های اصلی شخصیت حضرت آیت الله خامنه ای است و هر کسی با ایشان آشنایی داشته باشد، فرهیختگی را در وجود ایشان تصدیق می کند، ولو اینکه از نظر فکری با ایشان مخالف باشد. اهتمام عالمانه و دقیق رهبری معظم انقلاب به حوزه فرهنگی و زیر شاخه های مختلف آن، تازگی ندارد و باور جدی ایشان به این مقوله آشکار است. توجه رهبر فرزانه انقلاب به این موضوع و هوشیاری ایشان در این زمینه، ریشه در جوانی و قبل از انقلاب دارد و اهتمامات و بیاناتشان در طول سال های تصدی ریاست جمهوری و دوران رهبری در این زمینه، گواه این مدعا است. (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۴۸)

#### ۲.۴.۴. مدیریت علمی

ایشان در سه دهه رهبری، با تاکید بر تعامل حوزه و دانشگاه و تایید و تقویت جایگاه شورای انقلاب و تصریح بر ضرورت گشودن مرزهای دانش و علم، تعقیب و پیگیری نسبت به نهضت نرم افزاری و تولید علم، کارنامه درخشانی را در تداوم حرکت امام به جای گذارده اند. (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۲۲) معظم له بر اهمیت علم بارها تاکید کرده اند:

"حقیقتاً امروز از آن روزهایی است که کسب علم، فریضه شرعی است؛ علاوه بر اینکه فریضه اجتماعی هم است"<sup>۱</sup>

#### ۳.۴.۴. مدیریت نظامی

از ویژگی های دیگر مقام معظم رهبری، تجربه طولانی حضور در میادین نبرد است. حضور در میدان های جنگ و فرماندهی ستاد جنگ های نامنظم و نمایندگی امام (ره) در شورای عالی دفاع، معاونت وزیر دفاع، در نهایت فرماندهی کل نیروهای مسلح کشور، به همراه حضور عملیاتی در صحنه جنگ، توانست برای رهبری جدید ایران تجربه قابل ملاحظه ای را در حوزه نظامی و دانش استراتژیک فراهم آورد، به گونه ایی که کمتر کسی در درایت ایشان در امر رهبری نظامی که یکی از اصلی ترین وجوه رهبری کشور، انقلاب و فرماندهی کل قواست، تردید روا داشته است. همین مسئله اعتماد و اعتقاد نیروهای مسلح را به صحت تصمیمات رهبری روز افزون کرده است. (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹)

علاوه بر صفات یاد شده، هوشمندی و ذکاوت، اخلاق محوری و دیانت و همچنین ثبات عقیده و رای و مردم محوری و ظلم ستیزی، داشتن تفکر فرا زمانی و فرا مکانی از دیگر خصوصیات رهبری جمهوری اسلامی ایران است که برخی از آنها در روش های سیاست های داخلی و خارجی معظم له که در ادامه خواهد

<sup>۱</sup> بیانات رهبری در تاریخ ۲۶/۱۰/۱۳۶۸



آمد بیان خواهد شد.

## ۵. سیاست‌های داخلی

### ۱.۵. توجه به امر توسعه و رشد علمی

قبل از آنکه بخواهیم نگرش مقام معظم رهبری در مورد رشد، توسعه و پیشرفت را بدانیم لازم است که معنای توسعه بازشناسی و بیان شود. توسعه در معنای اسلامی به معنای فرآیندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی می‌باشد و انسان در این جریان می‌تواند به کمال برسد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۳). از نظر دین اسلام دارای دو قسم توسعه مذموم و توسعه ممدوح است. توسعه مذموم به کسانی برمی‌گردد که هم و غمشان در توسعه، رشد مالی به منظور رفاه طلبی و مصرف گرایی و توسعه شخصی به معنای رازداری بیشتر و بخل است. که چنین فکری از نظر دین اسلام مردود است. چنانچه قرآن کریم چنین کسانی که فقط به فکر توسعه شخصی هستند، مسرفین، مترفین و مرفهینی می‌داند، که مانند چهارپایان (انعام) می‌خورند.

انَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ (سوره محمد (۴۷)، آیه ۱۲)

در مقابل توسعه مذموم، توسعه ممدوح است، این توسعه، توسعه‌ی اقتصادی به منظور افزایش سرمایه، بر اساس خود محوری نیست، بلکه توسعه اقتصادی ممدوح، داشتن کارخانجات، مزرعه و امکانات مادی به منظور رفع نیاز نیازمندان، همواره محبوب و مطلوب دین است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۲)

پس آن مفهوم توسعه ایی که نظام عقلانی اسلام آن را ترویج می‌کند، آنست که باید در تمامی محورهای توسعه به ویژه در توسعه‌ی اقتصادی بر محور عقلانیت حرکت کرد و معیار عقل را در مصرف کردن در نظر گرفت نه آنکه ملاک ها و منفعت های شخصی جایگزین مفهوم توسعه به معنای ممدوح گردد. (عبدیائی، ۱۳۸۹، صص ۳۹-۴۰)

از این رو مقام معظم رهبری استغناى اقتصادى، توسعه و رشد علمى را همواره با معیارهای اسلامی و عقلایی مورد توجه قرار داده (سیلانی، ۱۳۹۶، ص ۲۴۲)

و می فرمایند:

«استقرار شریعت اسلامی از خطوط اصلی جامعه اسلامی است. لذا استغنای اقتصادی و رشد علمی در جامعه اسلامی، باید رونق گیرد؛ زیرا شریعت اسلام متضمن چنین مسئله‌ای است. توجه به این موضوع مهم، تبدیل واقعی و همه جانبه بنیان های زندگی جاهلی به بنیان های زندگی اسلامی را در پی دارد.» ( پیام مقام معظم رهبری به مناسبت نخستین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره). ۱۰/۳/۱۳۶۹)

البته باید دانست آنچه ایشان در باب توسعه ممدوح از آن سخن می‌گویند، هم شامل پیشرفت و توسعه علمی و معنوی و هم شامل پیشرفت و توسعه مادی و اقتصادی است.

که در این راستا، توجه به علم و رشد علمی از نظر معظم له، ارزش بیشتری دارد. از سوی دیگر ایشان در توصیف جامعه اسلامی چنین بیان می‌کنند که:

« آنچه جامعه اسلامی را به جامعه آرمانی تبدیل می‌کند آسایش و رفاه مادی همراه با پیشرفت و عروج معنوی است.» (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا(علیه السلام)، ۲۹/۱/۱۳۷۰)

«به عبارتی جامعه اسلامی زندگی مادی و معنوی را باهم دارد هم دین، اخلاق و فرهنگ و معارف مردم را غنی می‌کند و هم زندگی مادی معیشت و کار و تولید آنها را مورد توجه قرار می‌دهد.» ( بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با وزرا و مسئولان، ۲۸/۳/۱۳۷۰)

این دیدگاه نشان می‌دهد که توسعه همه جانبه علمی مادی و معنوی آنها به صورت کامل از دغدغه‌های اصلی ایشان برای رسیدن به جامعه آرمانی است.

## ۲.۵. مبارزه با مفسد اقتصادی و توجه به اقتصاد

متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به خصوص بعد از پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوران سازندگی، زمینه رانت جویی برای برخی موسسات و یا کارگزاران دولتی و خصوصی فراهم آمد و این گروه با استفاده از برخی روابط به امتیازاتی از قبیل واردات کالا، معافیت از حقوق گمرکی، امتیاز دسترسی به اعتبارات بانکی و ارز ارزان قیمت، شرایط تورمی قابل پیش بینی و ... دست یافتند و به رانت جویی و کسب ثروت‌های باد آورده نائل شدند. این موضوع نه تنها باعث وضعیت نابسامان اقتصادی شد که مفسد اقتصادی فراوانی را که مقدمه مفاصل دیگر است پدید آورده و مردم را به قوای سه گانه به خصوص قوه قضاییه، ارزش‌های اسلامی و اصل

نظام تا حدودی بی اعتماد ساخت. (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۱)

### ۱.۲.۵. موضع گیری و رهنمودهای رهبری در برابر مفساد اقتصادی

در این شرایط مقام معظم رهبری به عنوان هدایتگر امت اسلامی که پدید آمدن مفساد اقتصادی را برای حال و آینده نظام اسلامی خطرناک می دید و بارها بر مبارزه همه جانبه با آن تأکید ورزیده بود. در ۱۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۰، فرمان ۸ ماده ای مهمی را خطاب به روسای سه قوه برای مبارزه قاطع با فساد اقتصادی و رانت خواری صادر نمود. بخشی از محورهای مهم این فرمان به شرح زیر است:

#### ۱. افزایش پرچم عدالت، فلسفه جمهوری اسلامی

«حکومتی که مفتخر به الگو ساختن نظام علوی و اسلامی است، باید در همه حال تکلیف بزرگ خود را، کم کردن فاصله طولانی خویش با نظام آرمانی علوی و اسلامی بدانند و این جهادی از سر اخلاص و همتی سستی ناپذیر می طلبد.» (فرمان هشت ماده ای رهبری به سران قوا در مبارزه با مفساد اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۱۰).

#### ۲. خطر عدم مقابله با مفسدان اقتصادی:

«اگر دست مفسدان و سو استفاده کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود، اگر امتیاز طلبان خواهان پرمدها و انحصار جو طرد نشوند، سرمایه گذار و تولید کنند احساس ناامنی و ناامیدی خواهند کرد و کسانی از آن به استفاده از راههای نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد.» (فرمان هشت ماده ای رهبری به سران قوا در مبارزه با مفساد اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۱۰).

#### ۳. ضرورت اقدام همه جانبه قوای سه گانه:

«خشکاندن ریشه فساد مالی تنها با قاطعیت قوه قضائیه و قضاتی پاکدامن و قانونگذاری مناسب که موجب تسهیل است و با راهکارهای قانونی قوه مقننه و با ایفای درست وظایف و نظارت بر حسن اجرای آنها توسط قوه مجریه تحقق خواهد یافت.» (فرمان هشت ماده ای رهبری به سران قوا در مبارزه با مفساد اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۱۰).

#### ۴. مبارزه با فساد اقتصادی، زمینه ساز فعالیت صحیح اقتصادی:

«این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند.» (فرمان هشت ماده ای رهبری به سران قوا در مبارزه با مفساد اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۱۰).

#### ۵. استفاده از دستان پاک:

«دوستانی که میخواهند با ناپاکی دریافتند باید خودشان پاک باشند و کسانی که می خواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود برخوردار از صلاحیت باشند.» (فرمان هشت ماده ای رهبری به سران قوا در مبارزه با مفساد اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۱۰).

#### ۶. تسامح در مبارزه با مفاسد اقتصادی همدستی با مفسدان:

« تسامح در مبارزه با مفسدان نوعی همبستگی با فاسدان و مفسدان است اعتماد عمومی به دستگاه‌های دولتی و قضایی در گرو آن است که این دستگاه‌ها خود با مجرمان متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند.» ( فرمان هشت ماده ای رهبری به سران قوا در مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۱۰).

#### ۷. تشویق خدمتگزاران:

« چه نیکوست که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه ای مهم شناخته شود.» ( فرمان هشت ماده ای رهبری به سران قوا در مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۱۰).

#### ۸. لزوم برخورد عملی:

« با این امر مهم و حیاتی، نباید به گونه‌ای شعاری و تبلیغاتی و تظاهر گونه برخورد شود. بلکه به جای تبلیغات، باید آثار و برکات عمل مشهود گردد. به دست اندرکاران این مهم تأکید کنید که به جای پرداختن به ریشه‌ها و ام‌الفسادها به سراغ ضعف‌ها و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند.» ( فرمان هشت ماده ای رهبری به سران قوا در مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۱۰).

#### ۳.۲.۵. توجه به اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری تنها راه مقابله با تحریم‌ها و دشمنی‌های دشمنان و فرار از سر سپردگی به آن‌ها را روی آوردن به اقتصاد مقاومتی می‌دانند. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۹۰) ایشان در این باره می‌فرمایند:

« در دوراهی تحریم یا تسلیم، مشکلات تحریم را تحمل می‌کنیم و ایستادگی می‌کنیم با اقتصاد مقاومتی.» (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زئران و مجاوران حضرت رضا(علیه السلام)، ۱۳۹۵/۱/۱).

#### ۴.۲.۵. عدالت اجتماعی و حمایت از محرومان

از عمده ترین نگرش‌های رهبری، بحث از عدالت اجتماعی است. ایشان همواره تأکید داشتند و دارند که حتی پیشرفت هم بدون عدالت اجتماعی بی‌معناست (حاجی انزهایی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶) و عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی ترین خطوط در مکتب سیاسی انقلاب است (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زئران و مجاوران حضرت رضا(علیه السلام)، ۱۳۸۷/۱/۱) ایشان معتقدند که عدالت اجتماعی جزء شعارهای اصلی است و نمی‌شود آن را در درجه دوم اهمیت قرار داد<sup>۱</sup> و برای تحقق این هدف علاوه بر اجرائیات دولتی و حکومتی لازم است همه به دوری از اشرافی‌گری و ساده زیستی پایبند باشند زیرا که این موضوع یکی از

<sup>۱</sup> بیانات مقام معظم رهبری، سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۳۸۳/۳/۱۴.

آرمان های انقلاب اسلامی ایران است

{یکی از آرمان های انقلاب ما این است {اجتناب از اشرافی گری یعنی ضد ارزش کردن آنها. این نکته در انقلاب ما وجود دارد اما عده ای سعی در کم رنگ کردن آن دارند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقدار مردم به مناسبت عید غدیر، ۱۳۹۵/۶/۳۰).

### ۳.۵. سیاست های فرهنگی

در سال های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی و نیز جنگ تحمیلی دشمن نتوانست در عرصه تهاجم فرهنگی کاری از پیش ببرد از پایان جنگ تحمیلی دشمن در جبهه جدید فرهنگی و در قالب تهاجم فرهنگی به شکل جدی تر به برنامه ریزی و اجرای شیوه های عملی آن پرداخت. دشمنان انقلاب و نظام و در راس آنها امریکا در راستای تهاجم فرهنگی در خلال سال های اخیر شیوه های مختلفی را به کار گرفته اند که برخی از آنها به قرار زیر است:

یک: اتهام ضدیت نظام جمهوری اسلامی با آزادی

دو: سست کردن پایه های ایمان جوانان

سه: سوق دادن جوانان به سمت فساد و ابتذال

چهار: تحقیر و منزوی کردن جریان ادب، هنر، فرهنگ اسلامی و انقلابی

پنج: بی اعتنایی به آثار و فراورده های هنری

شش: عدم توجه لازم به ارزشهای اسلام و انقلاب اسلامی در بخش های فرهنگی

هفت: دفاع دروغین از حقوق بشر و اتهام نقض حقوق بشر به ایران (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۱۸۶)

### ۱.۳.۵. هوشیاری رهبر و هشدارشان

مقام معظم رهبری اولین فردی بودند که با دور اندیشی پرده از توطئه تهاجم فرهنگی دشمن برداشت و آن را شبیخون فرهنگی نامید. شاید اگر از همان ابتدا فرمایشات ایشان عملی می شد، بسیاری از مشکلات فرهنگی برطرف شده بود. در اینجا به تعدادی از محورهای مهم دیدگاههای ایشان اشاره می شود:

۱. تهاجم فرهنگی عظیم علیه اسلام

امروز تهاجم فرهنگی عظیمی بر علیه اسلام است که ارتباط مستقیمی با انقلاب ندارد. تهاجم وسیع تر از انقلاب علیه اسلام است. چیز عجیب و فوق العاده است که با تمام ابعاد فرهنگی و اجتماعی و سیاسی بر علیه اسلام وارد کارزار شده است. فقط یک استثنا دارد و آن اسلام وابسته به دستگاههای استعماری و فهدگونه است و الا اسلام های به معنای اعتقاد عوامانه مردم هم مورد تهاجم است چه برسد به اسلام ناب و

انقلابی و به تعبیر آن‌ها، اسلام ایران که وضعش روشن است. (تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۸۵)

#### ۲. هوشیاری در برابر تهاجم فرهنگی

اگر شما ملت و عناصر فرهنگی خدای ناخواسته بیدار نباشید. صدای فرو ریختن ارزش‌های معنوی که ناشی از تهاجم پنهان و زیرکانه دشمن است، هنگامی در می‌آید که دیگر قابل درمان نیست. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رسانه‌های گروهی ۱۳۷۱/۵/۲۱).

#### ۳. وظیفه خطیر رسانه‌های عمومی

در حال حاضر به ویژه بعد از شکست کامل مارکسیسم، استکبار غرب برای گسترش سیطره سیاسی و الحادی خود بر ملت‌های انقلابی عمدتاً از محور‌ها و شیوه‌های فرهنگی بهره می‌گیرد. معارضة شایسته با تهاجم فرهنگی غرب در ابعاد مختلف باید در صدر برنامه‌های رسانه‌های عمومی قرار گیرد. (تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۰)

#### ۴. شبیخون فرهنگی

دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند نه تنها یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان بسیج، ۱۳۷۷/۴/۲۲).

### ۴.۵. مردم باوری و اعتقاد راسخ به نقش مردم

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در نگرش سیاسی رهبران انقلاب ایران دیده می‌شود، توجه به مردم و نقش آن‌ها در تحولات درونی بیرونی است. (حاجی انزهای، ۱۳، ص ۱۰۲) آن معظم رهبری معتقدند که:

اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم یکی از شاخصه‌های انقلاب ایران است چون هم نشان دهنده کرامت انسان و هم تعیین کننده اراده انسانی است؛ زیرا هویت انسانی هم ارزشمند و دارای کرامت است و هم قدرتمند و کارساز! نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که اداره سرنوشت بشر و یکی جامعه، آرای مردم باید نقش اساسی ایفا کند. (بیانات مقام معظم رهبری در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل - نیویورک، ۱۳۶۹/۶/۱۳)

برگزاری است دوره فرماندوم مجلس شورا شوراها شهر و روستا ریاست جمهوری و سه تا نقطه همگی نمود و شاهد و مصداق عملی بر این مدعاست.

### ۵.۵. حفظ وحدت و توجه به قومیت ها و مذاهب

موقعیت جغرافیایی کشور ایران و وجود قومیت ها و مذاهب مختلف در طول تاریخ موجب شده است تا منافقان داخلی و مستکبران خارجی برای منافع خود همواره چشم سوء به منافع ایران داشته باشند و در فکر تفرقه افکنی باشند. در این راستا مقام معظم رهبری همواره بر برادری همه اقوام ایرانی و حتی اقلیت ها تاکید داشتند همگی را به حفظ وحدت دعوت کرده و درمقابل سیاست های تفرقه جویانه داخلی و خارجی با صلابت ایستادگی کردند. (برازش، ۱۳۹۳، ص ۳۲)

چنان چه می فرمایند:

وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشد و احساس برادری کند نه اینکه شیعه سنی شود و سنی شیعه شود نه مراد از وحدت این نیست. (بیانات مقام معظم رهبری . ۱۳۶۸/۱۰/۵)

یا در جای دیگر، ایجاد وحدت را رسالت الهی دانسته و آن را ستوده اند:

رسالت و پیام و وظیفه الهی ما این است که در مقابل آنچه استعمار انجام داده حرکت کنیم یعنی دلهای مسلمین جهان را در سطح جهان به هم نزدیک کنیم. (بیانات مقام معظم رهبری . ۱۳۶۸/۳/۳۱)

## ۶. سیاست های خارجی

### ۱.۶. آشنایی با سیاست های خارجی

اولین گام و اولین ویژگی یک رهبری کاربلد، داشتن آگاهی های سیاسی مکفی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای علاوه بر شناخت و درایت نسبت به مسائل و سیاست های داخلی با سیاست خارجی نیز آشنایی دارند ناگفته پیداست که سیاست خارجی، پدیده بسیار پیچیده ای در عرصه بین المللی است و حضرت آیت الله خامنه ای با داشتن تجربه ریاست جمهوری (که در همه نظام های سیاسی به عنوان شخص اول کشور مسئول و شخصیت پذیرفته شده است) با سیاست خارجی مانوس بوده و شناختی عمیق دارند. پس تجربه مدیریت اجرایی کشور و ریاست جمهوری برای رهبری جدید نظام این فایده بسیار مهم را داشت که در عرصه مدیریت سیاست خارجی کشور، مبانی نظری و عملی بسیاری را

فراگیرند. حضور ایشان در اجلاس های مختلف بین المللی، اداره دیپلماسی در دوره‌ی بسیار سخت جنگ، مذاکرات طولانی در قضیه قطعنامه ۵۹۸ و مباحث صلح، حضور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و سخنرانی تاریخی در جمع رهبران کشورهای جهان، مدیریت سیاست خارجی ایشان را با اعتنا به نیاز کشور به تجهیز برای دفاع از تمامیت ارضی و موارد مشابه را محکم ساخت و تجربه های گرانقدری در اختیار رهبری و مرجعیت جوان کشور هدیه کرد که بسیار مفید بوده است. (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹)

### ۲.۶. عزت حکمت و مصلحت سه راهبرد اساسی سیاست خارجی

بعد از این گام آشنایی با سیاست خارجی، دانستن محورهای کلی سیاست خارجی حضرت آیت الله خامنه ای امری ضروری به نظر می رسد. سیاست ایشان بر پایه‌ی عزت حکمت و مصلحت است. چنانچه می‌فرمایند:

عزت و حکمت و مصلحت یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین المللی ماست. ما برای خودمان عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی که خاصیت و شاخصه تفکر اسلامی است و دل بستن به خدا و محبت به بندگان الهی و لزوم خدمت به آنها قائلیم. ما بر اساس عزت اسلامی عزت توحید و عزت ملت خودمان حرکت می‌کنیم. ملت ما نباید در روابط بین الملل خواری ببینند و اهانت شود. هیچکس حق ندارد اهانت به ملت ایران را در کمترین برخورد با دیگران قبول کند. ایران ملتی سرافراز و بزرگ و جاندار است و نشان داده است که قدرت حضور در همه صحنه های دنیا را دارد.

حکمت یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن هیچگونه نسنجیدگی نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است را داشته باشد همه چیز باید سنجیده باشد.

مراد از مصلحت شخصی من و شما نیست که اگر این اقدام را کردیم ممکن است برایمان گران تمام شود.

### ۳.۶. توجه به امر امنیت و مدیریت امنیتی

سومین عنصر تاثیر گذار در نگرش رهبری بر سیاست خارجی توجه به امر امنیت است. مفهوم امنیت امروزه از شکل تک بعدی نظامی به شکل چند بعدی نظامی- اقتصادی و فرهنگی تغییر ماهیت داده است. به عبارت دیگر؛ قدرت دارای مفهومی منشوری است. دیگر هیچ کشوری نمی‌تواند صرفاً با اتکا به قدرت نظامی امنیت خود را تامین نماید. در واقع حتی قدرتی چون اتحاد شوروی سابق عملاً به خاطر نگرانی از عدم



توانایی تامین امنیت خود با اتکاء بر منابع نظامی مبادرت انجام اصلاحات و تلاش برای تحول در ساختار اقتصادی و اجتماعی خود نمود تا شاید بتواند متناسب با الزامات جدیدی که در عرصه جهانی به لحاظ تحول مفهوم قدرت از نظامی به اقتصادی و فرهنگی حادث شده بودند. امنیت خود را در فضای نوین نظام بین المللی تامین نماید. که البته این روند به خاطر وقوع جنگ قدرت در اتحاد شوروی نهایتاً به فروپاشی آن منجر گردید. (معاونت آموزش بسیج، ۱۳۸۴، ص ۷)

در این راستا و در جهت حفظ امنیت، مقام معظم رهبری، اهتمام ویژه ای به امر امنیت دارد که مهم ترین رکن تامین امنیت داشتن قدرت است، قدرت عبارتند از قدرت مادی و معنوی. از دید ایشان قدرت مادی، زوال پذیر و قدرت معنوی به علت اتصال به خداوند لایزال ماندگار است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان و گروه کثیری از پاسداران سپاه ۱۳۷۸/۸/۲۲)

بنابراین تعریف قدرت از نظر منطق دین و معنویت با تعریف قدرت در منطق مادی بسیار متفاوت است. از نظر ایشان قدرت اصلی ایرانی اسلامی، از نوع قدرت معنوی است که این قدرت نیازمند دین است. ازین روی ایشان تحقق قدرت سیاسی و تشکیل حکومت را هدف نهایی نمی دانند بلکه قدرتی را مشروع می دانند که دینی و الهی باشد یعنی در جهت تحقق آرمان های دینی، قانون و مقررات الهی باشد. (سیلانی، ۱۳۹۶، ص ۲۱۷)

ایشان با اهتمام به داشتن قدرت، آن هم قدرت مشروع و همه جانبه، همواره با هوشمندی تهدیدات امنیتی داخلی و خارجی را با اتکا به همین قدرت داخلی پیش بینی و مدیریت کرده اند. شناخت دقیق دشمنان و مواضع و تاکتیک های آنها در سال های بعد از انقلاب به ویژه هوشیاری در مقابل جریانات و قدرت های استکباری از ویژگی های برجسته رهبری انقلاب است. به گونه ای که مدیریت شرایط فرسایش گر و توان گیر جنگ تحمیلی ۸ ساله، خنثی کردن عملیات های ایدایی و کودتایی که با تکیه بر همین قدرت داخلی و مردمی و با عنایت خداوند متعال و به خاطر حقانیت این نظام و رهبری که حتی بیگانگان نیز تصریحاً یا تلویحاً آن را معجزه قرن می خواندند، نتوانست جلوی درخشش و پرتو افشانی انقلاب را بگیرد. (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۹۶)

شاهد مثال این رهبری امنیتی تجارت موفق حضرت آیت الله خامنه ای چه در زمان رهبری به چه قبل از آن است به گونه ای که تجربیات ایشان در کنترل کودتای نوزدهم مقابله ایشان با فرقه منحرف فرقان و مقابله با سیاست های استکباری آمریکا و انگلیس و تهدیدات مذبحخانه اسرائیل نشان دهنده ی اهتمام و مدیریت سیاسی حضرت آیت الله خامنه ای در مقابله با سیاست های ضد امنیتی است.

#### ۴.۶. مواضع مقام رهبری قبال تحولات بین المللی

رهبر انقلاب اسلامی به عنوان رهبری دوران‌دیش و جامع نگر در کنار هدایت و رهبری انقلاب و نظام جمهوری اسلامی تحولات بین المللی را به دقت و با هوشیاری کامل تحت نظر داشته و دارد و در موقعیت‌ها و شرایط مختلف و مناسب دیدگاه‌های خود را در مورد مسائل کلان و نیز خاص بین المللی ارائه کرده و موضع‌گیری نموده‌اند. استمرار افشای ماهیت آمریکا، پشتیبانی از ملت مظلوم فلسطین، سخنرانی مهم و ارائه رهنمود های جامع در هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی و موضع‌گیری دقیق و حکیمانه در قبال حملات تروریستی در آمریکا و حمله این کشور به افغانستان مهمترین این موضع‌گیری‌هاست.

#### ۵.۶. بیان مبانی و اعتقادات اسلامی به صورت علمی، مستند و ریشه‌ای

امام خامنه‌ای در یکی از روش‌های سیاسی کم‌نظیر خود با نوشتن نامه‌هایی به جوانان غربی و همچنین کتاب‌ها و سخنرانی‌های خویش به نقد مبانی تفکر مادی غرب می‌پردازد و به شبهه‌های ذهنی آنان پاسخ می‌دهد. یکی از این شبهات، مبحث آزادی یا لیبرالیسم است. (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۸۱) ایشان در این باب می‌فرمایند:

مکتب لیبرالیسم غربی، آزادی انسان منهای حقیقتی به نام دین و خداست. لذا ریشه آزادی را هرگز خدادادگی نمی‌داند. هیچ‌کدام نمی‌گویند که آزادی را خدا به انسان داده در حالی که در اسلام آزادی ریشه الهی دارد خود این یک تفاوت اساسی است و منشأ بسیاری از تفاوت‌های دیگر می‌شود. بنابر منطقه اسلام، حرکت علیه آزادی، حرکت از محل یک پدیده‌ی الهی است یعنی در طرف مقابل یک تکلیف دینی به وجود می‌آورد. اما در غرب چنین چیزی نیست و اینکه در لیبرالیسم غربی چون حقیقت و ارزش‌های اخلاقی ایرادی نسبی است. لذا آزادی نامحدود است. چرا؟ چون شما به یک سلسله ارزش‌های اخلاقی معتقدید، چون او ممکن است به این ارزش‌ها معتقد نباشد. بنابراین هیچ حدی برای آزادی وجود ندارد. چون حقیقت ثابتی وجود ندارد و ارزش‌های اخلاقی از نظر آنها نسبی است. در حالی که در اسلام ارزش‌های مسلم و ثابت وجود دارد. حقیقتی وجود دارد و حرکت در مسیر آن حقیقت است که ارزش و آفرین و کمال است. بنابراین آزادی با این ارزش‌ها محدود می‌شود. پس آزادی، محدود به حقیقت و محدود به ارزش‌ها است. (بیانات مقام رهبری در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۷۷/۶/۱۲).

علاوه بر آزادی، شناساندن مبانی استکباری غرب، تبیین بحران اخلاق و خانواده در تمدن های مادی دنیا، نفی سکولاریسم معرفتی ناقضان اصلی حقوق بشر، از جمله مهم ترین مفاهیمی هستند که در ادبیات سیاسی رهبری معظم انقلاب بسیار دیده می شود. (اشیری، ۱۳۹۳، ص ۲۵۰)

مثلا در باب این ناقض اصلی حقوق بشر ایشان می فرمایند:

ما امروزه صد سند غیرقابل خدشه در اختیار داریم که نشان می دهد دولت آمریکا پشت سر ترورها و تروریست هایی بوده است که در ایران یا در منطقه واقع شده است. ما با این سند آبروی آمریکا در دنیا خواهیم برد. آبروی این مدعیان حقوق بشر و مبارزه با تروریسم در دنیا، پیش افکار عمومی خواهیم ریخت، اگر چه امروز هم آبروی ندارند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۰/۸/۱۱).

#### **۶.۶.۶. مقابله با برنامه های نفوذی دشمنان**

یکی دیگر از نگرشهای رهبری معظم در مقابله با دشمنان خارجی مبارزه علنی و قلمی و رفتاری با پروژه های نفوذی دشمنان است. ایشان گام اول در مقابله با این پروژه های نفوذی را که در لباس های مختلف رسانه ای و تبلیغاتی، به فضای اجتماعی و سیاسی ایران راه پیدا می کند را "بصیرت" می دانند. (رستمی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۹)

ایشان معتقدند که:

اهمیت این جنگی که امروز در زمینه مسائل سیاسی و اقتصادی وجود دارد، از جنگ نظامی بیشتر است و باید نقاط نفوذ دشمن را شناخت. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۵/۳/۲۵).

بنده بارها بر روی بصیرت تکیه می کنم. مردم باید بدانند چه اتفاقی دارد می افتد. ببینند آن دستی را که دارد صحنه گردانی می کند. صحنه را شلوغ می کنند تا در خلال شلوغی مردم، عنصر خائنی آن چه بخواهد را انجام دهد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲).

#### **۱.۶.۶. صهیونیسم و استکبار ستیزی**

یکی از ویژگی های منحصر به فرد رهبران انقلاب اسلامی ایران، چه امام خمینی (رحمت الله علیه) و چه مقام معظم رهبری، مبارزه علنی و همچنین روشنگری علیه اسرائیل و صهیونیست های غاصب و حامیان

استکباری آنان است. معظم له، صهیونیست‌ها را دشمن بشریت می‌داند و علت رفتارهای وحشی گرایانه آنها را عقده حقارت و سرکوفتی می‌داند که در طول تاریخ یهودیت بر آنها اعمال شده است. (موسسه لوح و قلم، ۱۳۹۲، ص ۱۷)

« از حدود صد سال قبل یک هسته صهیونیستی در اروپا به وجود آمد که با انگیزه انتقام‌گیری از نوع بشر شروع کردند به گسترش و رشد یافتن. اینها با یک ملت خاص دشمن نبودند با بشریت دشمن بودند. علت آن هم این بود که در طول قرن‌های متمادی یهودی‌ها دائماً در معرض سرکوفت و تعقیب و تحقیر ملت‌ها و دولت‌ها قرار داشتند» (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران. ۱۳۶۴/۶/۱۵).

و تنها راه مقابله با این غده سرطانی را بیداری و وحدت امت‌های اسلامی و غیر اسلامی در مبارزه و ایستادگی می‌دانند تا از بین بردن و حذف کامل نام اسرائیل از نقشه جغرافیایی جهان می‌دانند. (موسسه لوح و قلم، ۱۳۹۲، ص ۱۸)

## ۷. نتیجه گیری

کشور پهناور ایران با داشتن سبقه باستانی تاریخی و همچنین موقعیت بسیار مناسب استراتژیک و اتصال به دریای آزاد همواره از کشورهای بسیار مهم در منطقه پرحادثه و ماجرای خاور میانه بوده است. علاوه بر آن دسترسی به منابع عظیم نفت، گاز و معادن طبیعی جلوه‌های چشم اندازی برای قدرت های استعمارگر ایجاد می کند.

در این میان روحیه عزت طلب و میهن پرست ایرانیان با وجود پادشاهان متعدد و کار نابلد سیاسی کار را برای استعمار گران سخت کرد، اما با این وجود به دلیل نا اهلی پادشاهان و سلسله های متعددی که بر این کشور سظنت کرده‌اند، منابع بسیار زیادی از این کشور به یغما برده شد و قسمت های زیادی از خاک عظیم آن جدا شد، به گونه ای که از امپراطوری عظیم هخامنشیان شاید جز یک سوم از آن باقی نماند.

اما تاریخ بعد از انقلاب اسلامی ایران تاریخی دیگر است رهبران دینی که با پشتوانه های مردمی و در قالب حکومت دینی و به دور از دیکتاتوری و استبداد به روی کار آمدند، نگرش و سیاست های خاص خود را داشتند.

بعد از رحلت امام خمینی بنیانگذار انقلاب اسلامی؛ حضرت آیت الله خامنه ای با داشتن روحیه اخلاق محور و روحانی، در عرصه سیاست داخلی همواره بر عدالت محوری و مبارزه با مفساد اقتصادی و توجه به محرومان تکیه دارند و در عرصه سیاست خارجی بر حفظ عزت و صلابت و امنیت داخلی تاکید داشته و با استعداد و ظلم و استکبار در هر قالبی مخالف است.

داشتن روحیه انقلابی با پشتوانه های مردمی، خیال خام سلطه بر این کشور عظیم را بر گرگ صفتان استبداد و استعمارگر، تلخ و پریشان می کند.

## فهرست منابع و مآخذ

\*قرآن کریم

### منابع عربی

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار التراث العربیه، ۱۴۱۹.
۲. موسوی، شرف، حیاہ ابن ابی العقیل، بی جا، السید شرف الموسوی، بی تا.
۳. شرتونی، رشید، اقرب الموارد، قم، آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.

### منابع فارسی

۱. اشیری، سعید، دوران جدید عالم، تهران؛ انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.
۲. اکبری، محمد، خورشید هدایت؛ مدیریت راهبردی و تدبیرهای مقام معظم رهبری در بحران ها، قم؛ امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۹۰.
۳. برازش، علیرضا، وحدت و همگرایی از منظر حضرت آیت الله العظمی علی خامنه ای، تهران؛ امیرکبیر، ۱۳۹۳.
۴. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم؛ اسراء، ۱۳۹۱.
۵. حاجی انزهایی، محمدرضا، صورت و سیرت انقلاب اسلامی در بیانات رهبری، تهران؛ انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.
۶. رستمی، محمد، نفوذ، قم؛ شهید کاظمی، ۱۳۹۴.
۷. زارعی، محمود، کار باید تشکیلاتی باشد؛ مجموعه بیانات رهبری درباره تشکیل و کار تشکیلاتی، قم، شهید کاظمی، ۱۳۹۶.
۸. سیلانی، علی اکبر، درآمدی بر فلسفه سیاسی مقام معظم رهبری، قم؛ موسسه امام خمینی، ۱۳۹۶.
۹. شریف قریشی، باقر، سیستم سیاسی اسلام، نعمت الله ادیب لاری، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۴۷.
۱۰. شریعتی، علی، تاریخ و شناخت ادیان، تهران، انتشار، ۱۳۸۸.
۱۱. عبدیائی، نرگس، ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری

- اسلامی ایران، قم؛ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۹.
۱۲. محمدی، منوچهر، آزادی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای، تهران؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، بهزاد، ۱۳۸۱.
۱۴. معلوف، لوئیس، المنجد، ترجمه بندر ریگی، تهران، ایران، ۱۳۸۴.
۱۵. مطهری، مهدی، اقدام و عمل، تهران؛ انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۶. معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج، آسیب شناسی سیاست خارجی و رفتارشناسی اروپا و آمریکا، تهران، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۴.
۱۷. موسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، توهم سلطه، تهران؛ انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۸. موسسه تبلیغات اسلامی، حدیث ولایت؛ مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران؛ موسسه تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۹. موسسه قدر ولایت، سیرت آفتاب، تهران، قدر ولایت، ۱۳۸۶.
۲۰. \_\_\_\_\_، قصه آفتاب (زندگینامه مقام معظم رهبری)، تهران، انتشارات فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۱.
۲۱. \_\_\_\_\_، جرعه نوش کوثر، تهران، قدر ولایت، ۱۳۸۲.
۲۲. عیسی ولایی، مبانی سیاست در اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.

## نقش تحکیم باورها و ارزش‌های دینی در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران

### محبوبه غنی<sup>۱</sup>

#### چکیده

امروزه انقلاب اسلامی ایران در جهان جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. این انقلاب معادلات سیاسی ابرقدرت‌ها را بر هم زده، از این رو مورد هجمه‌ی مستکبران جهانی قرار گرفته است. آرمان اصلی انقلاب تحقق جامعه‌ای نمونه و برخوردار از شاخصه‌های رشد و تعالی انسانی و اسلامی می‌باشد. ماهیت انقلاب طرد همه‌ی ارزش‌های غیر اسلامی است. تلاش برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی از رسالت‌های مهم مردم و حکومت می‌باشد. برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی راهکارهای متعددی ارائه شده است که از جمله آنها، تحکیم باورها و ارزش‌های دینی انقلاب اسلامی است. ارزش‌ها مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل در نظام اعتقادی انسان به شمار می‌رود. با تکیه بر ارزش‌ها پایه‌های انقلاب و نظام اسلامی استوار می‌ماند. رسالت ما احیاء هویت دینی است. اینکه ارزش‌های انقلاب اسلامی چه چیزهایی هستند و تحکیم باورها و ارزش‌های دینی انقلاب اسلامی چه نقشی در حفظ و تداوم انقلاب دارند پرسش‌هایی است که این پژوهش به آن‌ها می‌پردازد.

#### کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، ارزش‌های دینی، تداوم انقلاب هویت دینی.

#### مقدمه

خداوند متعال، در قبال اعطای هر نعمتی، تکلیفی متناسب با آن برای بندگان مقرر فرموده است. پیروزی انقلاب اسلامی نعمتی بزرگ از جانب خداوند است. ملت انقلابی ایران که در این دوران، از بزرگترین نعمت‌های الهی برخوردار گردیده است، بزرگترین تکلیف تاریخ را هم بر دوش دارد. وقتی سخن از حفظ و تداوم انقلاب به میان می‌آید، سخن از وظایف سنگین ما در برابر این انقلاب هم به میان می‌آید. ما مسئولیم تا بکوشیم که این انقلاب به مسیر خود ادامه دهد و از انحراف یا سقوط مصون بماند. برای حفظ و تداوم انقلاب باید راهکارهای آن را شناخت. از جمله راهکارهای بقای انقلاب اسلامی تحکیم باورها و ارزش‌های دینی آن است. باورها و ارزش‌های دینی اساسی‌ترین عامل در ساختار فکری و اعتقادی انسان‌ها هستند. با تکیه بر ارزش‌ها و باورهای دینی انقلاب اسلامی پایه‌های نظام اسلامی

sarbazz.aa.bb@gmail.com.

<sup>۱</sup>. سطح دو، حوزه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) - شیراز.



مستحکم می‌ماند. حاصل آن که پاسداری از آرمان‌های اسلامی انقلاب ضامن نظام جمهوری اسلامی است. این مقاله با راهبردی توصیفی پس از بیان اهمیت و جایگاه انقلاب اسلامی، ضرورت حفظ و تداوم آن و بیان راهکارهای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی به بررسی ارزش‌های انقلاب اسلامی و نقش تحکیم باورها و ارزش‌های دینی انقلاب اسلامی در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و رسالت ما در برابر انقلاب اسلامی می‌پردازد.

## ۱\_ اهمیت و جایگاه انقلاب اسلامی

در قرن ما، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، حادثه مهم و حیرت‌انگیزی برای جهان بود که می‌توانست در رابطه با مسائل سیاسی جهان و منطقه ایفاگر نقش تعیین‌کننده و تحولات غیر قابل پیش‌بینی باشد. این حادثه بزرگ قرن، از یک سو معادلات سیاسی استکبار را در ادامه‌ی سیاست سلطه و تقسیم استعماری جهان به هم زد و از سوی دیگر، یکی از استوارترین رژیم‌های وابسته را که از حمایت قدرتهای بزرگ برخوردار بود، ریشه کن نمود؛ و در کشوری چون ایران، با اهمیتی که از نظر استراتژیکی و اقتصادی برای قدرتهای بزرگ جهان دارد، تحولی سیاسی\_مردمی و عظیم به وجود آورد. مهم‌تر اینکه، روند انقلاب اسلامی با آگاهی‌های عمیق که در میان ملت‌های مسلمان به ویژه در کشورهای اسلامی به وجود آورد، زمینه‌ی تحولات سیاسی ریشه‌دار و بینش‌ها و گرایش‌ها و حرکت‌ها و سازماندهی‌های چشمگیری را فراهم آورد. انقلاب اسلامی یک بار دیگر اسلام را به عنوان یک قدرت تعیین‌کننده در جهان مطرح نمود. (زنجان‌ی، ۱۳۷۱، ص ۳) به تعبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (رحمه الله) در وصیت نامه سیاسی الهی خویش می‌فرماید:

«این انقلاب بزرگ که دست جهان خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد با تائیدات غیبی الهی پیروز گردید اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت و بنابراین امانت الهی و تحفه‌ی الهی و هدیه‌ی غیبی و پدیده الهی است که از جانب خداوند منان به ملت ایران عنایت شده و شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه‌ی انقلاب‌ها جدا است، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۷)

انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی است. شکل‌گیری انقلاب ناشی از تحول و رشد فرهنگی جامعه و روی آوردن اقشار مختلف به ارزش‌های اسلامی بوده است و آرمان اصلی انقلاب هم تحقق جامعه‌ای نمونه و برخوردار از شاخص‌های رشد و تعالی انسانی و اسلامی است. (مجموعه مقالات، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹)

نگاهی به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران مشخص می‌کند که ماهیت انقلاب ما \_ به قول استاد مطهری\_ «طرد همه‌ی ارزش‌های غیر اسلامی و تکیه بر ارزش‌های مستقل اسلامی» بوده است. (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۴۸)

انقلاب اسلامی ایران منادی گفتمان جدید و متفاوتی بود که می‌توان تأثیرات آن را حتی پس از گذشت چهار دهه از زمان پیروزی آن در سطوح داخلی، منطقه‌ای و حتی جهانی، به خوبی مشاهده کرد. حجم انبوه آثار و منابعی که در مورد انقلاب اسلامی توسط محققان خارجی و داخلی پدید آمده است نشان از اهمیت، عظمت و تأثیرات این انقلاب بزرگ دارد. تاکنون انقلاب‌های متعددی در دنیا رخ داده که هر کدام در نوع خود به یکباره معادلات قدرت‌های بزرگ جهانی را بر هم زد و از این منظر منشأ دگرگونی در موازنه قدرت گردید که این نیز خود بر اهمیت انقلاب اسلامی ایران افزود. اسلام و محتوای دینی از جمله شاخص‌های انقلاب ایران بود که آن را از سایر انقلاب‌ها متمایز کرد و به آن اهمیت داد. در واقع اسلام مهمترین بستر انقلاب ایران بود. اسلامی که به انقلاب ۱۳۵۷ ایران ماهیت و ظاهری دینی داد؛ انقلابی که چه از لحاظ رهبری، چه از لحاظ خواست توده‌های مردم، چه از لحاظ مبدأ و چه از لحاظ نهادهای پس از پیروزی، انقلابی دینی و اسلامی به شمار می‌رود. امام خمینی (رحمه الله) پدید آورده گفتمانی از اسلام بود که تمام زوایای زندگی انسان‌ها را در بر گرفت؛ سیاست را همنشین دیانت کرد و طرحی جدید را به جهانیان معرفی نمود. (عباسی اشقلی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰-۱۱۳)

از منظر دیگر ماهیت دینی انقلاب اسلامی ایران چالشی جدی در برابر دنیای شرق که دین را افیون توده‌ها می‌دانست و دنیای غرب که آن را از عرصه سیاسی \_ اجتماعی بشر به حاشیه رانده بود، ایجاد کرد. پیدایش این انقلاب در عرصه داخلی و بین‌المللی، تفاوت داشت. بنیادین آن با سایر انقلاب‌های جهان، ظرفیت‌های فراوان ایدئولوژی آن در برانداختن طرحی نو در اداره شئون مختلف جامعه در مواجهه با پارادایم‌های غالب کمونیستی و لیبرالیستی و در نهایت تأثیرگذاری شگرف این تحول بر ملل مظلوم جهان به خصوص تأثیرگذاری بر ظهور و بروز جنبش‌های سیاسی اسلامی و غیر اسلامی آزادی خواه باعث توجه محافل فکری و سیاسی به این پدیده بزرگ گردید. (متقی زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷-۱۰۵)

## ۲\_ اهمیت و ضرورت حفظ انقلاب اسلامی

ضرورت و اهمیت حفظ انقلاب اسلامی مورد توجه خاص حضرت امام (رحمه الله) و مقام معظم رهبری است. در دیدگاه امام راحل حفظ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی یک واجب عینی است. ایشان می‌فرمایند:

«آحاد مردم یکی یکشان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی، اهم مسائل واجب دنیا، اهم است، از نماز اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه این حفظ اسلام است، نماز فرع اسلام است. این تکلیف برای همه ما است.» (موسوی خمینی، ۱۴۲۹ ه ق، ص ۴۸۶)

در این کلام هر چند انقلاب اسلامی قید نشده است اما مقام معظم رهبری در تفسیری روشن نظام اسلامی را همان تجسم انقلاب اسلامی می‌دانند:

«حفظ موجودیت انقلاب کار اول ما است که در استمرار نظام جمهوری اسلامی تجسم یافته است. به همین خاطر، امام (رحمه الله) مکرر می‌فرمودند: حفظ نظام اسلامی، واجب‌ترین فریضه است. انقلاب از نظام جمهوری اسلامی جدا نیست، نباید کسی خیال کند که این دو از هم جدا هستند. تجسم انقلاب، نظام جمهوری اسلامی است.» (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷، ص ۱۴۷)

بنابراین آنجا که امام خمینی (رحمه الله) بر حفظ جمهوری اسلامی و نظام اسلامی به عنوان یک فریضه الهی تاکید می‌کنند، حفظ انقلاب اسلامی هم یک فریضه الهی تلقی می‌شود. اشاره به سایر تاکیدات ایشان بیشتر توجه آن امام راحل را نشان می‌دهد:

«باید ما برای ادامه این فریضه الهی، برای ادامه این انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی کوشش کنیم و کوششمان را افزون کنیم؛ برای اینکه آنها، مخالفین ما، مخالفین اسلام کوشش‌شان را هر روز افزون می‌کنند.» (موسوی خمینی، ۱۴۲۹ ه ق، ص ۳۳)

## ۳\_ راهکارهای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

از جمله راهکارهای اساسی در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی عبارتند از:

الف \_ تحکیم باورها و ارزش‌های اسلامی؛

ب \_ اهتمام نسبت به مسایل فرهنگی؛

ج \_ تقویت و برتری نظامی؛

د \_ حفظ وحدت کلمه؛

ه \_ حفظ شور و نشاط انقلابی؛ ( مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۸-۱۸۶)

۴ \_ مفهوم ارزش و ارزش‌های انقلاب اسلامی.

هر مکتبی، مجموعه‌ای است از بایدها و نبایدها، آمیخته‌ای است از ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، معجونی است از باورها و ضدباورها، اما ارزش چیست؟ ارزش و اعمال ارزشی، تعاریف بسیاری دارند یکی اینکه ارزش، وسیله سنجش اعمال در دستگاه مکتب است، یعنی به میزان رشد مکتب در طبقات اجتماعی، می‌توان اعمال را ارزیابی کرد و برای آنها تعیین ارزش نمود. انسان در تمام قرون و اعصار، همواره به دنبال یک سری از مسائلی بوده است که آنها را سرلوحه اعمال و کردار روزانه خویش قرار دهد. که حال این مسائل می‌تواند شامل مسائل ایدئولوژی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باشد. بیشتر این مسائل طبیعتاً در حول و حوش مسائل مذهبی و دینی دور می‌زند چرا که انسان همیشه سعی بر این دارد و داشته است که تمام مسائل را از دیدگاه دستورات مذهبی ببیند و همین دیدگاه، باعث می‌شود که یک سری از دستورات برای او حالت تقدس و ارزش را پیدا کند و او را ملزم به تبعیت از آنها نماید هر چند که گاهی آنها را نسخ و بعضاً تغییر می‌دهد. ( مجموعه مقالات چهارمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰)

پاره‌ای از برجسته‌ترین ارزش‌ها و ویژگی‌های انقلاب اسلامی به طور خلاصه می‌توان چنین برشمرد:

یکم، تکیه بر ارزش‌های دینی به جای ارزش‌های عرفی است که روند مسلط جهانی بوده و روز به روز در حال همه گیرتر شدن است. اعم از این که این ارزش‌های دینی در اشکال متصور در دهه شصت پیاده شدنی و قابل اجرا تلقی می‌شدند که نوعی تقابل را ضمناً طبیعی می‌شمردند، و یا در اشکال متصور در زمان حاضر قابل اجرا تلقی شوند، که بر تقابلی خاص تأکید نمی‌شود. برای مثال فرض کنیم ارزش‌های اومانیستی (انسان محوری) در غرب مطرح است؛ چه کسی می‌تواند بگوید که این ارزش‌ها ذاتی سیستم سرمایه داری و غرب است؟ و چرا نباید بتوانیم انسان دینی را در درون ساخت‌های آن سیستم و تکنولوژی (فن آوری) تعبیه کنیم و ارزش دینی و تکنولوژی غربی را توأمان داشته باشیم؟ که این همان جایگزینی ارزش‌های دینی با ارزش‌های عرفی است.

دوم، همبستگی دینی به مثابه همبستگی فرامرزی و فراملی است؛ به گونه‌ای که مقابله با سیستم و روند مسلط جهانی را در چارچوب نوع جدیدی از «انترناسیونالیسم» در بردارد. یعنی همان چیزی را که مارکسیست‌ها در اوایل قرن بیستم ادعا می‌کردند، ما در یک شکل دینی عرضه می‌کنیم.

سوم، مبارزه با استثمار است، به طوری که در مقابل انباشت سرمایه و روند جهانی نظام سرمایه‌داری، مقاومت در برابر استثمار شکل گرفت.

چهارم، ارزش‌های جمعی در مقابل فردگرایی است. این امر تا حدی نیز ذاتی دین است؛ گرچه ارزش‌های جمعی را در صورت غیر دینی‌اش هم می‌بینیم. (زارع، ۱۳۴۸، ص ۲۵۴-۲۵۳)

از جمله ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران که مقام معظم رهبری بر لزوم حفظ و تقویت آن تأکید کرده‌اند: «ساده زیستی مسئولان»، «استکبارستیزی»، «سلطه‌ستیزی»، «بیگانه‌ستیزی»، «استبدادستیزی»، «افتخار به انقلابیگری»، «عدالت طلبی»، «دوری از تجمل‌گرایی»، «اجتناب از اشرافیگری»، «نفی استثمار»، «نفی سلطه‌پذیری»، «نفی تحقیر ملت به وسیله قدرت‌های سیاسی دنیا»، «نفی وابستگی سیاسی»، «نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور»، «نفی سکولاریسم اخلاقی و اباحیگری»، «دفاع از مظلومان جهان»، «فتح قلعه‌های دانش»، «کرامت انسان»، «سعی برای ایجاد برادری و برابری»، «اخلاق»، «ایستادگی در مقابل دشمن»، «ایمان»، «استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی»، «آزادی فکر»، «رواج اخلاق فاضله»، «حکومت مردمی»، «حکومت صالح و انسان‌های برخوردار از دین و تقوا در رأس کارها» و... .

## ۵\_ نقش تحکیم باورها و ارزش‌های دینی در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران

از جمله راهکارهای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی تحکیم باورها و ارزش‌های دینی انقلاب است. از بدیهی‌ترین عواملی که سبب می‌شود انقلاب همچنان با صلابت و استقامت به راه خود ادامه دهد و در راه حفظ و اعتلای اسلام بکوشد، پاسداشت ارزش‌های انقلاب است که برای به ثمر رساندن و مصون ماندن آن از هرگونه آفت، هزاران شهید و جانباز تقدیم آن شده است. کوتاهی و قصور در احیاء و گسترش ارزش‌های انقلاب عقوبتی را به همراه خواهد داشت که نمود روشن آن از میان رفتن ارزش‌های اسلامی و جایگزینی ارزش‌های غیر اسلامی در جامعه خواهد بود. از این رو ضرورت دارد در حفظ و احیای این ارزش‌های الهی و اسلامی از هر جهت تلاش‌های لازم به عمل آید. امام خمینی (رحمه الله) در این باره می‌فرماید:

«اسلام ... مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیر توحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار نموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است.» (سهرابی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳)

به همه مسئولان کشورمان تذکر می‌دهم که در تقدم ملاک‌ها، هیچ ارزشی و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسئولیت‌ها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود.

همان‌گونه که خداوند متعال پیامبر خویش را از یک‌سو، با نصرت و مدد‌های غیبی خود و از سوی دیگر، به وسیله‌ی مؤمنان به پیروزی رساند، در این عصر نیز امام خمینی (رحمه الله) راه، از یک سو، با مدد‌های غیبی، نصرت الهی و عوامل روحی و معنوی و از سوی دیگر، به دست ملت مسلمانی که ایمان واقعی به اسلام و انقلاب داشتند و طالب رضایت خداوند و برقراری حکومت عدل اسلامی به دست امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) بودند، تقویت و تأیید فرمود. مادامی که این ایمان، و نه اظهار ایمان، باقی باشد، به انقلاب هیچ گزندی نخواهد رسید. بنابراین، در صورتی که ملت ایران، پایه‌های ایمان خود را محکم و عقاید برحق خود را تقویت کند، هرگز تحت تأثیر تبلیغات سوء واقع نخواهد شد و به خود سستی راه نخواهد داد:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: آیه ۳۹)

«و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید چراکه شما برترید.»

در درجه‌ی بعد باید تلاش کرد که این ایمان را با عمل صالح آبیاری کرد تا همچنان پا برجا باقی بماند. از این رو در بسیاری از آیات قرآن کریم، خداوند متعال ایمان را در کنار عمل صالح ذکر فرموده است. در درجه‌ی بعد نیز باید روابط با دوستان و خودی‌ها را، که سمبل ایمان و عشق به ولایت است، تقویت کرد و غیر خودی‌ها را از خود دور کرد، چرا که رابطه با آنان موجب قطع رابطه با خداوند خواهد گردید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ» (مائده: آیه ۵۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند و هر کس از شما آن‌ها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود.»

حاصل آن که، پاسداری از آرمان‌های اسلامی، یکی از ضمانت‌های حفظ نظام جمهوری اسلامی است. در صورتی که این اهداف به فراموشی سپرده نشوند و در عمل نیز به اجرا درآیند، خداوند متعال، همان‌گونه که در ایجاد انقلاب، مردم را یاری رساند، در بقای آن نیز چتر حمایت خود را بر سر آنان نگه خواهد داشت. تقویت اعتقاد به ولایت فقیه در میان جوانان و زدودن شبهات پیرامون آن، از وظایف خطیری است که در جهت پاسداری از آرمان‌های اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است، به ویژه آن که نوک پیکان حملات دشمن بر همین نقطه نشانه رفته است.

راهکار عملی مبارزه با انحرافات از این قبیل این است که مردم از نظر فکری و شناخت اسلامی آنچنان تقویت شوند که افکار انحرافی در آن‌ها اثر نگذارد و از جنبه‌ی آگاهی دینی به طوری قوی باشند که تحت تأثیر شبهات واقع نشوند، و بالاتر، شبهه‌ها را هم پاسخ گویند و اسلام صحیح را بشناسند تا مخالفان مکتب نتوانند افکار غیر اسلامی را به جای اسلام به آنها تحویل دهند. بنابراین برای حفظ ماهیت نظام که همان اسلامی بودن آن است، باید احکام و مبانی اسلامی را در جامعه ترویج کرد. بدیهی است که روحانیت می‌تواند نقشی اساسی در این زمینه ایفا نماید، چراکه اسلام، دینِ خاتمِ انبیا، کامل‌ترین مکتب و جامع تمام راه‌کارهایی است که انسان برای قرب خداوند به آن‌ها نیاز دارد، و سعادتِ دنیا و آخرتِ او، تنها با پای‌بندی به این شریعتِ جاوید و آسمانی میسر می‌شود. از سوی دیگر، برای شناسایی درست و دقیق اسلام و احکام و معارف آن، می‌باید به کتاب خدا و سنت معصومان (علیهم السلام) مراجعه کرد. این امر عظیم و ظریف از عهده‌ی هر کسی بر نمی‌آید، و شاهد این مدعا، تمام بدعت‌ها و افراط‌ها و تفریط‌ها و انحرافات است که از صدر اسلام تاکنون، و به نام قرآن و اسلام صورت پذیرفته است. از این روی برای آن که اسلام بتواند نقش خویش را در سعادت انسان به نحو کامل ایفا کند باید کسانی باشند که راه شناخت واقعی آن را بدانند.

اما تنها راه شناخت اسلام واقعی در زمان فقدان ائمه اطهار (علیهم السلام) و غیبت امام عصر عبارت است از تحقیق درست در کتاب و سنت با به‌کارگیری ادله‌ی قطعی عقلی؛ چراکه در این دوران، دسترسی به امام معصوم (علیه السلام) عادتاً میسر نیست. بر این اساس برای یافتن حقیقت تعالیم و معارف وحی می‌باید به کمک شیوه‌ها و براهین قطعی عقلی به کتاب و عترت مراجعه کرد و علوم و موارد اهل بیت (علیهم السلام) را به دست آورد، و این کار، تنها به دست متخصصان سخت‌کوش و با تقوای علوم دین صورت می‌گیرد، و در اختیار همه‌ی مردم نهاده و تبلیغ می‌شود؛ یعنی در واقع فقیهان و عالمان راستین دین هستند که با

بهره‌گیری از علوم عقلی و نقلی، روات و احادیث معتبر را شناسایی می‌کنند و با استفاده از شیوه‌های یقین‌آور و معتبر، معارف و احکام دین را از منابع و معادن آن بر می‌آورند، و به تعلیم و تبیین و نشر آن‌ها می‌پردازند. بنابراین، بقا و پویایی اسلام، در گرو وجود فقیهان پرهیزگار و روحانیان تقوا پیشه‌ای است که جسم و جان خود را وقف دین خدا ساخته و ادامه‌ی راه پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) را بر عهده گرفته‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۸-۱۸۶)

ارزش‌های انسان‌ساز اسلام، از ماندگارترین موارث انقلاب اسلامی‌اند. آموزه‌های دینی، رهبری بی‌بدیل امام خمینی (رحمه الله) و نقش ارشادی عالمان و روحانیان متعهد، تأثیر غیر قابل انکاری در احیا، گسترش و تعمیق معارف و ارزش‌های اسلامی داشته‌اند. (خطیبی کوشکی، ۱۳۸۶، ص ۹)

تا زمانی که ملت ما پای‌بند به ارزشهای دینی باشد و اتحاد خود را حفظ کند، جوانان ما شور و احساس انقلابی خود را ادامه دهند و روحانیون در صحنه باشند و دین منشأ زندگی عموم باشد، امریکا و تمامی قدرتهای سلطه‌گر هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۸) برخی از عوامل مؤثر در گسترش ارزش‌ها عبارتند از:

## الف\_ تقویت ایمان

امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

«ایمان روشن‌ترین راه‌ها و نورانی‌ترین چراغ‌ها است. با ایمان می‌توان به اعمال صالح راه برد و با اعمال نیکو به ایمان می‌توان دسترسی پیدا کرد.» (شهیدی، ۱۳۹۲، خطبه ۱۵۶)

مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه «راز ماندگاری این انقلاب اتکالی به ایمان‌ها است، تکیه بر خدا است.» (بیانات در دیدار با کارکنان نیروی هوایی، ۱۳۸۸/۱۱/۱۹) در مناسبتی ایمان را اساسی‌ترین عامل در حفظ نظام اسلامی و ارزش‌های آن نام برده و فرمودند:

«ایمان بود که مردم ما را در انقلاب پیروز کرد. ایمان بود که ملت ما را در جنگ، به پیروزیهای درخشان رساند. ایمان مردم بود که اسلام و قرآن را در دنیا سر بلند کرد و جمهوری اسلامی را به این عزت و عظمت رسانید. این ایمان است که به خانواده‌های شهدا، صبر و قوت و استقامت می‌دهد. این ایمان را قدر بدانید و حفظ کنید. این، آن چیزی است که هیچ سلاحی در مقابل آن، کارگر نیست.»



استکبار جهانی، چه دارد؟ امریکا، چه دارد که بر کشورها و دولتهای مختلف عالم، فخر و برتری می-فروشد؟ سلاح مادی، تجهیزات، پول، بمب، هواپیما و ناوگان مجهز دارد. البته اینها در مقابل تجهیزات مادی از جنس خود آن تجهیزات، قوی و کارآمد است؛ اما در مقابل ایمان چه؟ در مقابل ایمان، تجهیزات استکبار و امریکا، هیچ کارایی ندارد. مردم ما، با سلاح ایمان مسلحند. لذا است که استکبار نمی‌تواند انقلاب شکوهمند و با عظمت ملت ایران را شکست بدهد. ملت ایران، به خاطر ایمان عمیق به اسلام، یک ملت شکست‌ناپذیر است. (سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای ایلام، ۱۳/۱۰/۱۳۶۹)

### ب\_ تقویت پیوند با روحانیت

مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه بدون حضور علما انقلاب و ارزش‌های آن حفظ نخواهند شد فرمودند:

«نقش علمای دین در هدایت مردم، منحصر نمی‌شود به هدایت در امور فرعی و مسائل شخصی و اینها. مهمتر از همه‌ی اینها، هدایت مردم است در مسئله‌ی عظیم اجتماعی و مسئله‌ی حکومت و مسئله‌ی نظام اسلامی و وظائفی که مترتب بر این هست در مقابله‌ی با حوادث جهانی. یقیناً اگر نقش علمای دین و راهنمایان روحانی حذف می‌شد و وجود نمی‌داشت، این انقلاب تحقق پیدا نمی‌کرد؛ این نظام به وجود نمی‌آمد و باقی نمی‌ماند، با این همه مشکلات فراوانی که در سر راه این انقلاب به وجود آوردند. بنابراین علمای دین تأثیر ماندگار و مستمری در حوادث جامعه و سرنوشت جامعه دارند.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۶)

### ج\_ کسب و افزایش بصیرت

برخوردار شدن از بصیرت مهم‌ترین امر در دفاع از دین است تا عنصر بصیرت و هوشیاری وجود نداشته باشد واقعیت‌ها تشخیص داده نشده و حقایق فهمیده نمی‌شود. در نتیجه فرد فاقد بصیرت، درک و فهم درستی از اوضاع و احوال نخواهد داشت و از مسیر اصلی خارج شده و هدف را گم خواهد کرد. به همین دلیل است که امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«کسی که بدون بصیرت و دانایی به کاری دست می‌زند مانند مسافری است که در بیراهه می‌رود. او هر قدر بر سرعت رفتن خود می‌افزاید به همان نسبت از جاده دورتر می‌شود.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه ق، ص ۲۰۶)

## ۶\_ رسالت ما در تحکیم باورها و ارزش های دینی

اگر انقلاب اسلامی ایران تداوم راه انبیا است (چه این که این چنین است) و اگر وعده‌ی خداوند سبحان که فرمود: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي» (مجادله: آیه ۵۸). و فرمود: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» (حج: آیه ۲۲) قطعی است (چه این که هست) ما هم در تداوم انقلاب اسلامی که تداوم راه انبیا (علیهم السلام) است، کوشا خواهیم بود و هم چشم امید به امدادهای غیبی خواهیم داشت، چه این که تاکنون این چنین بوده است. ( جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۴)

امروزه دنیای غرب امکانات فراوان و تجربه‌های بسیاری دارد که جهت ترویج فرهنگ و نفوذ افکار و اندیشه‌های خود از آنها بهره‌گیری می‌کند. غربی‌ها تجربه‌های خود را در قالب برنامه‌های دقیق فرهنگی، هنری، اقتصادی و سیاسی ریخته و با مدد تکنولوژی پیشرفته، تهاجم همه جانبه‌ای را علیه فرهنگ ملت‌ها آغاز کرده‌اند که اگر برای مقابله با آن چاره‌ای اندیشیده نشود به زودی شاهد نسخ هویت‌ها و انحلال فرهنگ ملت‌ها خواهیم بود. در چنین شرایطی جهان اسلام به طور اعم و علاقه مندان به انقلاب اسلامی به طور اخص، باید برای صیانت از مرزهای فرهنگی خود تلاشی مضاعف کنند، زیرا شرایط موجود دنیا از یک سو، امکانات مادی و معنوی ما از سوی دیگر موجب می‌شود تا خود را متناسب با زمان آماده کنیم. با توجه به این موضوع، برای مقابله و مقاومت افزون تر و مصونیت هر چه بیشتر، رسالت ما ایجاب می‌کند تا با برنامه‌ریزی جامع تر و سرمایه‌گذاری فراوان تر، به یک سلسله اقدامات سازنده دست بزنیم که از مهمترین این اقدامات احیای هویت دینی است.

از رسالت‌های مهم ما، در شرایط فعلی جهان، احیای هویت دینی است زیرا استکبار جهانی با سرمایه‌گذاری عظیم خود و با ابزار پیشرفته‌ای که در اختیار دارد، به دنبال مسخ ارزش‌های اسلامی و در نتیجه مسخ هویت دینی جامعه است، چرا که دین اگر به صورت صحیح و خالی از هرگونه انحراف عرضه و ترویج گردد، انسان را به خود و باورهای ارزشی خود بازگردانده، هویت انسانی او را با مایه‌های اعتقادی احیا نموده و از این طریق انسان را به نوعی استقلال و خوداتکایی می‌رساند و در نهایت راه هرگونه نفوذ افکار بیگانه را به حوزه جان می‌بندد. ( تقوی دامغانی، ۱۳۸۷، ص ۳۸-۳۷)

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره فرمودند: در مقطعی از زمان، انسان‌های عادل، بار مسئولیت دین را بر دوش می‌کشند و تأویل اهل باطل و تحریف افراط گرایان و نسبت‌های بی‌پایه‌ی جاهلان را می‌زدایند. (حرعاملی، ۱۳۹۱ ه ق، ص ۱۵۰) شهید بزرگوار استاد مطهری می‌فرمایند:

«ما اکنون بیش از هر چیز نیازمندیم به یک رستاخیز دینی و اسلامی، به یک احیاء تفکر دینی، به یک نهضت روشنگر اسلامی.» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۰)

امام خمینی (رحمه الله) در فرازی از وصیت نامه الهی \_سیاسی خود می فرماید:

«باید هوشیار و بیدار و مراقب باشد که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی، شما را به سوی این چپاول گران بین المللی نکشند و با اراده، فعالیت و پشتکار خود، به رفع وابستگی ها قیام کنید و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یاس را از خود دور کند... در دراز مدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ص ۴۰-۳۹)

به تعبیر امام خمینی (رحمه الله) «خودی خود» را وقتی می یابیم که به ریشه ها و هویت خویش بازگردیم و همه ترس استکبار جهانی و عوامل دست نشاندهی آنها از همین بازگشت است، چنان که سفیر واتیکان در آنکارا، پدیده ی اسلام گرایی و بازگشت ملت های اسلامی را به هویت اسلامی خویش، خطری جدی تلقی نموده و لزوم مقابله با آن را تأکید می کند و می گوید:

«ترویج بنیادگرایی اسلامی در ترکیه، ممکن است تمام کوشش ها را برای پیوستن ترکیه به اروپا، بر هم بزند. بنیادگرایی مذهبی نه ساخت دست افرادی است که سیاست را با مذهب اشتباه گرفته اند... بنیادگرایی مذهبی، تنها منحصر به اسلام نیست بلکه جهان مسیحیت نیز دچار چنین مشکلی است. مذهب شیعه همیشه مورد استفاده مقاصد سیاسی قرار گرفته است.»

احیاء هویت دینی را باید از مسیر بازگشت به قرآن، دنبال کرد. قرآن کتابی است که با منطق فطرت سخن می گوید و مفاهیم بلند، نفوذ کلام، آهنگ دلنواز، تکریم از عقل و اندیشه و جامعه نگرایی آن موجب گشته تا اساس بزرگترین تحول و انقلاب در طول تاریخ بشریت باشد و مبنای تمدن بزرگ اسلامی قرار گیرد. ( تقوی دامغانی، ۱۳۸۷، ص ۴۰)

## نتیجه گیری

انقلاب اسلامی راهی است که هدف آن اسلام و ارزش های اسلامی است. ضرورت و اهمیت حفظ انقلاب اسلامی مورد توجه خاص حضرت امام و مقام معظم رهبری است. از جمله راهکارهای اساسی در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی عبارتند از:

ارزش‌ها و باورهای دینی اساسی‌ترین عامل در نظام اعتقادی و بازخوردهای انسان است. تلاش برای تقویت باورها و پاسداشت ارزش‌های انقلاب از وظایف مهم نظام اسلامی است. ارزش‌های انقلاب عبارتند از:

الف \_ تکیه بر ارزش‌های دینی به جای ارزش‌های عرفی؛

ب \_ همبستگی دینی به مثابه همبستگی فرامرزی و فراملی؛

ج \_ مبارزه با استثمار؛

د \_ ارزش‌های جمعی در مقابل فردگرایی؛

پاسداری از آرمان‌های اسلامی یکی از ضمانت‌های حفظ نظام جمهوری اسلامی است.

برخی از عوامل گسترش و صیانت ارزش‌ها عبارتند از: تقویت ایمان، تقویت پیوند با روحانیت، کسب و افزایش بصیرت. رسالت ما در شرایط فعلی جهان، احیاء هویت دینی است زیرا استکبار جهانی به دنبال مسخ ارزش‌های اسلامی و در نتیجه مسخ دینی، ارزش دینی جامعه است.

## فهرست منابع و مآخذ

\* قرآن

\* نهج البلاغه

## کتاب فارسی

۱. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، آمریکا از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله)، جلد ۱، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۴. ش.
۲. تقوی دامغانی، رضا، تأملات فرهنگی، چاپ پنجم، تهران، نخیل، ۱۳۸۷. ش.
۳. جوادی آملی، عبدالله، بنیان مرصوص امام خمینی (رحمه الله) در بیان و بنیان آیت الله جوادی آملی، قم، اسراء، ۱۳۸۴. ش.
۴. خطیبی کوشک، محمد، راهکارهای حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، جلد ۱، چاپ اول،

- قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۶ ه.ش.
۵. دفتر مقام معظم رهبری، حدیث ولایت، چاپ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ه.ش.
  ۶. زارع، عباس، آخرین انقلاب، جلد ۱، بی جا، ۱۳۴۸ ه.ش.
  ۷. سهرابی، محمد، استراتژی دفاعی در اندیشه امام خمینی (رحمه الله)، چاپ دوم، تهران، عروج، ۱۳۸۶ ه.ش.
  ۸. عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی ریشه‌های آن، چاپ پنجم، تهران، نشر کتاب سیاسی، ۱۳۷۱ ه.ش.
  ۹. مصباح یزدی، محمد تقی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، چاپ دوازدهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۹۶ ه.ش.
  ۱۰. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ هفدهم، قم - تهران، صدرا، ۱۳۷۹ ه.ش.
  ۱۱. \_\_\_\_\_، ده گفتار، جلد ۱، چاپ پنجم، قم - تهران، صدرا، ۱۳۶۸ ه.ش.
  ۱۲. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام، جلد ۱۵، ۱۹، ۲۰، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (رحمه الله)، ۱۴۲۹ ه.ق.
  ۱۳. موسوی خمینی، روح الله، وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی (رحمه الله)، چاپ هجدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۷ ه.ش.

### کتاب عربی

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۲۷، چاپ چهارم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ه.ق.
۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه.ق.

### مقالات

۱. ارگان خبری روابط بین‌المللی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «فصلنامه بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۳.
۲. عباس اشقلی، مجید، «بازتاب‌های معنا‌گرایانه انقلاب اسلامی ایران به اسلام‌گرایی خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، ۱۳۹۱ ه.ش.
۳. فرهنگ جامعه انقلاب، «مجموعه مقالات»، کانون اندیشه جوان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴ ه.ش.
۴. متقی زاده، احمد، «مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، پیش شماره ۱، ۱۳۹۰ ه.ش.

## سایت‌ها

۱. [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir).

عَلِيٌّ

الدِّينُ عِزٌّ، وَ الْعِلْمُ كَنْزٌ، وَ الصَّمْتُ نُورٌ

دين، عزت است و دانش، گنج، و سكوت، روشنايي

بحار الأنوار: ج ٧٨، ص ٧٩، ح ٥٦



Ahlobait.com